سلسله نسب خود را در نوشتجات پدر و عموی خود باین ترتیب یافته‌ام محمد بن حسین
بن علیرضا بن میر کمال الدین محمد بن اسمعیل بن محمد صادق المدرس الحسینی الهمدانی

میرزا علیرضا و میر کمال الدین و آقا سید اسمعیل و عمو سید جواد و عمو در کوچه
وسط قبرستان قم قرب حرم حضرت معصومه که آن کوچه معروف بشیخان
است در مقبره ذکریا بن آدم مدفونند — و قبر پدر و مادر اقوام
در اطراف همان مقبره است این سلسله منتهی میشوند به داماد آقا خوند ملا
محمد طاهر که با آخوند ملا محسن فیض معاصر بوده و [illegible]
عمو سید جواد عموی خود را اطلاعاتی مضبوط است
مرحوم میر کمال الدین محمد دارای ۵ پسر بوده میرزا علیرضا و میرزا ابوالفضل

میرزا علیرضا و افضل از زمره علمای اکبر قم و معاصر فتحعلیشاه بوده مسجد جامع
قم با مر فتحعلیشاه برای امرحوم تعمیر شده و فرمانی در باب تعمیر مسجد برای
امرحوم از فتحعلیشاه صادر شده که موجود است و دیگر قبر امرحوم میرزا
ابوالقاسم قمی صاحب قوانین را خریده و دارای آن قطعه [illegible]
و از زنهای دیگر که از جمله آنها سیده خانم کاشی جده من است فرزندان
اولاد و هم [illegible] — عمو سید [illegible] — عمو سید جواد
آقا سید حسن — عمو میرزا ابوالحسن — آقا سید علی — جعفر خانم
عمو سید جواد از علمای مشهور و معروف قم بوده و در منبر [illegible]

و اولاد متعدد دارا و تاریخ [illegible] است

از مرحوم حاج میرزا [illegible] سلیل [illegible] آقا محمد علی [illegible] اخوی بزرگ [illegible]

اخوی [illegible] دختر [illegible] دیگر

میرزا ابوالحسن [illegible] میرزا [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

تاریخ تولد [illegible] در ۱۳۰۱ [illegible]

سنه ۱۲۸۲ بوده بعد از او یک پسر دیگر هم متولد شده و بعد فرزند [illegible]

[illegible] والده [illegible] در تولد [illegible] بوده [illegible]

تولد من در حدود سنه ۱۲۹۴ بوده [illegible] در خانه [illegible] که

واقع است در [illegible] دروازه ری قم —

در سنه ۱۳۰۲ والد مرحوم شده در سنه ۱۳۰۳ [illegible] سید جواد [illegible]

از سن شش سالگی [illegible] در مکتب خانه برای تحصیل گذارده و مشغول تحصیل

فارسی و عربی بودم — ابتدا در مکتب خانه نزدیک دروازه ری قم پیش شیخ میرزا [illegible]

قبل از رمضان ۱۳۰۹ [illegible]

بار قسمت دوم [illegible] برای [illegible]

تحویل [illegible] ناصرالدین شاه در [illegible]

راجعت کرده بقم ~~[illegible]~~

در حدود سنه ۱۳۰۹ کمپانی خارجی تنباکو و توتون ایران را انحصار گرفت

مشغول عملیات گردیده در این موقع حضرت حجة الاسلام میرزا محمد حسن شیرازی در سامرا

بوده منتشر شد که (ابداً استعمال تنباکو و توتون با این کمپانی در حکم محاربه با امام

زمان است) مردم عموماً استعمال دخانیات را ترک کردند ولی بعضی از علمای

[illegible] را با [illegible] [illegible] مخالفت کردند [illegible] میرزا حسن آشتیانی

اول مروج [illegible] شد [illegible] [illegible] [illegible]

مخالفت کرده [illegible] [illegible] [illegible] شاه [illegible]

[illegible] [illegible] میرزای [illegible] [illegible] [illegible]

بلند [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] شد [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] کرده [illegible] [illegible] [illegible]

در محرم سنه ۱۳۱۰ در بلاد ایران شایع شد [illegible] اهل خانه و اقوام

به سید احمد [illegible] [illegible] [illegible] ۱۱ [illegible] [illegible] [illegible]

مراجعت کرده [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

بعد از چندی مشغول تحصیل شده

در یازدهم شعبان سنه ۱۳۱۱ [illegible] طهران [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] میرزا حسن آشتیانی [illegible] [illegible]

۱۳۱۱ [illegible] [illegible] شد

[illegible] [illegible] [illegible] میرزا ابراهیم [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] ۱۳۱۱

و [illegible] مدرسه [illegible] و کلام و حکمت را نزد [illegible] بخوانم

و [illegible] میرزا هاشم [illegible] و آمیرزا [illegible] خوانده [illegible] مرحوم حاج میرزا [illegible]
و آمیرزا هاشم مشغول فقه و اصول و حکمت و عرفان بودم تا آنکه این [illegible]

در ماه رمضان ۱۳۱۲ حاج میرزا حسن شیرازی مرحوم [illegible]

ایران عزادار [illegible] برای او [illegible]

در سنه ۱۳۱۳ ناصرالدین شاه مقتول شد [illegible] روز [illegible] با رفقا

حضرت عبدالعظیم بودم روز جمعه ۱۷ ذیقعده قبل از ظهر قبل

از جشن سال پنجاهم سلطنت [illegible] مقتول

[illegible]

شاه [illegible]

[illegible]

[illegible] ناصرالدین شاه [illegible]

[illegible] میرزا علی اصغرخان اتابک [illegible]

[illegible] تهران [illegible]

[illegible] شاه [illegible] در مسجد شاه

قتل شاه و ولیعهدی مظفرالدین شاه را در تبریز اعلان کردند و بعد از چهل روز

مظفرالدین شاه وارد تهران شد

در سنه ۱۳۱۴ مدرسه [illegible] جمعه [illegible]

مرحوم [illegible] در سنه ۱۳۰۶ واقع شد ناصرالدین شاه [illegible]

مدرسه را [illegible]

تهران [illegible] طلاب [illegible]

[illegible]

که مابین طلاب مدرسه صدر با دولتیهای [illegible] واقع شد عنوان کرده

علما طلاب مدرسه صدر او را در خانه هاشان طلاب عنوان کردند با جمعیت

بروی او از امام جمعه [illegible] [illegible] ولی [illegible] نشد [illegible] ولاکن [illegible]

را توقیف کرد و امام جمعه روز دیگر جمعیتی در منزل خود جمع کرد

[illegible] را از توقیف در آورد و علما و طلاب هم [illegible] در

مدرسه جمع شده [illegible] [illegible] جمعیت مدرسه صدر

شده [illegible] [illegible] عنوان کرده از شهر [illegible] تا اینکه [illegible]

[illegible] از شاه صادر شد که مدرسه [illegible] طلاب واگذار کرد

که با [illegible] مدرسه را اداره کنند — [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] — [illegible] [illegible]

فقرا را جمع کرد میرزا حسن شد — در این اوقات حاجی میرزا حسن [illegible]

بزرگ شده و در نجف اینکه [illegible] و فقه [illegible] [illegible] با او گرویده بودند

طلاب هم [illegible] [illegible] جمع نمودند [illegible] در مدرسه [illegible] با او

حاجی میرزا ابوالفضل برادر حاجی میرزا ابوالقاسم [illegible] جناب

[illegible] را در مقابل او ترویج کرد و [illegible] مدرسه [illegible]

با [illegible] جناب حاجی میرزا حسن روز بروز [illegible] [illegible]

رفت و در برگشتن استقبال شایانی کردند —

در سنه ۱۳۱۵ میرزا [illegible] خان [illegible] و [illegible] [illegible] الدوله

[illegible] حاجی میرزا حسن و [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] کرده [illegible] در مسجد [illegible] [illegible] کرده

دفع اهمیت داده برای اینکه امین الدوله را عزل کنند و تعهد کرده بودند [illegible] تنخواه منظور شود

عتبات خواهند رفت امین الدوله عتبات نرفت و جواب نوشت را به همان [illegible]

حرکت امین است و به هم قسم اجماع الله علی اکبر و موش [illegible] میسر است

از جمیع جهات نجات خود بود و ما بین آنها تفرقه افتاد و این فتنه برهم خورد

ولی در سال ۱۳۱۶ امین الدوله معزول و به رشت رفت و چهار فرسخی رشت

ملک خودش تبعید شد و همانجا بود تا در اواخر رجب ۱۳۲۲ مرحوم شد

بعد از عزل امین الدوله میرزا علی اصغر خان مجدداً صدراعظم شد

در سنه ۱۳۱۵ همراه آخوند رفتم [illegible] و شب پنجشنبه نهم ماه رجب [illegible]

آخوند زفاف کرد — در ۹ رجب المرجب سنه ۱۳۱۶ حاجی میرزا

حسن [illegible] فرزند من [illegible] داد — در این اوقات شروع

فتنه [illegible] و [illegible] آقا [illegible] و شروع [illegible]

[illegible] میرزا [illegible] کردند و رسانیدند و فقط [illegible] حاجی میرزا

در محرم ۱۳۱۶ نوشته شد اول [illegible] که [illegible] ۸ [illegible] [illegible] داده [illegible] [illegible] دارد

حسن شیبانی [illegible] —

در سنه ۱۳۱۷ میرزا علی اصغر خان به [illegible] میرزا [illegible] خان امین الدوله [illegible]

از روسها قرض کرد و [illegible] داد و [illegible] و برای [illegible] پول

داده [illegible] قبیل [illegible] در سنه ۱۳۱۸ شاه به [illegible]

رفت و تا پنج [illegible] فرنگ و [illegible] چیزهای [illegible] شد

[illegible] ایران و [illegible] تلف شد

در ۱۲ و ۱۵ صفر ۱۳۱۸ در [illegible] شاه [illegible] و [illegible]

[illegible] کرده [illegible] که [illegible] را از حبس بیرون آورده

[illegible] پنجره [illegible] شکسته [illegible] کشید و [illegible] این [illegible] به [illegible]

[illegible] و پنجره شکسته [illegible] جمع [illegible]

مشغول چند یکی بودم تا اینکه آقا وحید بسم الله ... مرحوم المتوکل

در سنه ۱۳۱۸ ... با آقا شیخ محمد علی طهرانی و میرزا ابوالقاسم

نحوی ... ادبیات عربی را دوباره کردم —

در شب جمعه ۲۹ جمادی الاولی ۱۳۱۹ عمو میرزا حسن آشتیانی

وفات یافت جنازه او را جهت دفن ... حضرت

عبدالعظیم بردند روز ... در ... حاضر

حاضر بودم ... میرزا علی اصغرخان اتابک که برای ... چشم

آمده بود خواهش کردم ... الجمعه ... عمو میرزا حسن

واگذار کند ... فقه و اصول ... نخواندن ...

شروع نمودم —

در سنه ۱۳۲۱ ماه جمادی الثانیه میرزا علی اصغرخان عزل و ...

رفت و عین الدوله بجای او صدر اعظم و اتابک شد

در سنه ۱۳۱۹ ... از دولت روس استقراض شد ... [illegible]

... بسته شد گمرکات در مقابل قرض دولت ... [illegible]

بلژیکها اداره شد ... در سنه ۱۳۲۰ شاه ... [illegible]

در سنه ۱۳۲۲ وبا ... ایران شایع شد ... تا ... طهران

... مجلس رفتم در خدمت ... میرزا محمد حسین ... بودم ...

... رفته ... چون ... [illegible]

رفته بودند ... باقی ... [illegible] ... طهران کردم

در ... جزو ... [illegible]

... بسیار ... شدم ... [illegible] —

در اواخر که [illegible] تهران [illegible] چون بار از غزل و قصیده [illegible]
[illegible] [illegible] که غالبا با [illegible] [illegible] با واقعه
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] می‌نویسم

ای [illegible] جهان [illegible] تو رشته شد قند — با ساغری [illegible] تو رشته شد قند

[illegible] جهان [illegible] [illegible] — [illegible] [illegible] تو رشته شد قند

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] — [illegible] [illegible] تو رشته شد قند

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] — [illegible] [illegible] تو رشته شد قند

با خلق [illegible] [illegible] [illegible] — [illegible] [illegible] تو رشته شد قند

از مرغ [illegible] [illegible] [illegible] — [illegible] [illegible] تو رشته شد قند

چون آفتاب [illegible] [illegible] — از [illegible] [illegible] تو رشته شد قند

[illegible] [illegible] داد نمی‌زنی — [illegible] [illegible] تو رشته شد قند

[illegible]

حاجی [illegible] [illegible] نیست — جمع [illegible] [illegible] نیست

هرچه جز عشق [illegible] [illegible] — خاک [illegible] عشقم [illegible] نیست

جان فدای [illegible] [illegible] — [illegible] [illegible] نیست

وصل [illegible] [illegible] — [illegible] [illegible] نیست

هر که در راه تو جان داد [illegible] — مرده [illegible] [illegible] نیست

راه از عشق [illegible] [illegible] — [illegible] [illegible] نیست

ایضا

ای آنکه [illegible] بهتر ز جسم و جانی
هم [illegible] هم قوت روانی

چند از فراق [illegible]
آخر به لطف [illegible] بهر خدا زمانی

[illegible]
کاش از [illegible]

جز وصل تو نخواهم در عمر خویش روزی
[illegible] در هر دو جهان امانی

[illegible] دلبر [illegible]
ای نازنین دلربا زان غمزهٔ نهانی

از حال من چه پرسی [illegible]
تا [illegible] مرادی

دل بردی عقل و دینم [illegible]
[illegible] نهانی

از غمزه [illegible]
با دلبر [illegible] در اطراف بوستانی

[illegible]

از زخم عشق بندی
دیوانه و [illegible] بندی

سر پیش [illegible] تو نهادیم
[illegible] پسندی

از دست [illegible]
در پیش تو [illegible] بندی

آخر چه [illegible] زار
باشد لطفی [illegible] بندی

در آتش عشقت ای پری روی
[illegible] بندی

پروانه [illegible] تو نهادم
[illegible]

[illegible] چاره [illegible]
ای [illegible] بندی

بنشینیم و [illegible] هجران
[illegible] یار [illegible] جان

ای راحت روح و جسم و جانم
[illegible]

وی یار ز ازل بر سر من — کاین ضعف تو در بیابانم

از عشق تو چون لاله دل داغم — از شدت غمای بی داغم

ای دیده برای گریه باشد — غیر از غم تو بر زبانم

از هجر چه رسد شکیب دارم — اما ز تو صبر چون توانم

بر خیز ز جای و کن تو آزاد — از بند سر و دلستانم

گر تو نکنی کی لطف بر — فارغ کنی از همه جهانم

ای بر طلب گذشت عمری — در کوی تو شد و بعد از این ندانم

یکشنبه و خوف و بحران

بابا بار بارو دهان

یاد تو غم نو و فراق — از فکر تو سینه پر ز جولی

از کی تو جای و آگرم — تا دست در آورم در آغوش

بشنو ای عشق بنده — فی بند کف ز زلفکه گوش

در حلقه بندگان کوبت — تا شد غلام حلقه در گوش

ای پیر طریقت از زهر — مستی و هیبی لعل چه جوش

جبر تو غم زمانه بگذار — در محنت روزگار خروش

بر باد لب بتان ساده — ساغر لب پیاله کن نوش

ای به چه بیار دل شکستی — در حلقه بیخودان به گوش

یکشنبه و خوف و بحران

بابا بار بارو دهان

الفبا

آ جام می اوره مست والله ام گرفته — جامی ز جم و خشت ابار آرمه

[illegible] طرب و عیش [illegible] | گزرده خوبان جهانی هامی گرتیم

ایروزنه دیوانه عشق [illegible] | اوروز اول هامی [illegible] گرتیم

بر روی چو خورشید چو زلف [illegible] | زلف سیهش شب [illegible] دارا گرتیم

چون غنچه جوان اگشتم و چون گل شگفتم | [illegible] گرتیم

[illegible] | گاه روز بیاد تو [illegible] گرتیم

خال سیهت دانه و گیسوی تو شد دام | ان دانه [illegible] گرتیم

دیوانه زلف پریشان تو [illegible] | دیوانه صفت [illegible] گرتیم

[illegible] خلق جهانی تنگ [illegible] | امروز [illegible] گرتیم

[illegible] شده چون [illegible] | از عشق تو [illegible] الله [illegible] گرتیم

الف

[illegible] زلف دلدار گرتیم | دلی [illegible] گرتیم

[illegible] دلدارم | [illegible] خانه [illegible] گرتیم

تا زلف پریشان تو [illegible] | [illegible] گرتیم

عمری شده [illegible] | [illegible] دل [illegible] گرتیم

الف

[illegible] زلف چه [illegible] قوده یم | چه [illegible] بندیم

چه عشق [illegible] وجود [illegible] | [illegible] زلف [illegible] یم

چه [illegible] صبح [illegible] | چه [illegible] فراق [illegible] بندیم

تا [illegible] دلدار [illegible] | چه بند عشق [illegible] زلف [illegible]

[illegible]

با قاب عرق‌ریز قبالی را ای قوا بزد — فراقات و بلا برا خابت بنه به هم

بگریم که به بی ضعف و ناتوانی و سستی — چگونه بار فراق تو تا کجا کشیدیم

هزار باره براندی مرا اگر از در لطف — هنوز از تو تمنای بوسه لب لعل امید

ایضاً

آن روز به سامان تو چو بنشسته ام — دل عمر و عقل یکسره بر باد داده ام

ای بس سخن از طلعت و قصه بگوی — مجلس عشق بیارای که استاده ام

بلبل از پرتو روی تو که در عارض گل — جلوه گر گشت به بین ناله و فریاد ام

کمالی از نور و زرخ خبری بود ترا — تا به آن که نخست از تو چه بیداد ام

ایضاً

بگفتم با دل دیوانه تا چند — هوس بازی بافتن و ویرانه تا چند

در این حبس به تن تا چند باشم — چنین تا چند اندر بند باشم

بر چو بابا تن مرا افسانه کردند — سبب مهربان مرا دیوانه کردند

ز عشق مهوشان بیچاره گشتم — ز یار و مهربان آواره گشتم

نگهی از دوست دل بر باد دادم — نگهی از دوست دلبر داده دادم

زنار برد و ز ایمان اعضا جانان — ز ایمان و عقل و جان و دین دامانم

مسلمانان مرا وقتی دلی بود — که با او گفتمی از مشکل بود

دل از غمها تمام بود خالی — که بود هم با جمعیت تنگ حالی

نکو روی خوب رو بی گر لعبا — برافروزد جهان فشنه راه را

نیازی که شد از عشق عاشقان — بزد آتش برای در جسم و در جان

شده من پای بست نازنین — نگاهی بر و فرق مه جبین

چنان گشته بر لبش شهد و حریق — که از دو خلقت را همه فروغ

ز عشقش حلقه در گوشم افکند — که از گردابی ز چشم و زلفش افکند

چنان از ساغر او مست گشتم — که تا بوده بود باده پرستم

چه او دوری غم عالم ببرد وی — چه او هم گرفتار او ببود وی

همه شب در خیال روی او ماه — ستاره می‌شمرم تا سحرگاه

مرا از روی فیروز نبوده م — که او خورشید روز افروز بوده

خوشا آن دم که او دلدار من بود — انیس و مونس و غمخوار من بود

نگهش چون می‌زند با چشم گیرا باده — منم بنده ترا و تو مرا شاه

نگهش چو بسته آن لعل شکرخند — که هستم من اسیر تو هیچ فرزانه

چه تیر از غمزه او بشکسته بودم — بر دل غمزه او در شیشه بودم

هر آنکه کس که در گذرگاه — که از دود درون من آتش ناگاه

دلا گر من گناهی کرده بودم — گناهم را ببخش ای دلبرم

زمانه بر من سنگین چه پرداد — که تا که از چنین یاری جدا کرد

~~چنان روزی بود A~~

چنان روز و هجر او جسمم کاهید — که جگر از غم آتشم

چه گرد از آن دو تا غمزه من — ز دو چشم پاره در پاره جگر

منی ننگ بزه او بابا دوبرا — زنهر انگیزه یار او دبرا

چه خود برگوی ارکی جون خودشم — خطای خود و چشم خود چه دلشم

رفیقا هم [illegible] عوض — چه از بروره ون اگه بنوده

وه وعده [illegible] جانم — [illegible] اوون کتاب [illegible]

دلی ور وعده ها اوون تا بنیت — قبال او بخر جور و جفا بنیت

[illegible] او در گاه ویلان — شه ز تمیدو برکوی لصداه

قدار بدو جها بلند ز برای کوی — بیا تا مهر بان ولله بر کوی

قبر او هم سرکرنا جبه دهی — که دل اوم تمنی تا جربی

جرا جوی تا فرار [illegible] — جر او دا یا کوفی قرار بامت

الله یار فی البه [illegible] — الکن خیف [illegible] تا لوقا [illegible]

من ذوق الملک المسبح قدواب — زنجیر تو قهم [illegible] شباب

[illegible] حون — دلوری وهی [illegible]

چه ورجانی وهم تاوی محمودی — بچشم قرنها ون تا چه قودی

الله ان مرقی جانم کبا خ — چرا از تا چنی کوی جدا که

چرا ز جال ببارد بنر لب — چرا از جسم تب دارد بهر لب

خدا وند اشهر او ور آدان — برد فی روز فی فرزند آدان

تو و کا فند کذار او به بلند بی — به بلیغ ان لکار عنبر ین مری

الف

بیشی تو ونکف مارفشتی — بها کجیب بهین حور فشتی

بنده [illegible] | خوشتر [illegible] نوشتن
از [illegible] | [illegible] نوشتن
[illegible] | [illegible] نوشتن
[illegible] | [illegible] نوشتن
[illegible] | نامه [illegible] نوشتن
[illegible] | [illegible] نوشتن
[illegible] | [illegible] نوشتن
[illegible] | [illegible] نوشتن

الف

تا [illegible] عشق [illegible] | دامن [illegible]

[illegible] | [illegible]
[illegible] | تا [illegible]
[illegible] | در [illegible]
[illegible] | [illegible]

الف

[illegible] | [illegible]
[illegible] | [illegible]
[illegible] | [illegible] عشق [illegible]
[illegible] | [illegible]

هر آنکه در طلب یار باشد [illegible] | [illegible] خویش شاد شد

ز راه راه [illegible] هر که بگذرد یار | چه عاقبت [illegible] خراب [illegible]

هر آنچه پنهان آمد به عشق [illegible] فاش | به پنجه [illegible] نتوان گره [illegible]

ز روی قصه عشق [illegible] | که سخنها [illegible] بر دل [illegible]

تا بر حلقه گیسوی تو رای [illegible] کنند | دل را امید حلقه [illegible] نتوان [illegible]

آتش عشق تو هرگز نرود از دل و جان | مرا آنکه [illegible] در آتش [illegible]

که او [illegible] عشق [illegible] | چاره نیست بجز آنکه [illegible]

گفته بودم [illegible] دل [illegible] | وانکه حال تو [illegible]

[illegible] | که [illegible] عشق تو شدم

در اینجا مناسب است بعضی از اشعار [illegible] را نقل کنم

و اینها از آنجمله است

[illegible]

گفت [illegible] | [illegible]

[illegible] دل [illegible] | گفتم از آتش عشق تو [illegible]

مرا آنکه تو را عشق تو [illegible]

[illegible] | آتش عشق تو ترسم [illegible]

ای جهان [illegible] | [illegible] در [illegible]

تا که او [illegible]

قرص خورشید [illegible] چشمه [illegible] | [illegible]

در همه شهر [illegible] | [illegible]

سنبل هر آنکه تا کمند تو باز رود

باغ فردوس بر من چو دوزخ بنمایی بی تو | اقرار قصه بعضی چون فتوعهای تو نیست

ده که دو شکر بشکند لب تو را تابی نیست | نرگس مست چه که نرگس شهلای تو نیست

خاک ره شد گر تو بین چشم تو بیاد تو رود

ای که خورشید روی بیش زخت بهم سها | ترکی دوختی دل ازو شد به دریا

چند خواهی زدن غمزه این جور و جفا | چه شود گر کنی از راه کرم وفا

تا گدای در تو تا شاه سرافراز شود

دوره هجران تو ای مه گشت غم باده زکی | غیر وصل لب لعل تو ابیات تو نیست

گدا در هم جهانی نیست ز غیر تو کسی | چشم پوشیده ام از غیر تو تو ای شاه دو جهان

کیمیای در به درم که بر سوی دیگر باز رود

الف

ای فدای عکس رو تیغ قدرتی و پیاله | ساقی بر قص آمد شد تیر محمود دو ماله

از غم چشمت تو خواب گشتم | دیگر به زاهد چه حاجت ای من پیاله

مجموعه شب و روز از گل تو بچه بینند | این آفتاب روز شب و من سنبلی گلاله

در حلقه‌های زلف تو بی‌شمر دل کسی است | با این گناه چه حاجت چیدن چهره غزاله

بر روی چو ماهت از رشک ناله کنه | ماه فلک نه بیند و برخورد رشک ناله

خود جگرخانه از غم ای گشتم | خون دل بجز ده رنج ده ای گو لاله

در شام هجر لقمه‌ای که شمع برافروخت | تا از شب‌ها خونین فراه و دره دو ناله

با الهی جانور جز حق بخواه شب و روز | بر فراز خوان نعمت حقیقی شد این حواله

مهوشی کن تا شب دروح چون قلم | از خشیان ای بر دو چیزی حواله

الف

غارت هوش میکند بر دو هر نگاه او | شور شراب میدهد نرگس فتنه جوی او

برده قرار و صبر من بنفشه زلف او | پرده ز حسن در دو جلوه ماه ادای او

آب حیات خاکدان در لب لعل او عیان | حبه چو کند رو خضر برده در آرزوی او

قیمت ترک داده گرد رخ عنبر شکند | صبح دمی اگر صبا شانه زند بموی او

کشته درد عشق را باز کند چرا دو بس | بر سر او اگر رکند زنده شود ببوی او

خست و عسل و شکر زان لب یار دراها | باده بیان لعل آن دلبر وفای کوی او

شهری اگر را اکنون بار عزیز دم بره | روز که کفیف بنده گشت بت جوی او

ایضا

اردو پید تو حسرت بر جانم | خوشتر که رسد زعنبر دهانم

تا دل شکنج طره‌ات دادم | چون موی تو درهم و پریشانم

زان روز که دید زلف تو برد | گوید ز لعل دوست ایمانم

این جوردان نگر که بر دوست | خوانند لطف باغ و بستانم

بر روی تو ای بچشم خار آید | هر گل که بر دوست از گلستانم

امروز نزد شاه کرم رحم آری | بر آتش چشم و آب چشمانم

عیدیست و بعید من بخش | یک بوسه از آن لعل خندانم

تو لو و خدا لگفان و منی بهدی | آنچه حق و لب بزدانم

ایضا

زلف سیه تو ای نگار داری | با نافه آهوی تتاری

دارای تمام شرط حسنی	جز مهر و وفا و دوستداری
ماه شب چهارده به رخ	با آنچه سیه شبان تاری
خون است دلم ز عشق رویت	از رنج و غم تو بیشماری
این خون دل است کز دو چشم	بر چهره زرد گشته جاری
مهری تو قطع ز ما بریدی	از ننگ رهان وفا و یاری

در سال ۱۳۰۳ بخیال افتادم طریقه تصوف را برگزینم و در باب سیر و سلوک که در کتب خوانده و از خارج شنیده بودم خود به چشم دیده به تجربه بیازمایم لذا خدمت آقای السید حسین قمی الحوطا رسیده از ایشان دستور العمل گرفته مدتی که علیحده نوشته خواهد شد مشغول شدم

در سنه ۱۳۲۳ که مظفرالدین شاه از فرنگ مراجعت کرد و عین الدوله صدراعظم شد خیال دولت و ملت را شروع شده بود بعضی روزنامه‌ها را که چند روزنامه حبل المتین کلکته و ایران ثریا که در تمامی فارسی بود کم کم منتشر گشت اطلاع از اوضاع ممالک خارجه و تعجب از اوضاع مملکت خودمان نفرت از اوضاع و کتابهایی که تحصیل کرده بخوانیم و ترتیب مختلف ترجمه استبداد و جمهوری و ترقی ممالک اروپا و تنزل مملکت خودمان را تحقیق هم و تعقیب آن همت نمودیم از تحصیل باز افتاده بودم و در همین اوقات انجمنی بنام انجمن علمی تشکیل دادیم و غرض از آن ترویج علم و بسط معارف بود و بانی و مؤسس آن میرزا محمد علی خان فرهوشی بود با سمت انجمن علمی تأسیس

اگرچه و از این انجمن کاری ساخته [illegible] علیحده تشکیل شد

عین‌الدوله با حاج شیخ فضل‌الله و حاج میرزا ابوالقاسم امام جمعه که [illegible] داشت و با

آقا سید عبدالله مخالفت میکرد و بعد از آن آقا سید محمد اگر این مخالفت شدت کرد

میکرد آقا سید عبدالله از خانه حاج شیخ فضل‌الله که از خود را عقب میکرد

در حجره مسجد شاه چند نفر طلبه مدرسه صدر [illegible] را چوب زده

چوب زدند [illegible] عین‌الدوله [illegible] مشترک قرارداده [illegible]

مدرسه صدر [illegible] که نوشته و جمعی را گرفته در ۱۱ رجب ۱۳۲۳ اتفاقا

در قطعه حبس و در ۱۴ [illegible] ماه به اردبیل تبعید گردید

چند نفر از تجار [illegible] مدرسه آقا میرزا ابراهیم و آقا میرزا علی و آقا جمال [illegible]

مردم حجره‌ها و بعد از چند روز از آنها رفته در خانه‌ها مخفی شدند

حاج میرزا ابوالقاسم امام جمعه و قبل از آن امام جمعه [illegible] در نماز جماعت

موضع ترتیب داده در مسجد شاه نماز بگزارند و جمعیت زیادی در اقتدا [illegible]

[illegible] بعد از نماز منبر رفته [illegible] را جذب میکرد و بیشتر

[illegible] او [illegible] آقا سید عبدالله

[illegible] عین‌الدوله [illegible] طرف‌داران میرزا

[illegible] با [illegible] میکردند

~~[illegible] ۱۴ [illegible] ۱۳۲۳ [illegible]~~

~~[illegible] ایران [illegible]~~

در این اوقات [illegible] ازمینه [illegible] میرزا [illegible]

اتفاق دیگر در مجلس یک عکس برداشته در حالیکه عمامه بر سر داشته بعد [illegible]

این عکس را کلیشه و منتشر کرده که [illegible] باشد و تجاهر هم شده است

با نور طرفند ـــ

در ۱۴ شوال ۱۳۲۳ دفعه مسجد شاه اتفاق افتاد و قوی شد

علاءالدوله حاکم طهران شده بود و قیمت قند اتفاقاً گران شد چه

تا این تاریخ یکمن قند تومانی بود به هفت هشت قران رسید چند نفر از [illegible]

قندفروشها قند را ببهانه اینکه قند را گران کرده اند به چوب بستند

علما و مردم در مسجد شاه جمع شده و چوب خوردن و لاله ها را [illegible] چند نفر

آنها سید بودند به عنوان بود ـــ شب ۱۶ شوال ۱۳۲۳ [illegible]

واعظ بر منبر [illegible] در بین نطق او امام جمعه [illegible] بیدار کرده بنای فحش با او گذارد

و از آنجا که مسجد و جمعیت [illegible] شبهه شده دو دسته گشتند [illegible]

وقتی [illegible] شده و علما [illegible] و هرکدام از طرفی رفتند تا سید عبدالله

روز جمعه ۱۵ شوال حضرت عبدالعظیم رفت که [illegible]

ابتدا [illegible] مردم به حضرت عبدالعظیم [illegible] بود [illegible]

[illegible] و [illegible] مدرسه [illegible]

[illegible] رفتند [illegible] اینها حضرت

عبدالعظیم شیخ میرزا ابوالقاسم [illegible]

و شیخ میرزا ابوالقاسم [illegible] [illegible]

متحصنین حضرت عبدالعظیم [illegible] اعتراض کرده [illegible]

روز ۲ ورود [illegible] منبر رفت جمعیت زیاد شد [illegible] قبول کرده [illegible]

اخبار انجمن [illegible] وعده داد تا [illegible]

۳۳

و بعد از آن [illegible] روز ۱۶ [illegible]

با جمعیت [illegible] که امیرخان سردار [illegible]

شد [illegible]

[illegible] مردم [illegible] و شب [illegible]

[illegible] آقایان [illegible]

[illegible] آقایان [illegible]

منزل وزیر الدوله [illegible] شد ابتدا [illegible]

امروز [illegible] از طرف [illegible] و مردم [illegible]

و [illegible] از طرف آقایان [illegible]

[illegible]

[illegible] جمعه [illegible]

[illegible]

[illegible] جمعه [illegible]

[illegible] السلطنه [illegible] و میرزا

آقا [illegible]

خان [illegible]

و [illegible] همراه [illegible]

خبر تیراندازی به حوزه و مردن سید ها در شهر منتشر بود و تا جمعه

از منبر و مناره جایی [illegible] و غریب عامه افتاد و [illegible] زیاد در او

گفتند [illegible] اوقات [illegible] قبل از ظهر [illegible] در قم شنیدیم که علما در مسجد

جامع جمع شده بروز جمعه [illegible] از طرف [illegible] زاده [illegible] کشته

در جلب [illegible] قراولخانه در صدد [illegible] او بر [illegible]

مردم مانع شوند شلیک شد و گلوله به سید عبدالحمید نامی خورده کشته

شود جنازه او را بمسجد جامع [illegible] پیراهن مقتول را [illegible]

[illegible] در بازار [illegible] شلیک

میکنند چندین نفر مقتول و مجروح [illegible] متفرق شده و علما

در مسجد [illegible] شنبه چهارم

خواستند [illegible] قم حرکت میکنند [illegible] در قم بودند که [illegible] شدند

[illegible] عین الدوله [illegible]

بود در [illegible] همراه شده [illegible] طهران [illegible] بسفارت انگلیس

[illegible] سفارت [illegible]

سفارت [illegible] شاه عین الدوله را [illegible] از شغل [illegible] چند ماه

صدارت معزول کرد و میرزا نصرالله خان مشیرالدوله بصدارت منصوب شد

در ۱۴ جمادی الثانی ۱۳۲۴ دستخط مشروطیت صادر و در قم [illegible]

[illegible] از طرف [illegible] قم [illegible] طهران [illegible]

[illegible] طهران [illegible]

انتخابات صنفی بود در مرحله که فقط عده‌ای از تجار و اصناف جمع شده
و طلاب هم بودند انتخاب میکردند تا این حد [illegible] همه سادات و اعیان
و اکابر و علما [illegible] انتخاب [illegible] ——

بعد از آنکه قدری [illegible] بعضی از طلاب مشروطه طلب به خیال تأسیس
انجمن افتادند ابتدا [illegible] در خانه تأسیس [illegible]
[illegible] و غرض از تأسیس انجمن این بود که ترغیب به مشروطیت و فوائد
آن بیان و طلاب و سایرین آگاه شوند و تقویت از مجلس و مشروطه شود
و این انجمن با اسم انجمن اتحاد طلاب [illegible] دوره اول [illegible]
ملک المتکلمین ایستاده خطابه خواند و [illegible] از طلاب [illegible] نوشته و داشت
[illegible] با نطق [illegible] جمعیت زیاد [illegible] از طلاب هم [illegible]

و مخصوصاً [illegible] و ملتفت [illegible] عهده‌ام شد و یکی از اعضای مهم این انجمن
بودم عده‌ای از [illegible] در این انجمن بودند و در عهد [illegible] سابق [illegible]
[illegible] از عقب [illegible] انجمن [illegible] انجمنهای [illegible]
شد و از جمله انجمنها انجمنی با اسم انجمن مرکزی تأسیس شد که از هر انجمن
یکنفر نماینده در آنجا بود و برای اینکه انجمنها هم مربوط باشند و نیز از طرف
انجمن اتحادیه طلاب نماینده بودم و نیز انجمنی با اسم انجمن اتفاقیه طلاب تشکیل
شد که جمع [illegible] همه [illegible] نایب رئیس بودم ——

[illegible] ۱۳۲۴ [illegible] شد قانون اساسی
[illegible]
تمام و مشروطه اعلام [illegible] شاه [illegible] قانون مظفرالدین شاه

و دختری از حرم میرزا ابراهیم به اسم [illegible] [illegible] دختر داشته

رحیمه خانم - شوکت خانم - قمر الملوک خانم که اخوی والده عیال [illegible] است

[illegible] روز پنجشنبه یازدهم ذیقعده ۱۳۲۴ [illegible] و در [illegible]

۱۳۲۴ [illegible] واقع شد [illegible]

[illegible] جنازه [illegible] و بعد از [illegible] از آنجا [illegible]

[illegible] خانه [illegible] میرزا [illegible] منزل کردیم —

[illegible] ۱۳۲۵ [illegible] با [illegible] والده [illegible]

[illegible] دوم ۱۲ رجب [illegible] ۱۳۲۵ [illegible]

سال مشروطیت [illegible]

[illegible] که [illegible] کردم —

محمد علی میرزا که تخت نشست مشروطه طلبها [illegible] سید [illegible]

[illegible] شاه و مشروطه [illegible]

۲۵

[illegible] مجلس [illegible]

[illegible] شاه میرزا [illegible] که [illegible]

[illegible] از [illegible] دو [illegible]

[illegible] مجلس [illegible]

[illegible] جمع [illegible] مجلس [illegible]

[illegible] تبریز [illegible] جمع [illegible]

[illegible] مشروطه طلبها [illegible]

میرزا علی [illegible] خان [illegible] که [illegible]

اتابک همراه آقا سید عبدالله از مجلس بیرون میآمد شخصی ترک مسمی عباس آقا تبریزی
اتابک را در جلو مجلس زده کشت و خودش را هم کشت و این قضیه در شب یکشنبه ۲۱ رجب ۱۳۲۵
اتفاق افتاد بعد از این قضیه [illegible] همه از حضرت عبدالعظیم مراجعت کردند و مشیرالسلطنه
وزیر داخله و سعدالدوله وزیر خارجه شد و در این اوقات متمم قانون اساسی
تمام و بامضاء رسید و در ماه شوال ۲۵ محمدعلیشاه بمجلس آمد و قسم خورد
در [illegible] ۲۵ [illegible] از طرف شاه خروج کرده بعد از جنگ
با قشون [illegible] در زد و خورد شکست خورده و متفرق شد
در ماه شعبان ۲۵ [illegible] السلطنه [illegible] جمع کرده قسم خوردند
که با مجلس همراهی کنند روز ۱۹ [illegible] مجلس [illegible]
در این اوقات [illegible] از صبح [illegible] جمعیت جمع [illegible]

منعقد شد و اجتماع [illegible] بواسطه مقاله [illegible] که در روزنامه [illegible] حبل المتین
درج شده بود [illegible] مطبعه را [illegible] روزنامه را [illegible] اوراق و [illegible]
را [illegible] جمعیت [illegible] که [illegible]
مجلس و [illegible] السلطنه [illegible]
قرار شد [illegible] مجلس [illegible] از مجلس [illegible]
از طرف جمعیت [illegible] شد که [illegible]
بعد از [illegible] شد که [illegible] روزنامه [illegible]
[illegible] مجلس [illegible]
روز شنبه ۲۶ شعبان ۲۵ [illegible] مجلس [illegible]
در مجلس خوانده شد و [illegible] —

روز ۱۸ رمضان ۲۵ [illegible] مجلس مفتوح شد

۲۳ رمضان ۲۵ [illegible] جنگ [illegible] و از

طرف انجمنها در روزنامه‌ها به وطن‌پرستان داده‌اند که [illegible] تا [illegible] را

امر کنند و قبول [illegible] کرد —

در ماه ذیقعده ۲۵ [illegible] میدان توپخانه اتفاق افتاد و تفصیلش

آنکه [illegible] که قبلاً [illegible] شده بود و در [illegible] ذیقعده [illegible]

از اشرار [illegible] مجلس [illegible] چند نفر را با چوب [illegible] چند [illegible] و چند

نفر را [illegible] کردند و از آنجا به میدان توپخانه رفته بنا گذاردند

[illegible] و چند چادر در میدان توپخانه برپا کرده

[illegible]

رسیدن [illegible] و جمعیتی از اراذل و اوباش محلات منجمله [illegible] و [illegible]

جا بودند که از [illegible] و در آنجا جمع شده [illegible] و از آنجا [illegible] کرده

مشروطه‌طلبها را [illegible] و [illegible] را

مقصود مشروطه‌طلبی [illegible] را کشته [illegible]

[illegible] از طرف دیگر انجمنها و مشروطه‌طلبها در مجلس و [illegible]

[illegible] جمع شده و اسلحه برای دفاع [illegible] و [illegible] ولیکن

[illegible] جمعیت مجلس [illegible] روز [illegible] و [illegible]

[illegible] و در محلات دیگر صدای تیر و تفنگ بلند بود [illegible] روز

بروز بر جمعیت مجلس افزوده و از جمعیت میدان توپخانه کاسته می‌شد

از وقایعات تلگرافات بهرای مجلس تمام بود. شاه از قزوین عده‌ای جمعی

آمده و آقا سید عبدالله [illegible] را از [illegible] مجلس [illegible] شاه ناصر الملک

را حبس کرد و بعداً توسط سفارت انگلیس از مملکت خارج شد و علاء الدوله

و معین الدوله را [illegible] تبعید کرد و [illegible] شاه [illegible] با [illegible]

[illegible] جمعیت [illegible] را متفرق کرد و [illegible]

مجلس [illegible] حضرت [illegible] تبعید شد و سعد الدوله

سفارت [illegible] بناچار شده شاه قرآن مهر کرده [illegible] خود [illegible]

[illegible] با مجلس نکند و قرآن را به مجلس [illegible] نظام السلطنه رئیس الوزراء

و وزیر داخله شد و باقی وزراء آصف الدوله وزیر داخله [illegible] السلطنه و [illegible]

جنگ قائم مقام وزیر تجارت [illegible] الدوله وزیر خارجه صنیع الدوله [illegible]

علاء [illegible] وزیر عدلیه مخبر السلطنه وزیر عدلیه —

در ۱۲ ذیقعده جمعیت مجلس متفرق شد — [illegible] جمعیت سربازان

قزاقخانه [illegible] جمعی [illegible] با جمعی [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] متفرق شده — در [illegible] برای [illegible]

[illegible] وقایع [illegible] گذشته [illegible] کرده [illegible]

[illegible] [illegible] راه [illegible] از اطراف [illegible] دسته [illegible]

[illegible] راه [illegible] [illegible] مقصد [illegible] — این بود.

ترتیب حال [illegible]

در شب ۲۳ ذیقعده ۱۳۲۵ [illegible]

[illegible]

[illegible] شد [illegible]

علی خان [illegible] انها را به خندق قرار شده [illegible] جمع [illegible] انها [illegible] نهاده

شده برای عبرت نقل کنیم انها تفصیل در هم و کثیر [illegible] را نقل کردم

ظاهراً این اشخاص [illegible] دروغ [illegible] آنکه فرار کرده بود

عوض [illegible] نوشته [illegible] کرده [illegible] زده کشتند —

انها مشروطه‌طلبی [illegible] اشخاصی را که در واقعه میدان توپخانه [illegible]

کرده [illegible] بودند در روز ۲۹ ذیحجه ۲۵ [illegible] حضرت و [illegible]

و [illegible] در صبح [illegible] مرخص شدند [illegible]

با [illegible] روانه کلات نمودند —

روز جمعه ۲۵ محرم ۱۳۲۶ محمد علی شاه [illegible]

[illegible] در کالسکه نشسته [illegible] بمب [illegible]

[illegible] بمب [illegible] انداختند [illegible]

مجروح و تلف شده از جمله [illegible] کالسکه [illegible] مجروح [illegible] رسید

در ۲۶ جمادی ۲۶ [illegible] السلطنه از ریاست [illegible] مجلس استعفا داد

و [illegible] ریاست [illegible] استعفا داده [illegible] الدوله [illegible] شد —

روز پنجشنبه ۴ جمادی الاولی ۲۶ محمد علی شاه [illegible] باغ شاه [illegible]

۲۲ جمادی الاول ۲۶ مجلس [illegible] چند روز قبل از [illegible] مجلس

جمعی از مشروطه‌طلبان برای حمایت مجلس رفته و وکلاء انها را متفرق کرده

[illegible] روز [illegible] مجلس [illegible] عده از وکلاء [illegible] که [illegible]

از مشروطه‌طلبی که [illegible] سپهسالار [illegible] از صبح [illegible] اطراف مجلس

[illegible] و [illegible] مجلس [illegible] از صبح [illegible]

[illegible] شد که [illegible] مجلس [illegible] شکسته [illegible] شد مجلس [illegible] را

نداده‌اند که از در قلعه بیرون بروند تا آنکه سید عبدالله بهبهانی و آقا سید محمد طباطبائی

و معدودی جمعی قریب دویست نفر از وکلاء و غیر آنها در مجلس بودند از آنجا رفتند به پارک

امین الدوله از آنجا به باغ شاه [illegible] رفتند به پارک

[illegible]

باغ شاه بردند در باغ شاه [illegible] آقا سید عبدالله و آقا سید محمد را

[illegible] بردند و در آنجا توقیف کردند میرزا جهانگیرخان مدیر صور

اسرافیل و ملک المتکلمین را در باغ شاه به دار آویختند و [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

همین مجلس غارت شد [illegible] — [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

دو کیسه قند روسی و تاج محمد بیع طهران و دو کیسه جعفر آورده‌ام —

در این اوقات خبر مشروطه شدن عثمانی رسید و اسباب قوت مشروطه‌چیان گردید

محمدعلیشاه ایران و علما و اعیان و کلای ترتیب میدهد و لایحه مهر میزنند

که مشروطه نمیخواهند — حضرت آقای مرتضی و آقا میرزا مصطفی آشتیانی با عده کثیر

عبدالعظیم رفتند و صدرالعلما با جمعی از اعیان بسفارت عثمانی متحصن شده‌اند —

یکشب شعاع‌الملک مفتی را فرستاده و حضرت عبدالعظیم آقا میرزا مصطفی و چند

نفر را که رفته در خانه او بوده‌اند مقتول نموده‌اند شعاع‌الملک برادرزاده

وزیر تجارت بود — در این اوقات عده قشون روسی به تبریز

و مشهد و رشت آمده‌اند — روز بروز قوت مشروطه‌چیان زیاد میشود —

و مجاهدین جمع و تشکیل میدهند — تا اینکه خبر رسید از رشت سپهدار و جمعی

و از اصفهان سردار اسعد و بختیاریها حرکت کرده‌اند —

روز ۵ ذیحجه ۲۶ عین‌السلطنه و عزیزالسلطنه ... را تیرباران کردند

در ماه ربیع‌الثانی ۲۷ قشون روسی بعنوان اخذ فتح راه تبریز وارد

ایران شده‌اند —

صبح روز ۲۴ جمادی‌الثانیه ۱۳۲۷ معلوم شد مجاهدین قزوین وارد و دیروز

سپهسالار در ... بکرج گرفته‌اند — ... که سابق دیده شده بود بکرج

مجاهدین وارد و محبوس مشروطه طلبهای طهران بیرون ریخته تفنگها را از

سربازها که در قراولخانه‌ها بوده گرفته مشغول سنگربندی محلات شهر

مشغول شده صبح زود که بیرون آمدم اطراف خانه ما که نزدیک بازارچه بود

خالی فروشها بازارچه مروی و پامنار و سرچشمه تا مدرسه سپهسالار جدید و

بهارستان و محلات ... دست مشروطه طلبها بود و درب خانه‌ها

بیدقها قرمز زده بودند ارک و میدان توپخانه و قزاقخانه دست

مستبدین و قزاق بود و از طرفین دائماً طوپ و تفنگ رد و بدل می‌شد

مجاهدین در سلطنت‌آباد بود و از بیرون شهر هم به شهر حمله داده می‌شد

یپرم با سر دسته مجاهدین [illegible] تا [illegible] در شهر [illegible] و اثنا با [illegible] را [illegible]

جنگیدند تا آنها کشته شدند — این جنگ تا روز جمعه ۲۷ جمادی الثانیه

برپا بود روز ۲۷ محمدعلی شاه به سفارت روس پناهنده شد

و جنگ تمام شد روز یکشنبه ۲۸ جمعی از علما و اعیان در بهارستان

تشکیل و محمدعلی میرزا را از سلطنت خلع و احمدشاه را به سلطنت نصب

و عضدالملک را نایب‌السلطنه کردند سپهدار وزیر جنگ و سردار اسعد

وزیر داخله و یک کمیته [illegible] با اسم هیئت مدیره از

اشخاص [illegible] و [illegible] کلیه امور به آنها داده شد ناصرالملک وزیر خارجه

مستوفی‌الممالک مالیه فرمانفرما عدلیه صنیع‌الدوله علوم [illegible] الدوله

وزیر دربار و سردار منصور پست و تلگراف [illegible] هیئت [illegible] —

فردا وقت در بهارستان حاضر بوده و طرف عصر تا شب انجمن طول کشید

شب بازار [illegible] را چراغان کردند —

مجاهدین فوج [illegible] را از میدان توپخانه به [illegible] کشیده و [illegible] اول

[illegible] فتح از [illegible] — سفارتخانه‌ها با [illegible] مستبد

از اطراف خارج شده بود که [illegible] [illegible] و [illegible]

و اعدام شد شیخ فضل‌الله [illegible] اعدام شد و [illegible]

سردار [illegible] و [illegible] بعد [illegible] [illegible]

[illegible] مستبدین [illegible] و [illegible] و [illegible] فرار

و [illegible] کرده و [illegible] غالب شده [illegible] فرار کردند

[illegible] و [illegible] از [illegible] را [illegible] کردند —

در ماه شوال ۱۳۲۷ از طرف وزارت عدلیه به عدلیه دعوت شدم

در اطاق [illegible] هیئتی تشکیل داده بودند که در [illegible] کتابت [illegible] از اول

می‌کردم [illegible] هیئت رسید که [illegible] کتابت را [illegible] چند روز

در این هیئت بودم وثوق الدوله که از آن وزیر عدلیه و آقا سید [illegible]

[illegible] که معاون بود [illegible] از عدلیه رفتند مشیرالدوله وزیر عدلیه

شد [illegible] با مشیرالدوله [illegible]

در ۲۷ ذیقعده ۱۳۲۷ [illegible]

هیئت [illegible] چند وقت [illegible] مشیرالدوله [illegible]

[illegible] محکمه [illegible] حقوق را

[illegible] محکمه ابتدائی حقوق [illegible]

و محکمه تجارت [illegible] محکمه استیناف [illegible] تشکیل

تشکیل بود [illegible] محکمه [illegible] بجل

[illegible] مشیرالدوله استعفا داده سردار منصور وزیر عدلیه شد

در روز سه‌شنبه [illegible] ذیقعده ۱۳۲۷ ساعت [illegible] صبح [illegible]

میرزا ابوالقاسم [illegible] رحمت [illegible]

در شب [illegible] آقا سید عبدالله [illegible] چند نفر [illegible] شب

کشتند [illegible] قتل [illegible] چراغ برق [illegible] چند

فردا از روز [illegible] جمع شدند

در [illegible] ۳ [illegible] داده شد [illegible]

[illegible] قتل آقا سید عبدالله [illegible] علمای نجف [illegible]

~~در [illegible]~~

۲۹

در اواسط [illegible] حیدرخان [illegible] از طهران تبعید شد

در ۲۵ رجب ۲۸ اوایل شب در اطاق خودشان در لاله‌زار میرزا علی‌محمد

برادر میرزا محمد علیخان تربیت خواهرزاده تقی‌زاده و سید عبد

الرزاق خان کشته شدند و نسبت این کار را به مجاهدین اعتدالی [illegible]

و گفتند برای تلافی قتل آقا سید عبدالله بوده است

بواسطه این اتفاقات مجلس در [illegible] ماه شعبان به وزرا داد که

شهر را از [illegible] مجاهدین قلع سلاح کنند دسته از مجاهدین در

پارک اتابک جمع شده از تسلیم اسلحه امتناع کردند ستارخان

را آنجا بردند در ۲ شعبان ۲۸ قوای دولت پارک را [illegible]

بعد از چند ساعت جنگ مجاهدین را مغلوب و ستارخان مجروح شده

استعفا دادند

از طرف آخوند ملا محمد کاظم [illegible] نجف [illegible] از طراز اول معرفی شده که مجلس باید

حاج میرزا زین‌العابدین [illegible] آقا سید حسن [illegible] حاجی [illegible] امام جمعه خوئی

آقا سید ابوالحسن اصفهانی آقا شیخ علی حائری یزدی — از این پنج نفر

اول مجلس رفتند

در ۱۷ رمضان ۲۸ عضدالملک مرحوم شد و ناصرالملک نایب السلطنه

در ۲ شوال ۲۸ کابینه ریاست مستوفی الممالک مجلس معرفی شد و [illegible] السلطنه

وزیر عدلیه شد [illegible] داد [illegible] مستوفی [illegible]

در محرم ۱۳۲۹ [illegible] مستوفی [illegible] وارد [illegible]

در ماه جمعه [illegible] شب ۲۹ اعلان انحلال کلیه محاکم عدلیه داده شد در آن [illegible]

فخرالدوله رئیس [illegible] و شیخ محمد [illegible] مرحوم حاج شیخ زین العابدین [illegible]

رئیس شعبه مستدعیات و [illegible] الممالک رئیس کل [illegible] و آقا میرزا

طاهر رئیس شعبه حقوق و آقا [illegible] رئیس محکمه جزا و [illegible]

رئیس کل [illegible] و [illegible] رئیس شعبه ثانیه حقوق بودم

تفصیل انحلال [illegible] مشیرالدوله که وزیر عدلیه شد قانون [illegible]

[illegible] و اصول [illegible] را از مجلس گذرانید [illegible]

[illegible] از طرف مجلس برای [illegible] مردم از عدلیه [illegible]

[illegible] شد و با [illegible] عدلیه [illegible]

[illegible] تمام [illegible] گذشتن قوانین برای اصلاح

حال عدلیه مقرر شد که اعضا عدلیه با امتحان [illegible]

حفظ شد [illegible] هر کس [illegible] حقوق گذشته [illegible] ماه عقب

[illegible] هر کس [illegible] حقوق

[illegible] هر کس [illegible] امتحان [illegible]

اعضا عدلیه [illegible] کنند [illegible]

قرار شد برای [illegible] عدلیه [illegible] محکمه حقوق و یک

محکمه جزا و یک محکمه تجارت دایر باشد [illegible] قرار شده بود

[illegible] حقوق [illegible] اعتراض [illegible]

شد [illegible] شعبه [illegible]

این شنبه [illegible] اشتباه کار [illegible] [illegible] [illegible] با دو [illegible]

[illegible] روز [illegible] و یکشنبه [illegible] تشکیل شد

در ۲۱ رجب ۲۹ محمد علیشاه با [illegible] نفر همراهان به گمش تپه وارد

شده و ترکمانها و مستبدین [illegible] [illegible] طرف طهران را [illegible]

سالارالدوله هم در حدود همدان و کرمانشاهان شروع کرد

در رمضان ۲۹ قوای [illegible] و [illegible] و [illegible] با [illegible]

که به سرداری [illegible] بود شکست خورده ارشدالدوله

گرفتار و کشته و قشون او [illegible] متفرق — و [illegible] [illegible]

متفرق شدند — در [illegible] شوال ۲۹ قوای [illegible]

[illegible] در [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] با [illegible]

مصادف شد [illegible] [illegible] [illegible]

در ماه ذیحجه ۲۹ [illegible] [illegible] داد [illegible] — دولت روس به

قزوین قشون وارد [illegible] [illegible] ضبط اموال شعاع السلطنه

[illegible] [illegible] خود را داده [illegible] [illegible] و ادای [illegible]

[illegible] [illegible] روس — [illegible] [illegible] استقلال [illegible]

[illegible] [illegible] داده [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] مجلس

منحل شد [illegible] [illegible] [illegible] ۳۰ [illegible]

[illegible] — در محرم ۳۰ [illegible] [illegible] مجلس [illegible] السلطنه [illegible]

وشوستر خارج میشود ـــ

در این سال ۲۹ عثمانی با ایطالیا مشغول جنگ میکنند و عثمانی در طرابلس غرب

شکست [illegible] دول بالکان با عثمانی مشغول جنگ میشوند ناچار عثمانی با ایطالیا صلح میکند

۳۱

در ماه ربیع الثانی سنه ۱۳۳۰ در عدلیه [illegible] داده شد صدرالعلما [illegible]

رئیس محکمه استیناف شد و فرخ عضو محکمه و آقامیرزا علی قمی رئیس شعبه محکمه

و در رجب ۱۳۳۰ از خانه حاجی میرزا ابوالحسن که در کوچه حاج [illegible]

و حرکت کرده بخانه که در کوچه حاج [illegible] ما بین بست [illegible] ـــ

در ذیحجه ۱۳۳۰ [illegible] عبدالله [illegible] رحمه

در محرم ۱۳۳۱ میرزا [illegible] خان نایب [illegible] عضو [illegible] عزل شد و در ۲۶

صفر ۱۳۳۱ مرتضی قلی [illegible] وزارت عدلیه میشود و در ۲۰ ربیع الثانی

۱۳۳۱ آقامیرزا علی قمی رئیس محکمه ابتدائی حقوق و فرخ رئیس شعبه شد

استیناف شد ـــ

در ۷ شعبان ۱۳۳۱ اعضای عدلیه برای رسیدن حقوق تعطیل کرده در دیوان تمیز

همه روزه جمع میشوند با دولت بر ضد عدلیه ما بین شکایت [illegible] میشود و بعض

از ادارات هم تعطیل میشوند

در این سال قوای ژاندارمری در تحت ریاست یالمارسن [illegible] منصبان

سوئدی [illegible] ـــ عثمانی با دول بالکان صلح میکنند

قشون روس به تبریز میروند ـــ

در ۶ شعبان ۱۳۳۲ ارشدالدوله [illegible] در [illegible]

در [illegible] معتقل شده و در ۴ رمضان ۱۳۳۲ جنگ [illegible]

صربستان و اطریش اعلان شد و در حقیقت جنگ عمومی بین الملل شروع شد

در ۹ رمضان ۱۳۳۲ علاءالسلطنه مستعفی و مستوفی الممالک رئیس الوزرا و [illegible] ملک

و وزیر عدلیه شد ——

در اوائل عقرب سال [illegible] ۹ شوال ۱۳۳۲ خداوند [illegible] مرحمت فرمود -

در ۱۶ محرم ۱۳۳۳ مجلس شورای ملی مفتوح شد و در ۵ ربیع الثانی ۱۳۳۳ مخبرالسلطنه

و وزیر عدلیه و [illegible] الدوله [illegible] شد

در ۵ ربیع الثانی ۱۳۳۳ مستوفی الممالک استعفا داد و مشیرالدوله رئیس الوزرا شد

در ۶ جمادی الثانیه او مستعفی و عین الدوله رئیس الوزرا شد و بواسطه استیضاح از

فرمانفرما که مجلس کرد مستعفی شد و مستوفی رئیس الوزرا شد ——

قشون روس [illegible] داد و از [illegible] وارد [illegible]

۲۸ ذیحجه ۱۳۳۳ قشون روس از قزوین برای طهران حرکت کرد و عنوان نمایند

روس و انگلیس چون آلمانها اسلحه بطهران آورده و مجتمع است ایشان هم عده را

باره اتفاقات ببار آمد برای حفظ اتباع خارجه قشون در نزدیکی طهران

اقامت میکنند —— از روز ۱۶ محرم ۱۳۳۴ وزرا و وکلا و سفرا

و رجال دانا و [illegible] مشاوره و مذاکره [illegible] مردم در هیجان [illegible]

و از [illegible] تکلیف میخواهند اوضاع [illegible] [illegible]

تا ۲۲ محرم با اینکه قشون روس بکرج رسیده [illegible] وزرا در دربار [illegible]

منعقد است [illegible] اعلان و [illegible]

و [illegible] بطهران [illegible]

و دفاع برای حمل ایشان حاضر شود چنانچه ... را تبدیل

به ... می‌کنند ژاندارمری که ایشان بود به طهران خواسته شد شب هفتم محرم

قزاق روس را از ... که از نصف شب تا صبح مردم مضطرب و ... اقامت

نمودند صبح یکشنبه هفتم محرم شاه اراده حرکت از طهران داده و دربار

دربار مشغول تهیه لوازم حرکت از اداره ژاندارمری و سایر لوازم

حرکت مهیا چنانچه در حال در دربار حضور شاه از سفرای انگلیس

و اطریش ... حرکت که از اداره ژاندارمری به حضرت عبدالعظیم ...

تعلیمه در خیابان در حفظ حرکت شاه حاضر حرکت وزراء عازم حرکت ...

... وزراء ... و ... و نظمیه ...

و حکومت به رکن الدوله ... حاضر شد ——

یک هفته بعد از نظر سفرای روس و انگلیس به دربار ...

مذاکرات ایشان طول کشید بالاخره بعد از مذاکرات با شاه از حرکت

منصرف شد و قزاق روس از ... مراجعت کرد و از کابینه

مستوفی الممالک ... و عین الدوله داخل کابینه وزرا شدند ——

۱۴ محرم سنه ۱۳۳۴ جمعی مابین قزاقهای ایرانی با ژاندارمری در همدان

رخ داد ... و ... مسافرین ...

کمیته تشکیل داده مشغول جمع آوری ...

از ... شدند ... قزاق ... ——

در ۲۱ محرم ۳۴ مابین قزاق روس و ژاندارمری در ... جنگ

شروع بختیاری شکست خورده در ساوه با نایب حسین و بختیاری جنگ کرده

شب ۱۳ جمادی ... سپهدار با عده از بختیاری به رباط کریم آمده

خیال طهران داشته از طرف دولت با آنها تلاقی شده که از آنجا به ...

مؤخره شب ۲۴ دروازه های طهران را ... و ... کرده

قزاق بدرجه رفت صبح ۲۴ جنگ مابین قزاق روسی و بختیاری

در بهارستان شروع شد تا غروب شب ۲۵ ... قزاق روسی

زیاد ... کشته و زخمی کرده مقتول زیاد ... ۳۴۰

نفر ... مجروحین هم زیاد ... نایب حسین و بختیاری و ...

... فرار کرده — محمدعلی شاه از قم ... رفت —

۱۶ جمادی ۳۴ مستوفی الممالک ... رئیس الوزرا شد و بعد از

چندی سپهدار (...) رئیس الوزرا شد تا ... ۳۴ ...

و بختیاری از راه ... کشته متفرق شدند و سردارها ...

... ۳۳ ... در همدان بر قوای

روسی حمله کرده ... سالار ... الدوله رئیس الوزرا شد قوه

عثمانی ... قزوین ... قزوین و ...

و خارجه حرکت کردند —

در اوایل جمادی ۳۵ ... طهران ... شد —

در ۲۵ ربیع الثانی ۳۵ ...

کشته شد و از این ... معروف گشت

در جمادی الاول ۳۵ ...

[illegible] شروع [illegible] کرده که برای اصلاح این [illegible] [illegible]
[illegible] نرخ گندم را معین میکنند —

در شب ۱۴ شعبان ۱۳۳۵ مستوفی الممالک [illegible] [illegible] گشته شد و در
۱۵ شعبان وثوق الدوله استعفا داد و علاء السلطنه رئیس الوزرا شد و [illegible]
وزرای جدید — در ۱۱ رمضان ۱۳۳۵ [illegible] الدوله کشته شد

در ۲۸ شوال ۱۳۳۵ کابینه [illegible] و تشکیل شد —

در ۸ [illegible] ۱۳۳۵ [illegible] کل کابینه [illegible] —

در ۱۰ شوال ۱۳۳۵ والده در طهران رحمت ایزدی پیوست
جنازه را [illegible] حمل و نقل کرده در مقبره [illegible] دفن کردند —

در ۱۳ محرم ۱۳۳۶ صمصام السلطنه رئیس الوزرا شد — در این اوقات
[illegible] نشده روز بروز قیمت ارزاق ترقی میکند گندم خرواری

بیست [illegible] تومان بعد و بیست و پنج تومان الی [illegible] رسیده برنج [illegible]
و به همین نسبت سایر مأکولات ترقی کرده — در جاهای طهران [illegible]
پیدا کرده اشخاص گرسنه در کوچه ها و خیابانها [illegible] مردن از نان
رعیت که قبل خود نان را جیره میکنند — جمعیت زیادی از اهالی
و جمعی [illegible] از ناخوشیهای حصبه و ملاریا و سایر امراض تلف شده
تا اوایل [illegible] که جو و گندم به [illegible] رسید [illegible] تنزل کرد
در این اوقات جنگ اروپا در کمال شدت است در [illegible] جبهه [illegible]
[illegible] در کمال قوت است قشون روس از ایران [illegible]
[illegible] و قشون انگلیس دارد همدان و قزوین [illegible]

تلفات قحطی از نیمه حمل تا نیمه جوزا هفت هزار و ۲۲۱ نفر احصائیه شده است

در ۲۳ شوال ۳۶ بتصویب هیئت وزرا راجع بالغاء امتیازات

و معاهدات روسیه اعلان شد —

در ۲۹ شوال ۳۶ اعضاء کابینه مستوفی و وثوق الدوله رئیس الوزراء

در ۱۶ ذیقعده ۳۶ اعضاء کابینه با وزرات جدید تشکیل شده —

در ۱۸ ذیقعده منشی زاده و ابوالفتح زاده محکوم به تبعید و حبس

مؤبد ده و پنج سال شده و رشید السلطان و حبیب الله را به دار کشیدند

شب سه شنبه ۱۹ ذیقعده ۳۶ تقریبا سه از شب رفته منزل را

بنظمیه رو نمودم خودم عبدالله برای چیزی تا صبح نخوابیدم

و بسته‌اند چیزی نبردند فردای آنشب صبح مارا بردند منزل

لقمان الدوله دو نفر عدلیه و اجزاء نظمیه بودند سئوالی شد صبح امروز

که فردا صبحش منتشر شده محاکمه عدلیه تعطیل شده و دو نفر جمع شده

و از طرف دیگر مهر شیخ ... میرزا محمد ... برای رئیس

الوزراء ... اقرار نامه ... و آنها را در تمام شهر ... پخش

شده است و برای اینکه مبادا ... برای اینکه ...

را بخواهند ... از بالاها ... از روز ... تلفن

داده و بجز ... برای من ... جواب دادم شب لقمان الدوله

آمد و ... از من ... خواهد ... فردای

روز ... ده ...

... ۸

روز ... منزل آمد ... میرزا احمد خان از طرف رئیس الوزراء پیش من آمد

وکتب اگر بخواهم اینها شاه و ده ها را ذکر کرده با التفات مراجعت کنم در اکثر

بجای این تمیز برای فرصتی بتبریز احتیاط کردم بعد از سه ماه که بجا بردم

وزیر عدلیه برایم پول از تبریز دعوت کرد ——

روز عید بتبریز وارد شدم که تمام اهل طهران [illegible] خوش آمد

در ۲ محرم ۳۲ خبر [illegible] شد که [illegible] از طرف ایران و اوضاع وخیمه

رسید ——

در ۱۰ شوال ۳۲ از طرف رئیس الوزراء مأمور شدم به رشت رفته

[illegible] با کشتی [illegible]

با جمعی [illegible] روز ۱۷ شوال طرف عصر بهمراهی آقای [illegible]

[illegible] از طهران حرکت کردم پنجشنبه ۱۹ وارد قزوین

شدیم [illegible] روز شنبه [illegible] طرف رشت حرکت کردیم

عصر سه‌شنبه ۲۲ وارد رشت شدیم [illegible] قائم‌مقام آقا [illegible] محمود

با آقازاده [illegible] حاج شیخ [illegible] منزل

تا [illegible] وارد شدیم تا پنجم ذیقعده آنجا بودیم از آنجا رفتیم [illegible]

[illegible] روز یازدهم ذیقعده [illegible] به رشت مراجعت کردم

جمعه هشتم ذیحجه ۳۲ از رشت حرکت کرده روز [illegible] ۱۳ [illegible]

[illegible] وارد طهران شدیم ——

در ۵ شعبان ۳۷ [illegible] وفات یافت ——

در ۱۴ ذیقعده ۳۷ قرارداد وثوق الدوله با انگلیس

در روزنامه‌ها [illegible] منتشر شد ——

در ۱۵ ذیقعده شاه [illegible] حرکت کرد

[illegible] ۲۲ ذیحجه ۳۷ [illegible] وثوق الدوله

تا ماه شوال انگلیسها بطرف رشت عقب کرده بلشویکهای ایرانی و روس

و قوای میرزا کوچک خان انجا را تصرف کرده و میرزا احمد خان حاکم

رشت را با [illegible] ادارات بطرف طهران امده —

در ۷ شوال ۱۳۳۸ وثوق الدوله استعفا داده و در ۱۳ شوال مشیرالدوله

رئیس الوزراء شده و در این اوقات در تبریز بعنوان [illegible] شیخ محمد

خیابانی مشغول اداره امور اذربایجان بوده —

و اجراء قرارداد ایران و انگلیس را موقوف نموده و تبعید شدگان [illegible]

کاشان را احضار [illegible] در ممالک خارجه وثوق الدوله مسافرت

قوای [illegible] با بلشویکها [illegible] حوزه [illegible] جنگ [illegible]

و ممتاز الدوله و [illegible] بکاشان تبعید شده و محمد [illegible] دستگیر شده

این اوقات جمعیتی برضد قرارداد اقدام داشته

[illegible] در ۲۷ [illegible] و نایب حسین کاشی در ۱۳ ذیحجه ۱۳۳۷ دستگیر و اعدام شده

اینها [illegible] مخالف [illegible] کمال [illegible] —

۲۸ ربیع الثانی ۱۳۳۸ [illegible] قرارداد [illegible]

ژنرال [illegible] انگلیسی منعقد شد و [illegible]

[illegible] در ۱۷ جمادی الاولی ۱۳۳۸ [illegible]

در [illegible] بلشویکها وارد انزلی شده انگلیسها از انزلی [illegible]

قزوین عقب نشستند و اهالی رشت هم [illegible] میرزا کوچک خان

برحسب [illegible] حکومت [illegible] رشت امده —

در ۱۳۳۸ [illegible] شاه وارد طهران شده [illegible] جمعیت [illegible]

[illegible] قرارداد [illegible] وثوق الدوله [illegible]

اهالی رشت این دفعه بیشتر فراری شده جمع کثیری با اوضاع پریشان

به طهران آمده‌اند

در ششم ذیحجه ۳۸ خبر فوت مرحوم آقا میرزا محمد تقی شیرازی رسید

در دهم محرم ۳۹ صبح فخرالسلطنه [?] وارد تبریز شده شروع کرد [?] ... [illegible]

... [illegible] کشته شدند [?]

در ۱۲ صفر چهارشنبه ۳۹ آقا سید محمد طباطبائی مرحوم شد

در ۲۳ صفر ۳۹ وقت غروب آفتاب ... [illegible] اسم ... [illegible]

دماغ خود را ... [illegible]

روز جمعه ... [illegible] ۳۹ ... میرزا ... [illegible]

بعد از ظهر ... از دنیا رفت

در این خبر رسید که عده از قزاقهای مقیم قزوین که بالغ بر چهار هزار نفر بودند (ودیگر [?])

به ریاست رضا خان میرپنجه بدون اجازه اطراف طهران و کرج [?] آمده

شب چهاردهم جمادی چهارشنبه ۳۹ ساعت هفت و نیم از شب قزاقها وارد

طهران شده صدای توپ و تفنگ در آن وقت شب بلند و نظمیه را

متصرف شده فردای آن شب بعد از ظهر اعلانی از طرف رضا خان

منتشر شده اعلان حکومت نظامی و اشکال [?] ادارات قطعی [?] است

تا تکلیف معین شود و شب از ساعت سه تقریباً به بعد بیرون آمدن ممنوع [?]

فردا روز بعضی را گرفتند از قبیل عین الدوله و فرمانفرما و نصرت الدوله و سپهسالار

اعظم و آقا سید حسن مدرس و آقا شیخ حسین یزدی و ... السلطنه و ... السلطنه ...

در تحت ... در باب ... آقا سید ضیاءالدین به ریاست وزرائی

منتشر شد ——— و در [illegible] بیانیه از طرف کابینه جناب [illegible]

منتشر و برنامه و مشی خود را معین کرده بود ——

ابتدا چند روز کمیسیون در عدلیه منعقد شد به ریاست منصور السلطنه معاون و

وکفالت امور عدلیه برای جرح و تعدیل قوانین عدلیه و برای روز

سه‌شنبه منهم در آن کمیسیون دعوت شدم ——

در جلسه بعد که چند نفر از اعضاء سابقه بیشتر نبودیم ما کمی موقتا

معین کردیم تا وقتی تشکیلات [illegible] داده شود و کمیسیون برای قوانین بطور

دائمی تشکیل شد و من جزو آن کمیسیون‌ها شدم و کمیسیون‌ها تا مدتی مشغول

در شب [illegible] کاغذی از رئیس الوزرا رسید و مرا برای [illegible]

از روز در هیئت وزراء دعوت کرده بودند فردای آن روز [illegible]

در هیئت وزرا بودم و مذاکره قوانین بود هر کمیسیون قانون قانون

هر وزارتخانه را عرض سابقا نوشته بودم قرائت و تصویب شد و قانون ثبت

اسناد و مجوز آنکه بعد منتشر شد امضاء و تصویب شد و همچنین برای قانون

تشکیلات و اصول محاکمات نوشتم پس از آن قانون [illegible] که من

سابقا نوشته بودم [illegible] خوانده شد و کتاب اول آن برای تصویب

به هیئت وزرا فرستاده شد

در [illegible] کاغذی از وزارت عدلیه رسید که مرا منصوب به [illegible]

[illegible] معین کرده بودند و نباشد [illegible] بیشتر نباشد

در ۱۷ رمضان ۳۹ سید ضیاء الدین معزول و در ۲۳ رمضان

قوام السلطنه به ریاست وزراء منصوب شد

در زمان کابینه سید ضیاء الدین دوره اصلاحات شروع شد و تاریخ آن ثبت

از طرف دولت در اصفهان [illegible] شد و قرارداد ایران با انگلیس الغا

و قوام السلطنه در ۲۶ رجب ۱۳۳۹ در خراسان توسط کلنل محمد تقی خان

دستگیر و حبس شد و در ۲۷ رجب بلدیه طهران با بودجه مستقل تشکیل

و شروع به بنای عمارت بلدیه در میدان توپخانه و مجسمه [illegible] شد و قوای

انگلیس از ایران خارج شد — سید ضیاء الدین در [illegible]

از لغو و [illegible] مسکرات [illegible] — [illegible]

برای کابینه عدلیه معین کرد —

بعد از رفتن سید ضیاء الدین عمید السلطنه وزیر عدلیه و آقا میرزا احمد خان

معاون شد [illegible] روز [illegible] در منزل [illegible] وزیر عدلیه

عدلیه معین و مرتب شد — و [illegible] دوره دوم

در اواسط ذیقعده ۱۳۳۹ مجلس شورای ملی منعقد شد —

در ماه ذیحجه ۱۳۳۹ آقا میرزا محمد تقی [illegible] شد — و کلنل محمد تقی خان

در مشهد مقتول گردید —

در ماه جمادی الاول [illegible] میرزا کوچک خان و جنگلیها کلاً مغلوب شدند و خود

در جنگل [illegible] شد در جنگل رفته بود

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

در ربیع الاول ۴۱ در [illegible] در مسجد جامع قانون [illegible] الغا شد و [illegible]

در اصول [illegible] که موقوف الاجرا مانده بود [illegible] در [illegible]

راجع به [illegible] از مجلس گذشت

[illegible] وارد و [illegible]

در ذیحجه ۴۱ به واسطه اینکه انگلیسها آقای آقا سید ابوالحسن اصفهانی و [illegible]

نائینی و سایر علما را از نجف تبعید کرده اند از [illegible] انگلیسها [illegible]

در روز ۲۲ ذیحجه [illegible] آقایان [illegible] در طهران تعطیل شد

در مسجد شاه مردم جمع و [illegible] منبر رفته [illegible] انگلیسها را شرح داده [illegible]

[illegible] ۲۷ [illegible] بود در روز ۲۸ در [illegible]

در مقابل سفارت [illegible]

روز ۴ محرم ۴۳ علماء نجف وارد قم شدند

در ۱۷ ربیع الاول ۴۲ [illegible] عمومی شده و برای [illegible] انگلیس [illegible]

[illegible] داده شد [illegible] که [illegible] بود جمعیت در [illegible] دروازه

[illegible] جمع شده و نطق [illegible] قرائت شد

[illegible] سردار سپه وزیر جنگ

۱۹ ربیع الاول ۴۲ سردار سپه رئیس الوزراء و وزیر جنگ و [illegible] وزراء

[illegible] شدند وزیر عدلیه [illegible] السلطنه [illegible]

۲۴ ربیع الاول احمد شاه [illegible] اروپا حرکت کرد

۲۱ ربیع الاول خبر جمهوری شدن ترکیه توسط [illegible] پارلمان رسید

۱۷ ربیع الثانی ۴۲ خبر [illegible] عبدالمجید افندی [illegible] رسید

۵ ربیع الثانی رئیس الوزرا (سردار سپه) [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

پنجشنبه ۲۷ صفر ۴۲ قوام السلطنه بعنوان اینکه قصد کشتن سردار سپه وزیر جنگ را داشته توقیف شد در وزارت جنگ

۱ ربیع الاول ۴۲ مشیرالدوله از ریاست وزرا استعفا داد

۱۶ ربیع الاول رضا خان سردار سپه بریاست وزرا منصوب گردید

مساعدالسلطنه وزیر عدلیه شد

۲۲ ربیع الاول ۴۲ احمد شاه بطرف اروپا حرکت کرد

این اوقات مساعدالسلطنه وزیر عدلیه دستخط نوشته قوانینی در ترتیب لباس مخصوص برای قضات نوشت

و مهر العدل در تبریز درست داده نقشه ترازوی عدل است

در جمادی الاول ۴۲ سرهنگ محمد خان قلعه بیگی کفیل نظمیه شد و بعد رئیس نظمیه شد

این اوقات قانون مرور زمان را که سابقاً تصویب کرده بود مجدداً مراجعه کرده با اصلاح

به مجلس برای تصویب به وزارت عدلیه دادند

در این ماه خبر فوت لنین [illegible] رسید — در همین هفته [illegible] وفات یافت

و [illegible] بدرود رسید — شروع عنوان جمهوریت در ایران

روز پنجم رجب ۴۲ دوره پنجم مجلس مفتوح شد و ولیعهد مجلس را افتتاح کرد

در روزنامه‌ها مقاله جمهوریت در ایران بیشتر نوشته میشود و برضد سلطنت احمد شاه اقدام میکنند

تلگرافات راجع به جمهوریت از ولایات میرسد

روز یازدهم شعبان [illegible] وزراء و وزارتخانه‌ها [illegible] سردار سپه رفته تقاضا

[illegible] میشود طبقه مجاهدین [illegible] در این ایام [illegible] داده شده [illegible]

میشود در اطراف جمهوریت و ولیعهد با نمایندگان مجلس در این خصوص مشغول

مذاکره هستند — در مجلس هم عنوان جمهوریت طرح شده است — بعضی در مجلس

در نتیجه مخالفت [illegible]

ولی در جلسه پنجشنبه ۳ حوت که بنا بود مواد راجعه بخلع احمد شاه و جمهوریت از مجلس

بگذرد نگذشت

امروز هم جمعیت زیادی از طبقات مختلفه در آنجا جمع شده و اطراف [illegible]

برای اظهار مخالفت با جمهوریت روانه شدند عده جمعیت را [illegible]

گفته‌اند وقتی جمعیت به بهارستان رسید سردار سپه با عده از قشون [illegible]

حسن قمی دو دایی [illegible] جمعه [illegible] مردم را تشویق کردند

روز چهارشنبه ۲۰ شعبان ۳۴ رمضان فلسفی در رادیو نطق برای قلع آثار بابیان علنی گفت

در ۲۳ و ۲۴ [illegible] بعنوان [illegible] شرکت کردند

در ۲۷ جمادی از طرف [illegible] منتشر شد [illegible] در موقع [illegible] بابیها

انجمن [illegible] که عنوان جمهوری [illegible] موقوف بود
[illegible] برای [illegible] نوشتند

در ۱۵ دسامبر ۳۴ [illegible] امریکا [illegible] بابیان [illegible]

رفته بود [illegible] و حکومت [illegible] اعلان کرده

و از طرف سفرا [illegible] به دولت ایران [illegible] شده و وزارت خارجه جواب داد

۲۸ محرم ۳۴ [illegible] وزارت [illegible] به سوخته شد و [illegible] السلطنه

وزیر [illegible] شد

در ۵ ربیع الاول ۳۴ [illegible] از طرف [illegible] بابیها رسید

تعطیل کردند
در ۵ [illegible] جمادی الاولی ۳۴ [illegible] شیخ [illegible] دوشنبه [illegible]

در [illegible] ارتش [illegible] سردار [illegible] تکمیل [illegible]

در ۲۰ رجب ۳۴ از طرف [illegible] بابیت کل قوای [illegible] باد

داده شد

در ۵ رمضان ۳۴ [illegible] محمد [illegible] شاه [illegible] گذارده شد

در روز ۱۵ صفر ۳۴ از طرف [illegible] [illegible]

[illegible] بابیها [illegible] حضرت [illegible]

در تمام مملکت اعلان تعطیل عمومی داده شد و [illegible] در مسجد سلطانی اجتماع کرد

و [illegible] دروازه [illegible] مجتمع شد

و [illegible] از طرف [illegible] بابیها [illegible] شد

در ربیع الاول ۳۴ مردم [illegible] تهران [illegible] اجتماع کرده [illegible]

در جلسه ۷ آبان ۱۳۰۴ در مجلس بواسطه تلگرافاتی که از ولایات راجع بسلطنت قاجاریه میرسید خوانده شد — عده‌ای هم در مدرسه [illegible] در برده اند

روز ۹ آبان ۱۳۰۴ ماده واحده از مجلس گذشت که از انقراض سلطنت قاجاریه و حکومت موقتی رضاخان پهلوی و واگذار کردن تکلیف قطعی سلطنت بمجلس مؤسسان [illegible] — دسته‌دسته برای تبریک بمنزل رضاخان رفتند

روز ۱۱ آبان ابلاغیه از طرف رضاخان منتشر شد — و

۱۲ آبان نظامنامه انتخاب اعضاء مجلس مؤسسان ابلاغ شد

فروغی کفیل ریاست الوزرا شده بود.

یکشنبه ۱۵ آذر ۱۳۰۴ ۹۹ [illegible] ۲۴۴ مجلس مؤسسان مفتوح گردید

شنبه ۲۱ آذر ۱۳۰۴ مواد راجعه بسلطنت رضاشاه و ولایتعهد پسر بزرگتر از مجلس مؤسسان گذشت — روز ۲۴ آذر بمجلس رفته قسم خورد و

چند روز ادارات تعطیل و جشن گرفته شد

کابینه بریاست وزرائی فروغی تشکیل و [illegible] وزیر عدلیه شد

روز چهارم اردیبهشت ۱۳۰۵ مراسم تاجگذاری بعمل آمد و فروغی رئیس

الوزرا خطابه تاجگذاری قرائت کرد — فرمان عفو عمومی [illegible] برای [illegible]

قانون [illegible] عفو عمومی که در روزنامه ایران درج شد

در ذیحجه ۲۲ خرداد ۱۳۰۵ [illegible] که ۶ [illegible] شرکت را خواب کرده

۱۵ خرداد ۱۳۰۵ فروغی از ریاست وزرائی استعفا داد و مستوفی رئیس الوزرا

۱۹ تیر ۱۳۰۵ مجلس ششم مفتوح گردید

۲۶ شهریور ۱۳۰۵ [illegible] دولت وزیر عدلیه شد و کابینه [illegible]

۷ آبان عروسی [illegible]

بهمن ۱۳۰۵ مستوفی بعد از استیضاح مجلس استعفا داد و مجدداً از طرف اعلیحضرت

و مجلس رأی اعتماد داده کابینه جدید تشکیل کرده و داور وزیر عدلیه

و تدین وزیر معارف و اوقاف

در ۲۰ بهمن ۱۳۰۵ پنجشنبه هشتم شعبان ۴۵ اعلان انحلال عدلیه از طرف

داور وزیر عدلیه منتشر شد که در ظرف [illegible] تشکیلات موجوده [illegible]

در سه روز بعد جنرال داور وزیر عدلیه دعوت شده

۲۷ بهمن ۱۳۰۵ وزیر عدلیه لایحه اختیارات برای تجدید تشکیلات عدلیه و قانون

تقدیم مجلس کرده و تصویب شد ــــ و در منزل وزیر عدلیه [illegible] تشکیلات موقت را داده

از همین اول اسفند سه قسمت یک محکمه صلح محدود و یک [illegible] و [illegible] و یک [illegible]

صلح محدود [illegible] و وکیل عمومی و مستنطق تشکیل کرده

از ۱۶ اسفند ۱۳۰۵ تمام ایالات و ولایات تشکیل کرده

در ۳۰ فروردین اختیارات لایحه عدلیه از مجلس گذشت

روز سه‌شنبه ۵ اردیبهشت ۱۳۰۶ برای افتتاح عدلیه دعوت شده

در عمارت موزه رفته [illegible] را اعلیحضرت به [illegible] داده

و عدلیه مفتوح شد و [illegible] [illegible] صادر کرده

در ۲۳ اردیبهشت اعلان افتتاح عدلیه شد

۶ خرداد ۱۳۰۶ مستوفی الممالک از ریاست وزرا استعفا داد و مخبرالسلطنه

رئیس الوزرا شد

اول امرداد ۱۳۰۶ دکتر میلسپو از ریاست کل مالیه ایران کناره گیری کرد

۲۳ مهر ۱۳۰۶ جشن افتتاح راه‌آهن [illegible] شد

در ۵ جلسه [illegible] قضیه [illegible] در [illegible] یافته

۲۶ آذر ۱۳۰۶

از ۵ فروردین ۱۳۰۶ [illegible] داور [illegible] و قانون [illegible] تشکیلات [illegible] و قواعد [illegible] ۲ اردیبهشت ۱۳۰۶

۳۱ اردیبهشت [illegible] داور [illegible]

از ۲۴ مهر ۱۳۰۶ منزل داور وزیر عدلیه [illegible] ۲۸ [illegible]

ترقیاتی که از طرف به شغل وزارت عدلیه برای مخبر در سنه ۱۳۰۲ تهیه شده بطریق ذیل است

اسم میرزا اسعد محمد لقب // تاریخ استخدام محل اقامت خانواده طهران

پدر - مرحوم حاجی میرزا [illegible] محل تولد قم تحصیلات و تربیت ابتدائی [illegible]

نام خانواده ناظمی تاریخ تولد تخمیناً هزار و دویست و پنجاه و هشت شمسی تأهل دارد

مستمری و شهریه و تیول یا ذکر نمره عده اولاد ۱۰

شغل و مقامات	اداره یا وزارتخانه	تاریخ مدت خدمت		
نایب تفتیش ثانی بدایت	وزارت عدلیه	از محرم ۱۳۲۸	تا نجم عمید الدوله ۱۳۲۹	ماهی ۳۰
مستشار محکمه استیناف طهران	//	از نجم عمید الدوله ۱۳۳۰	تا ۲۰ ربیع الاول ۱۳۳۱	ع ۳۰ حکم وزارتی
ریاست شعبه ۲ استیناف مرکز	//	۲ ربیع الثانی ۱۳۳۱	تا نجم ذیقعده ۱۳۳۲	ع ۶۷۲۰ بموجب ابلاغ
ریاست شعبه ۲ استیناف [illegible]	//	۵ ذیقعده ۱۳۳۳	تا ۱۸ شوال ۱۳۳۵	ع ۳۸۷۳ بموجب حکم وزارتی
ریاست کل محاکم استیناف مرکز	//	۱۸ شوال ۱۳۳۵	تا شهر ذیقعده ۱۳۳۵	ع ۱۲۴۳ بموجب ابلاغ
ریاست کل محاکم استیناف [illegible]	//	ذیقعده ۱۳۳۵	۱۹ حوت ۹۹	ع ۱۳۳۸ بموجب ابلاغ
عضویت کمیسیون قوانین	//	۱۹ حوت ۹۹	۳ جوزای ۱۳۰۰	ع ۲۰۲۷ بموجب ابلاغ
مستشار دیوان تمیز	//	۳ جوزای ۱۳۰۲	۱۸ [illegible] ۱۳۰۲	ع ۲۰۳۶ بموجب ابلاغ
کفالت ریاست شعبه دوم دیوان تمیز	//	۱۸ [illegible] ۱۳۰۲		

انفصالی که اتفاق افتاده در مدت خدمت بطریق ذیل است

در ۱۸ شوال ۱۳۳۲ که وثوق الدوله وزیر عدلیه و [illegible] سادات
سه نفر را به عدلیه دعوت کرده و در کمیسیونی که در آن زمان برای دیوان تمیز
برای رسیدگی به [illegible] تشکیل شده بود داخل شدم

بعد از یک ماه تقریباً وثوق الدوله [illegible] و وکیل معین شد بجای ایشان و
مشیرالدوله وزیر عدلیه شد برای اینکه با مشیرالدوله سابقه داشتم
رفتم منزل و به عدلیه رفتم از طرف مشیرالدوله چند مرتبه دعوت شد [illegible]

دعوت عضویت [illegible] ذیل است

وزارت عدلیه اعظم
اداره
مورخه ۲۷ شهر ذیقعدة الحرام ۱۳۲۷

نمره ح ۱۳۲۴

جناب مستطاب آقا سید محمد سلمه الله تعالی

جناب عالی امروزه باید در وزارت عدلیه اعظم حاضر شده جزو مستخدمین

وزارت عدلیه محسوب و جزو [illegible] داخل [illegible] [illegible]

بوده‌اید البته از فردا که یکشنبه ۲۷ شهر حال است هر روز تشریف

بیاورید — شهر ذیقعده ۱۳۲۷ — ورود ۲۸ ذیقعده ۱۳۲۷

[illegible] وزارت [illegible] ذکر [illegible] [illegible] حقوق [illegible]

۱۳۲۸
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] و در ۲۷ صفر

[illegible] حقوق [illegible] [illegible]
([illegible] [illegible] اعلیحضرت اقدس همایون [illegible] [illegible] [illegible])

چون برای [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] در [illegible] عدلیه [illegible]

اشخاص [illegible] [illegible] [illegible] با علم و عمل [illegible] [illegible] تجربه و [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible]
[illegible] [illegible]

و [illegible] [illegible] باشند [illegible] و منصوب [illegible] لهذا [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] داده است

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] جناب مستطاب اجل

اکرم افخم [illegible] [illegible] [illegible] مشیرالدوله وزیر عدلیه اعظم

[illegible] [illegible] [illegible] ابتدا [illegible] حقوق [illegible] برقرار فرموده [illegible]

این [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] امروزه

[illegible] حاضر [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] بوده

[illegible] [illegible] [illegible] را در [illegible] [illegible] حاضر [illegible] [illegible] [illegible]

شهر صفر ۱۳۲۸ ([illegible] [illegible] [illegible]
۱۷ صفر ۱۳۲۸
نمره ۳۱۵۹)

۱۱۱
[illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible]

در شهر ذی القعده ۱۳۲۹ که عدلیه منحل شد از طرف وزارت عدلیه نوشته شد

مورخه ۲۹ شهر ذی القعده ۱۳۲۹

جناب . . . آقای میرزا اسدالله رئیس شعبه ثانی ابتدائی دام اقباله

چون در موقع بحران بعضی از اجزاء عدلیه از عمل خود [illegible] شده‌اند

برای امور فوری و قوانین مشروطیت یک شعبه محکمه دایر باشد لهذا بموجب حکم

شعبه ثانی مبتدی شده است علیحده [illegible] از امروز معین می‌شود

با جنابعالی و اجزای [illegible] از پنج ساعت بعد الظهر در شعبه [illegible]

حاضر و بامور فوری و قوانین مشروطیت با کمال [illegible] رسیدگی و اقدام نمائید

شهر فوق ۱۳۲۹

وزیر عدلیه اعظم

مهر وزارت

نمره ۱۲۲

وزیر عدلیه [illegible] اعتبار عدلیه نظامیه مورخه ۶

شهر شوال ۱۳۲۹ مطابق ۴ ماه اکتبر ۱۹۱۱ راجع به تشکیلات وزارت عدلیه

جناب آقا میرزا اسدالله [illegible] شعبه محکمه [illegible]

طهران [illegible]

رجوع [illegible] اعمال و افعال خود [illegible]

طهران [illegible] ۱۳۳۰ [illegible] الملک

از طرف وزارت عدلیه

مهر وزارت عدلیه

[illegible] ۱۵ شهر [illegible] ۱۳۳۰

۲۳۶۷ [illegible]

مورخه ۲۰ شهر ربیع الثانی ۱۳۳۱

نمره ۷۰۹۷۰

راپرت شغل حاکم اصفهان

برای اجرای ماده (۷۹) اصول تشکیلات مقرر داریم جناب آقا میرزا

سید محمد و جناب [illegible] بکمیسیون [illegible] بروند و جناب آقا [illegible]

[illegible] را [illegible] اول [illegible] و راپرت [illegible] را هم [illegible]

با آقا میرزا سید محمد واگذار نماید [illegible] وزارت

مورخه ۲ میزان ۱۳۳۵

نمره ۱۵۷۴

چون برای راپرت شغل حاکم [illegible] وجود [illegible]

[illegible] جناب [illegible] آقا میرزا سید محمد را [illegible]

در پنجم شهر ذیقعده سیچقان ئیل ۲۵ سنبله ۱۳۳۳ در تحت نمره ۳۸۷۲ حکومت

نوشته شد به اصفهان صادر شد

در ۱۸ شوال ۱۳۳۵ [illegible] در تحت نمره ۳۱۷۴ از طرف وزارت عدلیه نوشته شد

که چون [illegible] اشراف ریاست اصفهان [illegible] داده امور را [illegible] اداره و [illegible]

راپرت را [illegible] تا [illegible] قطعی [illegible] قطع [illegible]

در شهر ذیقعده ۱۳۳۵ [illegible] - ۲ میزان نمره ۴۷۶۱ حکم

راپرت شغل حاکم اصفهان داده شد

در ۱۲ قوس ۹۷ نمره ۲۲۲ از طرف وزارت نوشته شد که چون [illegible]

انفصال [illegible] جناب آقا [illegible] شده است لهذا [illegible] سواد [illegible]

[illegible] در [illegible] برای جناب آقا [illegible]

[illegible]

در ۳ جوزای [illegible] نمره ۲۳۷ [illegible]

در ۲ برج میزان قوی ئیل سنه ۱۲۹۸ عدد ۳۲۹ خانم منتشاری عزیز داده شد

فروج خانی ۱۵ ربیع الاول ۱۳۳۸

در ۸ سنبله ۱۳۰۲ عدد ۱۹۵۱ حکم کفالت بابت لشکر شمالغرب

داده شد (بمناسبت رفتن صدرالاشراف به تبریز)

در ۲ برج میزان قوی ئیل ۱۲۹۸ خانم عیال رجوع داده شد

و این برای جبران توهینی بود که به اطاق حبس در نظمیه کشف و انفصال کوچک [illegible]

داده شد

از دفتر سجل احوال

دفتر سجل احوال دارالخلافه طهران

عدد ۲۳۶۴

صفحه سجل ولادت

آقا میرزا اسدالله خان فاطمی پسر مرحوم میرزا ابوالحسن و مرحومه بیگم خانم خانم

در طهران ناحیه ۳ در تاریخ هزار و دویست و پنجاه و شش

تولد یافته است

امضاء مامور سجل احوال

[illegible]

شیر و خورشید

نظمیه طهران

دفتر هویت

این ورقه از طرف نظمیه برای ناحیه ۹ عودلاجان به آقا میرزا اسدالله خان فاطمی [illegible]

ساکن کوی عودلاجان کوچه [illegible] خانه نمره [illegible] داده شد و سجل ولادت

او در دفتر این ورقه تصریح شده است تقویم [illegible] طهران بتاریخ

امضای مامور [illegible]

در ۹ حوت ۹۹ در نظمیه برای [illegible] در [illegible] ناحیه [illegible]

دعوت شدم به عدد ۱۱۷۷۴

در ۱۱ برج حوت ۹۹ عدد ۱۳۳۲۴ برای تجربه خط در تأمین [illegible]

ملاقات دعوت شدم

در ۱۹ برج حوت ۹۹ = ۱۲۳۰۷ بتصویب قانون ۲ تا ری ترفیع

۲۹ جوزای ۱۳۰۰ = ۵۵۸ به دیوان عالی تمیز دعوت شدم

که عضو ثابتی مشغول کار بشم

خلاصه ترفیع خدمت

مورخه ۲۹ ماه ۱۳۰۵/۵

عدد ۳۰۲۷۳

خلاصه ترفیع خدمت آقای میرزا احمد خان [illegible] در تاریخ نیمه اسفند ماه ۱۳۰۴

بوزارت [illegible]

سن ۵۲

مدت خدمت ۱۶ سال ۵ روز [illegible] مشمول ماده ۶۶

۲۰ قوس ۱۲۸۸ - ۷ سنبله ۱۲۹۷ - ۸ سال ۸ ماه ۱۶ روز

۱۲ قوس ۱۲۹۷ - ۳ حوت ۱۲۹۹ - ۲ سال ۲ ماه ۲۲ روز

۱۵ حوت ۱۲۹۹ - ۳۰ بهمن ۱۳۰۴ - ۵ سال / ۱۶ روز

ماههای قبل از اجرای قانون — / ۱۱ روز

۱۶ سال — ۵ روز

[illegible] ۶ ۱/۲ %

سن در اول ۱۳۰۲ مستشار دیوان عالی تمیز

رتبه اداری در اول اجرای قانون استخدام ۷ قضائی

رتبه فعلی ۷ قضائی

عدد ۱۰۹۰۵

در تاریخ ۵ شهریور ۱۳۰۵ تصدیق شد

امضا امضا

در ۲۳ خرداد ۱۳۰۵ [illegible] مستشاری تمیز [illegible] در رتبه ۲۷۷۵

۳۴۴۳۳/۹۱۰۴

[illegible] ۱۴ خرداد ۱۳۰۵

در چهارم اردیبهشت ۱۳۰۵ بتوسط میرزا محمدعلیخان فروغی [illegible] در شماره ۱۵۷۰

درباره اهمیت و انشاء قانون مدنی [illegible] قانونگذاریهای راجع [illegible] در [illegible]

[illegible] مرحوم میرزا محمدعلیخان فروغی در موقعیکه [illegible] علما را برای جمع [illegible]

[illegible] تشویق [illegible] را بخواند.

در اینجا که [illegible] قضا و [illegible] قضات همواره محدود و [illegible]

[illegible] تمام [illegible] شناختن [illegible] ایشان قرار بوده و [illegible]

[illegible] تشریع و وضع قوانین [illegible] قوانین [illegible] و [illegible]

بیشتر [illegible] برای [illegible] و ترتیب [illegible] دانشمندو [illegible]

است که میتوانند از عهده این امر برآیند [illegible]

[illegible] الباقی [illegible] که [illegible] عمدة [illegible] و الفقها

آقا میرزا سید محمد [illegible] در این راه [illegible] که [illegible] قوانین مملکت [illegible]

[illegible] مجموعه [illegible] ۱۴۰ ماده [illegible]

راجع بقوانینی که ترتیب داده [illegible] و تقلید [illegible]

است و مجموعه [illegible] مشتمل ابواب در باب معاملات و املاک و وقف و نکاح

و طلاق [illegible] شده [illegible] و امید [illegible] که بزودی [illegible]

و تقدیم [illegible] از [illegible] قانون [illegible] از جمله [illegible]

که در ممالک اروپا سالها وقت و زحمت دانشمندان معروف را صرف خود نموده

در اینجا هم اگرچه علمای شرع انور و [illegible] تحقیقات فقها [illegible]

جزئیات [illegible] ولی [illegible] و تتبع در کتب [illegible]

[illegible] آقا میرزا سید محمد [illegible]

عهده [illegible] که از [illegible] دقیق [illegible] در این [illegible]

[illegible] برای [illegible] و [illegible] اهل فضل [illegible]

[illegible]

بی ولی تعقیب بر مدعی علیه ... از دو هی محمد [illegible]
دادستانی [illegible]

شروع دیوان [illegible] نوشته [illegible]

تا این وقت [illegible] خانه [illegible] در [illegible] تعقیب [illegible]
را برای [illegible] اعلیحضرت [illegible] عرض شده است
[illegible] را برای اطلاع [illegible] تعقیب نمودم
[illegible]

۳۰
در بیست و نهم بهمن ۱۳۰۳ [illegible] مدعی علیه دعوت شدم
[illegible] ترتیب [illegible] داده [illegible]
در ۱۵ فروردین ۱۳۰۴ مجدداً [illegible] داد و [illegible] مدعی علیه دعوت شدم [illegible]
[illegible] ترتیب داده [illegible] پنج اردیبهشت [illegible]
بودم
روز سه شنبه پنج اردیبهشت ۱۳۰۴ [illegible] دیوان [illegible] اعلیحضرت [illegible]

۱۸۳۹/۱۷۱ تا کی

در ۳۱ اردیبهشت مجدداً [illegible] مدعی علیه دعوت شدم [illegible]
در کمیسیون [illegible] منعقد [illegible] دعوت شدم

برای دهم بهمن ۱۳۰۶ برای مطالعه در قانون [illegible] دعوت شدم [illegible]
[illegible] ترتیب داده بودم [illegible]

در ۲۷ مهرماه ۱۳۰۶ هم بابت [illegible] دیوان [illegible]
[illegible] مدعی علیه بودم [illegible]
[illegible]
[illegible] ۲۰۹۹ [illegible]
[illegible] در ۱۲ دیماه ۱۳۰۶ [illegible]
[illegible] دیوان [illegible]

برای برداشتن از مشهد در ۲۱ دی ۳۰۶ بمقصد [illegible] اول تبریز رفتم

در ۲۹ فروردین ۳۰۷ بموجب حکم نمره ۹۱ص۳ / ۹۲۳ بمعاونت اول

پارکه تبریز منصوب شدم

در تاریخ ۲۴ برج حوت سنه تنگوزئیل ۱۳۰۲ مدرسه حقوق برای تدریس

علم ثبت اسناد و حقوق مالکیت در ایران دعوت شدم با حقوق از قرار

ماهی پنجاه تومان از ۱۹ برج قوس ۱۳۰۲ هفته دو ساعت تدریس

دادم از مهر ۳۰۶ هفته یک ساعت دادم [illegible] و بمناسبت [illegible] حقوق

بواسطه توأم شدن مدرسه حقوق و سیاسی

و از اول مهر ۳۰۷ بخدمت تدریس خاتمه داده شد

در سنوات مختلف منتظم شده و اوراقی در ایران طبع شده تا کنون هم
در اغلب آنها به چشم اهل دانش از کتابفروشی‌ها کتابها را راجع به شرح عبارات
و جامع فقهیه بزرگ ... اولی دوره اولی نوشتم و منتشر شد لیکن آنچه وارد
نمیشد ... و قوانین تشکیلات و اصول محاکمات دیگر در اول نوشتم بعد
افتادم که راجع به معاملات احکام فقهیه را منفصل‌تر از آنچه در شرح عبارات
نوشته‌ام بنویسم آقا میرزا ... خان ... که در اغلب فقه ... بعد از ۱۳۳۳
رئیس کابینه وزارت عدلیه بود اصرار کرد که از این کار منصرف نشوم
بنویسم که ... هر وقت کار از این نهج قبول کردم و ترتیب قانونی از اول
و قوانین ... مختصر ... ماده قانون ... آنچه کردم و چون ...
اصول محاکمات از زمان اول ... راجع ... و ... احکام ...
بودم و ... دفعه ... و ... احکام ... راجع ...
نوشتم و با آنچه در مراجع ... عدلیه وقت ... دادم ...
... عدلیه ... حاضر کرده ... وزارت ...

با ... در ۲۸ سنبله ۱۲۹۸ ... تشکیل کمیسیون
... در ۶ میزان ۹۸ ... از طرف وزارت عدلیه اعظم ... داده شد که
کمیسیون ... ادارات ... هیئت ... آقا ...
دکتر میرزا احمد خان رئیس اداره ... در این کمیسیون ابتدا قانون ... را
فقهیه کردم ... کمیسیون ... تشکیل ...
ضمن کمیسیون منعقد و تشکیل شد ... وزارت عدلیه ... نوشته شد
در ۱۶ دی ۱۳۰۴ ... فقه ... راجع ... عبارات ...
که در فقهیه ... قانون ... نوشته ... ماده ...
... و ... داده ... بوزارت عدلیه ... دادم
... کرده — عبارت کاغذ ... در ذیل نقل میشود

نمره ۳۷۵۰

جناب مستطاب آقای آقا میرزا ... در ...
سابق مواد ... راجع به قانون ... فرموده اند
در وزارت عدلیه ... جناب ... و ...
جمعیت مواد ... آقا ... خان ... که ...
نموده بوزارت عدلیه ... مورد استفاده گردد (... وزارت عدلیه)

آن زمانی که سال ۱۳۲۰ شمسی و ۱۳۶۰ قمری است [illegible] دو [illegible] خود را دنبال کنم

و قصه را که برای [illegible] که در تهران [illegible] بیان کردم [illegible] حال بعد از چند سال

[illegible] — روز [illegible] از او [illegible] و محرک [illegible] بود که از [illegible]

به کار با [illegible] از زن و اقوام [illegible] کردم از سال ۱۳۲۴ [illegible] سال ۱۳۲۷

[illegible] یک روز که در [illegible] مرحوم [illegible] معروف [illegible] از رفقای [illegible]

هر کدام [illegible] حاجت داشته باشد حاجت خود را در کاغذی نوشته [illegible] حاجت خود را که [illegible]

در کاغذی نوشته دادم [illegible] چند روز [illegible] آنچه [illegible] باشد از حمل [illegible]

۱۳۲۷

خداوند حاجت مرا [illegible] از حمل [illegible] تاریخ [illegible]

[illegible] سال ۱۳۳۲ طفلی متولد شد و در [illegible]

[illegible] دختری متولد شد [illegible] دختر [illegible] کمال علاقه [illegible]

[illegible] که از [illegible] سال ۱۳۲۹ [illegible]

[illegible] ۲۳ [illegible] دختر بود [illegible]

[illegible] امیدوارم [illegible] بود

[illegible] سال ۱۳۴۸ [illegible] خود را [illegible]

[illegible] در سال ۱۳۴۸ جواب آن [illegible]

جوابی که فرستاده‌اند

شماره [illegible] وزارت عدلیه اعظم

به موجب [illegible] ۱۶ حمل ۱۳۰۴ تحت نمره ۲۰۳۵ [illegible] قانون [illegible]

کتاب وقف [illegible] به آقای [illegible] محمد [illegible] خان [illegible] برای

استفاده داده شده و کتاب نکاح و طلاق [illegible] داده [illegible]

که [illegible] داده [illegible] و چون [illegible]

مطابقه [illegible]

[illegible] ۱۳۴۵/۲/۲۱

از مرحمت [illegible] و شنبه به دماغ آقا [illegible] در صدد [illegible] زن برای او هستم

و [illegible] برای [illegible] و شنبه [illegible] دختری برای او ببرد [illegible] روز جمعه یازدهم رجب

۱۳۴۸ از رفقا [illegible] خود دعوت کرده چند روز قبل از روز عید مبعث

[illegible] که [illegible] ایشان [illegible] از رفقای خود دعوت کند [illegible]

[illegible] از رفقا [illegible] فراهم [illegible] گفتم [illegible] اول [illegible]

از این کلمه [illegible] شدم [illegible] روز جمعه [illegible]

[illegible] رفتند [illegible] حالی [illegible] به خیال آنکه [illegible]

[illegible] رفتم [illegible] گفتم [illegible] حکیم السلطنه [illegible]

در منزل [illegible] برای [illegible] روز [illegible] حالی [illegible]

آوردم لقمان الملک طبیب [illegible] دکتر [illegible]

معلوم شد حکیم السلطنه خطا کرده [illegible] گذشته بود [illegible] گذشته بود

روز سه شنبه پانزدهم رجب ۱۳۴۸ از نزدیک غروب [illegible]

[illegible]

[illegible] که در حضور او [illegible] عزیز قوام [illegible]

شرح داد [illegible] بعد از غروب مشغول صحبت بود و بعد از غروب [illegible]

[illegible] چه گذشت و چه حال داشتم مرا بردند خانه مرحوم شمس العرفا [illegible]

[illegible] مرحوم حاجی [illegible]

[illegible] حال [illegible] بود [illegible]

[illegible]

اگر [illegible] بروم معلوم شد رفقا این [illegible] بهترین راه برای [illegible]

[illegible] قبول کردم به خیال آنکه دیگر [illegible]

[illegible] خانه [illegible] حجره میرزا عبد [illegible]

[illegible] مرحوم حاجی [illegible] گذاردم که [illegible]

برای [illegible]

روز یکشنبه بیستم رجب ۱۳۴۸ مطابق اول دی ۱۳۰۸ سه بعد از ظهر تقریبا
از خانه آقای شمس کرمانی داخل خانه از بقیه حرکت کرده با عده تا
مسجد مروی آمده از آنجا گاراژ اتومبیل شده حرکت کردیم همراهان
نفوس عبارتند از حاجیه ایران خانم (عمه خانم) معصومه
همشیره رضا و طلعت (بابه خانم) زن مرحوم آقای محمد حسن
قمی آمیرزا ابوالحسن مسجد جامعی شیخ مهدی فرج زاده ترک
الشاهرودی که تا کرج به تبعیت آمدند

مشهدی سید حسین لاهیجانی — حاجی محمد یوسف چوقی — حاجی سید جلال ناجی
حاجی محمد اسمعیل قزوینی — میرزا علیرضا برادر حاجی محمد اسمعیل — آمیرزا سید محمد اهوازی
شیخ آقا اخوی زاده — حاجی میرزا مهدی قزوینی — آقا میرزا ابوالفضل قمی
حاجی میرزا ابوالقاسم [illegible]

بعد از توقف در دروازه گاراژ جوی رفقائی که برای مشایعت آمده بودند
وداع کرده مراجعت نمودند با حال اندوه و چشم گریان حرکت کردیم
قریب سه ساعت از شب گذشته وارد قزوین شدیم در هتل مراد اهل
اطاقی منزل کردیم در مقابله نیز از خانه عمو و دیگری از خانه شمس کرمانی
برده بودند از صبح از قزوین حرکت کرده عصر تقریبا سه بعد از ظهر وارد
همدان شدیم در مهمانخانه مراد طهران در حال شناسائی کرده بعد از
ترتیب منزل با درشکه بزیارت مقبره شیخ ابوعلی سینا رفتیم و زیارت
بی بی [illegible] سید عبدالله [illegible] به بیست همدان برگشتیم
امر منزل و فعلا اصرار کرده ما را منزل خود برد [illegible]
داشته و قبول نکردیم صبح بعد از طلوع آفتاب از همدان حرکت کرده

در کوه بیستون [illegible] ده شده [illegible] که در این صفحه [illegible] میشود

تقریب دارد [illegible] ده شدیم در حدود [illegible] بمنزل بودیم آقا حسین

علاوه [illegible] است و با همراهان ما را بمنزل خود برد معلوم شد آقای

[illegible] از طهران با [illegible] تلگراف [illegible] کرده و [illegible]

ما را خبر داده و [illegible] ما در کرمانشاه [illegible]

منزل آقا حسین [illegible]   و منزل [illegible]

آقا شیخ محمد حسین برادر آقا حسین هم در اینجا منزل دارد و [illegible]

دیگر هم دارد [illegible] بودیم همه مشغول صحبت بودیم برای

ما در طهران تذکره گرفته بودیم [illegible] نشده بود.

باید در کرمانشاه [illegible] در اینجا هم [illegible]

[illegible] بود [illegible] داشتیم [illegible]

که برای ما [illegible] که [illegible] در این [illegible] توقف نکنند [illegible]

سیم همراه ما بود [illegible] میرزا ابوالحسن و [illegible] میرزا [illegible]

در اتومبیل دیگر سوار [illegible]

[illegible] پول [illegible] و با این [illegible]

[illegible] اگر [illegible] برای [illegible]

[illegible] پول [illegible] برای [illegible] تذکره [illegible]

[illegible] توقف [illegible]

[illegible] کرمانشاه [illegible] شاهزاده [illegible]

[illegible] برادر

[illegible] تذکره [illegible] داده [illegible]

[illegible] ما را [illegible] اطاق

نهار مفصل کرد شب چهارشنبه ۲۳ رجب و شب پنجشنبه ۲۴ و شب جمعه ۲۵

آنجا بودیم صبح جمعه ۲۵ از کرمانشاه حرکت کرده بعد از ظهر بقصر

رسیدیم قدری برای خوردن نهار و چای و نماز توقف کرده

از آنجا بخسروی که گمرک خانه ایران است آمده ترتیب خانی پیر

نائب السلطنه رئیس گمرک آنجا احترام کرد بعد از صرف چای و سیگار

حرکت کرده نزدیک غروب وارد گمرک خانقین شدیم اسبابها را

تفتیش کردیم پس از آن بکاروانسرای رفته با عمق شب ماندیم تقریبا

از شب شنبه ۲۶ ساعتی حرکت کرده صبح وارد کاظمین شدیم از

روز شنبه ۲۶ رجب تا روز جمعه ۲ شعبان در کاظمین توقف

کردیم صبح جمعه با ماشین بطرف بلد حرکت کرده عصر وارد شدیم

و در خانه سید جلیل منزل کردیم صبح روز شنبه از آنجا

بسامره رفتیم ابوالفضل در فضای باغ ما مشرف شدیم و تا روز سه شنبه ۲۶ شعبان

در کربلا بودیم و در این ایام زیارت و دعا نمودیم زیارت طفلان مسلم رفتیم

روز سه شنبه ۲۶ شعبان بکاظمین مراجعت کرده در روز چهارشنبه ۲۸ بسامرا

رفتیم شب پنجشنبه ۲۹ و شب جمعه سلخ در سامرا بودیم روز جمعه بکاظمین

آمده و بعد از دو مراجعت امامزاده سید محمد را زیارت کردیم شب شنبه

غره رمضان و شب یکشنبه دوم در کاظمین توقف کرده روز یکشنبه بکربلا

مراجعت کردیم ۲ شنبه ۳ و سه شنبه چهارم در کربلا بودیم روز چهارشنبه

پنجم بنجف رفتیم شب پنجشنبه در خانه سید ناصر ماندیم روز

پنجشنبه بخانه سید ... آمدیم تا ... منزل داشتیم شب سه شنبه ۱۱ رمضان

... حرکت کردیم ... ابوالحسن آمدیم کربلا در روز سه شنبه ...

شب چهارشنبه ۱۲ رفتیم مسجد سهله تا نماز مغرب را در آنجا خوانده بعد از
نماز مغرب رفتیم مسجد کوفه شب را آنجا بسر برده اعمال مسجد کوفه را
بجا آوردیم روز جمعه ۱۴ صبح از آنجا رفتیم [illegible]
دعا خواندیم حرکت کردیم بطرف حله بقصد زیارت حمزه و قاسم
در وسط راه ذی الکفل رفته زیارت کردیم از بازار [illegible] فضای
بزرگ که یک گوشه آن مناره ای است و آنجا محل نزاع مابین مسلمین
و یهود بوده مسلمین بواسطه مناره ای که در آنجا است مدعی هستند
آنجا مسجد است و بنا بدست مسلمین ساخته و یهود منکرند که مسجد
باشد و طرف دیگر [illegible] و [illegible] در صحن
یک طرف مسقف و از آنجا داخل بقعه که ضریح ذی الکفل
در آنجا است [illegible] دور ضریح [illegible] و داخل فضای مسقف

بزرگ که چهار ضریح در آنجا است و میگویند متعلق به چهار پیغمبر است
و [illegible] متولی و خدام این بقاع تمام کلیمی هستند
و در قبضه ذی الکفل کلیمی و مسلم هر دو دستی دارند
بعد از زیارت از آنجا حرکت کرده ظهر وارد حله شدیم در مسافرخانه
که نزدیک قطار است منزل کردیم شب شنبه ۱۵ در حله بودیم
روز شنبه برای زیارت قاسم و حمزه حرکت کردیم اول بزیارت
حمزه رفته در آنجا نهار خورده بعد از زیارت و نماز مراجعت کرده
بزیارت قاسم رفتیم حمزه پسر حضرت عباس و قاسم پسر امام
موسی کاظم هستند شب یکشنبه ۱۶ یک ساعت و نیم تقریبا از شب گذشته
بحله مراجعت کردیم راه قاسم و حمزه [illegible] بعضی جاها آب ایستاده

تا سه‌شنبه دهم در کربلا بودیم خبری از پول نرسید روز سه‌شنبه دهم با تاکسی

ببغداد رفتم و سلام رساندم برای محمود اطلاع تلفنی عقب رقعه برای مکه

رسیده بود روز چهارشنبه ۱۱ به کربلا مراجعت و روز یکشنبه ۱۵

بکاظمین رفتیم در کربلا شنیدم که برای مکه گرفتیم برای ماشین نو خودم

و ایران خارج و ۶ قمر ۱۲ و در بغداد با به شنیدم که از قطعه جواز ۶ دو نوره

نرسیده امضا کنند و در آن ایام امضای آنها متوقف بود با اینکه

از کجا به کنج بلیط اتومبیل و کشتی یکی ۱۰ دینار اول از کجا به کنج

۵ بلیط درجه اول و یک بلیط درجه دوم کشتی و سه بلیط اتومبیل

مثل نوری از بغداد تا بیروت رفتیم و به کنج گرفتیم

بخصوص اینکه شب قبل باران آمده بود و اتومبیل بگل می‌نشست و اسباب

زحمت شده بود در مراجعت از کاظمین قدری باران آمده و هوا ۱۲ بله

سرد شده بود و به ماشین ... و اتومبیل و سردی هوا و نبودن

اسباب ... شب اسباب وقت شده بود شب یکشنبه ۱۶

نزد جمعه ما ... و روز یکشنبه نجف مراجعت کردیم و بعد از این

و کشتی جستم شب یکشنبه ۲۳ فرستادم به کربلا و شب دوشنبه

۲۴ بکاظمین و بغداد رفتم برای اینکه به فهم ... اگر از آنها

پول بگیرم ... خارج مکه هم می‌دهند یا نه و شب سه‌شنبه

۲۵ نجف مراجعت کردم و تا روز ۲۹ رمضان نجف

در نجف بودیم روز ۲۹ به کربلا آمده از شب یکشنبه عید ...

روز چهارشنبه ۱۸ شوال اول عکسی از [illegible] و بعد در محکمه [illegible]

صندوق باز کردند و بعد از گرفتن تصدیق محکمه ۲۰ هزار [illegible] را با تقاضای

[illegible] ریال ندارم و روز بعد هم با تقاضای قونسول [illegible]

[illegible] و در [illegible] مساعدت آقای [illegible] الدوله شمیمی سفیر ایران

[illegible] از [illegible] و از مساعدت ایشان بود چند روز

دیگر [illegible] دست [illegible] ۵۰ هزار [illegible] محمد علی [illegible] که در [illegible]

متوقف بود [illegible] دست [illegible] برای [illegible] بود [illegible]

و دیگری برای [illegible] برای [illegible] بعد از [illegible]

[illegible] سعدی [illegible]

[illegible]

دو [illegible] را در [illegible] کردم حسینی [illegible]

در بازار [illegible] ۴ [illegible] که [illegible] در [illegible]

[illegible] مسجد [illegible] در بازار [illegible] دارای [illegible]

و مسجد [illegible] است و [illegible] عثمان [illegible] معروف است

[illegible] دارای [illegible] و مسجد [illegible] و گنبد [illegible] است و مسجدی [illegible]

نزدیک [illegible] که ایران بود [illegible] دارای مسجد و [illegible] گنبد است

[illegible] بعضی [illegible]

[illegible] و [illegible] رفتیم

جمع [illegible] عصر را [illegible]

برای [illegible] برای [illegible] برای [illegible]

دعا و دیگها دیگ کوزی بسته حقه برنج کف و آب یار و چه قالیچه
فرش و قالیچه دیگ قلم و قالی و غیره بلیت برد داشتیم باقی
اسباب را بهمراهی حضرات طهران فرستادم

صبح جمعه ۲۳ شوال مطابق چهارم فروردین ۳۰۹
از کاظمین بغداد از راه باطوس حرکت کردیم و وارد شده
شب سه شنبه تا یک ابر حضرات باطوس طهران حرکت
کنند در گمرک بغداد برای رسیدن اتوموبیل دیگری که
با همراه اتوموبیل ما باشد قدری توقف کردیم شنیدم
که در اتوموبیل هستند از اهل تبریز و شب طهران پیاده
رسیدیم اینجا به تنهایی و همه جوانان را نشان داد

بعد از خوردن نهار و خواندن نماز از اینجا حرکت کرده بعد از رفتن آتوموبیل
دیگری که همراه اتوموبیل ما بود عقب گرد تقریبا نصف ساعت
دو مرتبه باز معطل شدیم تا اصلاح شد نزدیک صبح به خانقین رسیدیم
آنجا نماز صبح خوانده چای خورده حرکت کردیم شب جمعه
۲۵ شوال چهار از شب گذشته وارد قصر شیرین شدیم اتوموبیلها خوب
نبود ما را خیلی خسته کردند به جهت سابقه که نخ داده بودند
دفتر دار دولت آباد شده منزل حاجی [illegible] برای اقامت
انتخاب کردیم درشکه حاضر نموده شد منزل حاجی [illegible] رفتیم
خود حاجی [illegible] در [illegible] شده [illegible] اکبر در [illegible] نشسته

در اینجا نه چندان از آب جاری است در حوض و لب حیاط ها را دور داره
و حوض [illegible] و هم حوض خانه و مطبخ و جاهای مستراح و از تمام اینها
آب جاری است دائر و قرار بلکه [illegible] در تمام خانه های شام
آب جاری جریان است و از هیچ خانه اینجا نه مجرا [illegible] بلکه
از هر خانه مستقیما وارد نهر بزرگی شده که از شهر بیرون میرود
در حقیقت خانه ها و دکانهای شام هم جا [illegible] آب جاری
هست در شام هم بعد از ظهر [illegible] با ما همراه
شد در شام به زیارت حضرت زینب رفته و بر حضرت رقیه
و قبرستان [illegible] و بر حضرت [illegible]
دیدنی قبرها [illegible] زیارت کردم
منزل [illegible] نزدیک جامع اموی است و از جامع اموی

تا [illegible] جدیدی است و جنب جامع اموی مشهد راس الحسین
است و این خیلی مشهور است که گفتند سر اول در داخل دمشق بوده
ولکن [illegible] برای [illegible] اول روز یکشنبه ۲۴ [illegible] از شام
با اتوبوس به بیروت رفتیم اتوبوس [illegible] به بیروت
[illegible] در [illegible] بیروت منزل کردم اینجا با صفا است بهتر از
خیلی خانه های بیروت است اطاقهای [illegible] دارد در [illegible]
منزل کردم و قرار گذاردم [illegible] کسی دیگر را [illegible]
تنها [illegible] که از اهل [illegible] است [illegible]
در [illegible] منزل [illegible] بیرون رفتیم [illegible]
بیروت برای [illegible]

دو ساعت و نیم وقت خیابانها را گردش کردیم روز پنجشنبه دوم ذیقعده [illegible]

(۱۳ فروردین ۱۳۰۹) کشتی ما حرکت کرد مسافرین

از صبح مشغول حرکت شدند باز در نقطه مخصوصی کشتی داد و غوغا

راه افتاد مسافرین نیز در اطاق جنب ده [illegible] اسبابها را از اطاقها

بیرون آورده هر کدام تعجیل داشتند زودتر بلیط خود را گرفته

در کشتی رفته جای بهتری برای خود بگیرند با کمال [illegible] دادن پول

درجه سوم شان میرسید متوسل میشدند تا بعد از ظهر طول کشید

که بعد درها را بستند و بدو کشتی شدیم چون ما بلیط درجه اول داشتیم

از آنجا با اطمینان [illegible] بعد از ظهر بدو کشتی شدیم و ساعت

چهار و نیم حرکت کرد یک اطاق درجه اول برای ما [illegible]

و برای فرنگیها در اطاق دیگر با هم [illegible] منزل داده بودند

در سطحه برای هر یک بستر با هم و [illegible] تهیه کرده اسبابها را

آنجا گذاشتیم و چون درجه اول داشتیم اختیار داشتیم در [illegible]

در سطحه مشغول تماشای دریا بودیم بعد از ظهر باد و باران شروع

کرد و دریا متلاطم با اضطراب شد احوال اهل کشتی بهم

خورد تا روز جمعه نزدیک غروب که به پرت سعید رسیده داخل

گردید در پرت سعید نرفتیم غذا که خوردیم چیزی که ممکن بود خورد

پرتقال و لیمو ترش و [illegible] و لیمو در شهرهای دیگر

از [illegible] به پرت سعید تازه چراغ الکتریک [illegible] ۱۱ ساعت [illegible]

تقریبا به ینبوع رسید و جمعی پیاده شدند در اینجا عده زیادی بچه و بزرگ
دور کشتی را گرفته اهل کشتی برای آنها پول میانداختند آنها در آب
فرو رفته پول را میگرفتند و در دهان خود ذخیره کرده عقب باقی
سر میشدند و از ینبوع چند دانه آورده در کشتی فروختند روز چهارشنبه
۹ ذیقعده (۲۰ فروردین) صبح بجده رسیدیم در جده باید
هر حاجی مطوف خود را معین کند و در کشتی بر حسب آنکه داده
مطوفها خبر داد در حقیقت [illegible] را احمد دارد و جمعی حمزه را مطوف
دو دلو گرفتیم بلمها از جده نزدیک کشتی آمد و اسبابها را [illegible]
صبح برای ظهر تا جمعه در بلم جا داده نشستیم و در گمرک جده

و در سینه و چراغهای دیگر هم در دریا برای نشانه‌ی راه کشتی گذارده‌اند
تا نیم ساعت از شب گذشته کشتی ما نزدیک پرت سعید توقف داشت
ساعت پنج از شب شنبه از آنجا حرکت کرد و ظهر شنبه به سوئیس رسید
طول کانال را از پورت سعید تا سوئیس هشتاد و پنج میل انگلیسی
و عرض کانال را از قبل تا صد متر گفته‌اند در تمام طول کانال
علامت و چراغهائی گذارده‌اند که کشتی از میان آنها
برود در سوئیس هم قدری توقف کرد و دیگر توقفی نبود در شب
شب یکشنبه از طور گذشت روز یکشنبه [illegible] و [illegible]
شب سه شنبه هشتم تا صبح در دریا توقف کرد روز سه شنبه ظهر

زود داشتیم شب بیابار انگلیسی برد شوفر و حاجیه خانم و همه سید ابراهیم

ایم استراحت کمی خوابیدند حسن حمزه را صبح قرار کردیم

از چند روز دیگر گذشتیم که تا کره مسیر بندرها ی نواحی

آنجا حاضر بوده تا بنده و حسن حمزه ما را احضار کرده از گمرک

کرد بار داده حسن حمزه آورد نزدیک اتاق اطاقی در طبقه

اعلا جا کردم باقی شب را از بابائی تا درب اطاق ها

رفته و هم همه بخورد و شب را آنجا ماندیم ولی در بالای بام

تا صبح به پشه و گرما خواب نکردیم [illegible] دقیقی

از جده ولکت کردیم امروز هم در جده هوا خیلی گرم بود

بسختی گذشت [illegible] حاجی [illegible] ایران [illegible] کرده

مراجعت به [illegible] نه روپیه برای [illegible]

اتومبیل های [illegible] اجده تا [illegible] و مراجعت یک تومانی یا نوزده

[illegible] برای [illegible] بره انگلیسی داده [illegible]

از [illegible] کشتند [illegible] بره آن را به ولکت ها [illegible] از جده

[illegible] اتومبیل ما [illegible] تا [illegible] طول کشید [illegible]

11
بجده [illegible] از [illegible] ساعت [illegible] شب جمعه

گذشته ولکت کردیم شب را [illegible] در قهوه خانه

[illegible] توقف کرده [illegible] خوابیدیم صبح حرکت کرد

تا [illegible] دو ولکت [illegible] بار و چای خوردیم و [illegible]

که در قهوه خانه های [illegible] توقف میکرد غروب بقهوه خانه

رسیدیم بنیز میلی که شهره خانه دل کالکین متعدد دارد و این جواز

اتومبیل سید هندی شد را آن جا ماندیم صبح شنبه ۱۲ دقیقه وارد

مدینه منوره شدیم بطرف مدینه سید مصطفی است درب دروازه

از اتومبیل فرود آمده اسباب را در عطا به گذارده بطرف

محله بنی دلم رفتیم محله بنی دلم خارج از حصار شهر قدیم مدینه

است بیرون حصار قدیم آباد و زیاد است بنی دلم تمام شیعه

هستند مناسب تر دانستیم آنجا وارد شویم و اگر هیچ هم در

خانه های آنها وارد نشویم یک خانه دربست اجاره

کردیم فقط صاحب خانه در یک اطاق نزدیک در

منزل داشت حیاط و دو اطاق داشت با هم مال ما بود

بعد از ورود تمام اسباب و لباسی را که در کیسه محفوظ از آنجا است نماز بود

تطهیر کرده بعد از غسل بطرف بقیع رفتیم ابتدا در بقیع زیارت کردیم

بقیع در آن زمان قبرستان مخروبه است تمام بقاع و ضرایح را ویران کرده

شده فقط صورت قبور با خاک مانده بقیه بکلی است تقریبا

از زمین مرتفع نیست را الحق در محوطه بقیع ۱۵ گنبد خراب است

در دو دیوار زیارت میکردند هر دو ۴ تا از نزدیک قبور دیگر اهل

چند قدم دور هستند زنها که تا با شیعه بوسیدن و تبرک

جستن هم ممنوع است با زیارت مختصر شرایط مطلوب با وجود

کرده مراجعت کنند خیابان قبرستان بهم مال ائمه است

امام حسن مجتبی امام زین العابدین امام محمد باقر امام جعفر صادق
علیهم السلام بنا جمله که قدرش تقریبا بالای سر اینها قبر عباس عم
حضرت رسول است طرف بیت الله و آن هم شکسته بودهم
نکنده و شسته اند الا حجرات رسم از آن باقی نیست چند قدم
بنا جمله چند قدم از قبر ائمه طرف شرق قبر حضرت صفیه
که بروایتی اینجا بدو خوانند قبر زوجات پیغمبر و ام کلثوم
و رقیه و زینب و قبر عثمان در بقیع است و همچنین قبر
حلیمه سعدیه از دروازه طرف بقیع که داخل شده هم طرف
دست بنا جمله قبر اسمعیل بن جعفر الصادق است و دیگر
اطاقی است که الان اطراف آن مسدود است و ضریح دارد

قبر را برداشته اند فقط یک اطاق ساده باقی است از اینجا رفتیم
زیارت حضرت رسول از باب جبرئیل وارد شدیم باب
جبرئیل طرف شرق طرف بقیع است ضریح حضرت رسول
که قبر آنحضرت و همچنین و صدیقه طاهره در آن است کمال
خود باقی است از چهار طرف مشبک است حجره پایه آن قبر
حضرت رسول است و حجره دیگر خانه حضرت صدیقه
که قبر آنحضرت در آن است بروایتی و حجره حضرت فاطمه بروا
خانه حضرت صدیقه در طرف شمال و مسجد حضرت رسول در
جنوب است ظاهرا شکل مسجد و ضریح مطهر را نکرده اند چهار دیوار را
گذاشته باقی است و تغییری نکرده اما حیاطی که دوره نو ساخته اند

به زیارت حضرت رسول و ائمه بقیع صبح و شب میرفتیم زیارت بقیع
را باید قبل از غروب رفت و الا دروازه بسته میشود ولی زیارت
حضرت رسول تا خیلی بعد از شب گذشته ممکن بود نزدیک ضریح
حضرت هم نمیگذاشتند کسی برود فقط جلو پنجره کمی راه میدادند
ولی نشستن در مسجد و خواندن نماز و قرآن هر قدر طول بکشد مانعی
نداشت کتب زیارت شیعه را باز کردن و از روی آنها یا از خارج
با آن ترتیب زیارت کردن ممنوع بود و در بقیع هم با پول دادن
سعودی‌ها و هم توانستیم بیشتر توقف کنیم روز پنجشنبه ۱۵ صبح زود
رفتیم از ساعت ۶ با تاکسی رفتیم قبر حضرت حمزه و شهدای احد
را زیارت کردیم قبل از زیارت در راه قنات که در آنجا جاری است

عکس گرفتیم عمارات آنجا را تماما خراب کرده حتی کتیبه‌ها را برداشته‌اند
بالاتر از قبر حمزه مسجدی است خراب شده قریب یک میدان از قبر
حمزه بالا میرود در کوه‌ها که ۵ پنج شش ذرع بالاتر
رفتیم میگویند آنجا حضرت رسول در جنگ احد آنجا نشسته‌اند
از آنجا قریب یک میدان بالاتر در دامنه اثاری هم در بوده
که بکلی خراب شده ظاهرا همانجا بوده که [illegible] در آنجا
مسجد است که عده‌ای جبیر با کمانداران در آنجا با امر حضرت توقف
کرده [illegible] زیارت [illegible] آنجا [illegible]
[illegible] نزدیک احد چند قهوه‌خانه است جای خوبی [illegible]
[illegible] برگشتیم از آنجا مسجد قبا رفتیم که در جنوب مدینه

بعد از نماز ظهر و ناهار [illegible] را مهمان [illegible] بودیم که از شروع [illegible]

خانه [illegible] بالاتر از مسجد قبا بطرف جنوب است عمارات زیادی دارد و مشتمل

بر اندرون و بیرونی و جلو عمارات [illegible] است که از آب چاه

[illegible] و [illegible] و [illegible] و جلو [illegible] مسجد [illegible]

و درخت سرو و [illegible] میوه های دیگر دارد [illegible] که مسجد قبا در آن

است عوام میگویند از [illegible] تا مسجد قبا و خانه [illegible] تمام [illegible]

است با [illegible] رفتیم و مراجعت کردیم [illegible] روز [illegible]

مهمان سید حسن [illegible] شدیم [illegible] تا روز

یکشنبه [illegible] در [illegible] که [illegible] شده [illegible] روز

دوشنبه بودیم [illegible] در خانه غسل احرام کرده

لباس احرام [illegible] پوشیدیم [illegible] بیرون [illegible] نیت احرام [illegible] داده

[illegible] که از اینجا با [illegible] سوار اتومبیل شدیم یک ساعت از شب گذشته [illegible] معطل شدیم

که تا [illegible] اتومبیل ها جمع شده از آن [illegible] حرکت داده [illegible]

در [illegible] مسجد [illegible] مصطفی طواف دادیم [illegible] دارد [illegible] طواف

داده بودیم در [illegible] جمعی [illegible] که [illegible] خود را [illegible]

[illegible] داده [illegible]

[illegible] برای

[illegible] رفتیم [illegible] یک ساعت از شب [illegible] حرکت

کردیم در مسجد شجره اتومبیل توقف کرد [illegible] مقداری

[illegible] دارد

[illegible] رفته در چاه غسل کردیم و از این مسجد شجره

[illegible] نیت احرام کرده نماز [illegible] احرام خواندیم و [illegible] کردیم

ده روپیه دادیم که روی اتومبیل را بردارد برای اینکه در دهات

طی منزل [illegible] در دهات [illegible] نزده ایم تا صبح که قبل از ورود

به جده نماز خوانده بودیم شب را اینجا توقف کرده صبح حرکت کردیم تا

رابغ که وسط راه است در آنجا توقف کرده در رابغ نهار

نان و پنیر و هندوانه و چای خوردیم نماز خوانده و حرکت کردیم

سه ساعت از شب سه شنبه ۲۲ دقیقه وارد جده شدیم از جده

به مدینه در راهست از راه سلطانی بود حسین حمزه در جده همانجا

اتومبیل دیگری برای ما تهیه کرد و ساعت شش از شب تقریبا

از جده حرکت کرده قبل از صبح وارد مکه شدیم در داخل

دروازه از اتومبیل پیاده شده [illegible] شهر ما را آورد

خانه حسین حمزه آنجا از کثرت خستگی و بیخوابی خوابیدیم که ساعت [illegible] از شب

بیدار شده بعد از صرف چای و تهیه الصباح رفتیم حمام غسل کرده رفتیم

طواف بعد از طواف [illegible] از دو شنبه وارد شده طواف عمره تمتع بجا آورده

نماز طواف در مقام ابراهیم خوانده از آنجا [illegible]

[illegible] سعی بین صفا و مروه و تقصیر کرده استراحت کرده [illegible]

خوردیم آمدیم منزل نهار خوردیم عصر برای شب منزل [illegible] حرکت کرده در

شب ها منزل محمد علی [illegible] را در منزل ما اجاره کردیم

منزل یک طبقه که طبقه دوم اطاق بزرگ داشت [illegible] اجاره

کردیم ماهی ده [illegible] به پانزده [illegible] و یک اطاق [illegible]

نشستن اطاقها [illegible] منزل کردیم شب چهارشنبه

۲۳ ذیقعده با حاجیه جعفرخان مسجدالحرام رفته ایشان طواف و سعی کرده

از احرام خارج شدند منهم احتیاطاً طواف نسا بجا آوردم

باقی روزها هر روزه صبح و شب مسجدالحرام رفته نماز و طواف

بجا می‌آوردم در این سال قشون ایران با مصر و عراق [illegible]

اختلاف دارد و [illegible] [illegible] [illegible] ایرانیها بود.

سه‌شنبه بتوسط اینها اول ماه ذیحجه است امشب با جمعی که

از قبیل رفته ماه نو دیدیم گفتیم [illegible] امشب [illegible] شب

چهارشنبه هم در مکه [illegible] [illegible] که [illegible] جمعی

دور و بر [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

موجب قطع شد و [illegible] [illegible] در [illegible] [illegible] کرده

شب چهارشنبه اول ماه ذیحجه و [illegible] شب دیگر با [illegible] احرام حج [illegible] شده

از احرام خارج شدم شب پنجشنبه ۹ ذیحجه در مکه سوار شدم

دو ساعت بعد از نصف شب گذشته حرکت کردم قبل از صبح بعرفات

رسیدیم در چادری که مهیا کرده بودند منزل کردم یک چادر

[illegible] نمره [illegible] گرفته بودم نصف چادر را اجاره دادم برای

حاجیه خانم و نصف دیگر برای [illegible] ابراهیم [illegible] [illegible]

از روز نهم تا بعد از غروب در عرفات بودم از ظهر [illegible] [illegible]

با بعضی که عرفات رفتند [illegible] بعد از غروب حرکت کرده بطرف

مشعر [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] خدا [illegible] [illegible]

و بالاخره تا بعد از ظهر طول کشید که از جمرات فارغ شدیم رفتیم

منزل اینجا در منی نبود هم کسب از انواع ... با بیشتر در آن بیابان

منزل کرده بودند سرماخوردگی پیدا کرده در ضمن تنگ بزنیم برای

جمرات صبح کردیم اما خوب بود در کجا و دو و بعد ازدحام

خوابیدیم بعد از طلوع آفتاب رفتیم جمره اول از این اول

و کت کردیم در منی جا دوری جشن کرده بعد از ترتیب منزل

جمره عقبه رفتیم رمی جمره کردیم از این راحت کرده دیگر

برای فردا کردند ذبح ... است ... کردند بعد

بعد حد کرده فردا ذبح کرده با ... گشتیم با

است ده بعد از ذبح حلال شدیم در ... ولی ... نزار ... اینها را

کشتند ... بعد از ... کشتند قربانی ... کشت رفتیم ...

... در ... [illegible] حاضر است ... الحجه ...

فارغ کردیم ... روز ... حال ... [illegible] ...

فردای از روز ... روز شنبه ۱۱ ... بعد از ظهر جمرات ثلاث

بعد ... رفتیم مکه بعد از غسل ... طواف حج ...

ظهر ... بعد سعی بین صفا و مروه و بعد طواف ...

... ساعت از ظهر گذشته فارغ شده رفتیم منزل ناهار

... ده ... کردیم برای ... ۸

الله خ را به کرده برای غروب عید پیش هم رفتیم مسجد خیف

و آنجا نماز مغرب و عشا خوانده جمعیت در مسجد زیاد و در بیرون دیوار آنجا

خوابیدیم بجای در دیوارش هم و خواب صبح نکردیم ظهر رمی

جمرات کرده بعد از ظهر کجاوه نشسته و مکه آمدیم طواف

مکه به واسطه تنگی راه و کثرت جمعیت و قطع راه‌های بسته که باهم

مزاحمت میکردند هفت ساعت طول کشید که وارد مکه شدیم خانه

شب هم آمدیم مکه بعضی از روزها در خانه کعبه را باز میکردند تا ... طرف

صبح باز میکردند با پول داده داخل شدیم قبل از اعمال یک

دفعه و بعد از اعمال حج دفعه دیگر پول داده داخل خانه

کعبه شدیم و دو رکعت نماز ... مابین ستون‌ها نماز خوانده دعاها

خواندیم از ... بالا ... مکه برده تا ... خیف را ... رفتیم نزدیک بود از حرم

شکر خدای بجا آوردم نماز طواف ها ... در عقب و در مقام ابراهیم

بجا آوردم و بعد از طواف‌های مستحب را اگر ممکن نشد جاهای دیگر

مسجد میخواندم ... در مسجد صبح و شب نماز و طواف و خواندن

قرآن است تا آنکه ماه محرم ... شب تا

در شب ... طبقه ... بعد از ده میخوا

و بعضی ... با خصوص بعد از ... حج ...

شرکت کرده از ... بعد از ظهر ... وارد ...

طواف دادن حجاج ... از روز

... بود از حرم ... حضرت ... سه شنبه ... روز ... دوشنبه ... از عقب ... محرم

باشب عده مشغول طواف بودم هندوانه و خیار و سبزی تازه
و پرتقال و بعضی میوه‌جات دیگر در مکه بود و یخ هم زیاد بود در چند
گران نبود بخصوص شبها که مکینه یخ لیته و دار شربت
فروشیهای ما در مسجد بسیار بود چای که تقریباً بخوران ما تا حد
کافی پیشتر در کربلا گرمی هوا نسبتاً زیاد بود و بیشتر غذای
من برنج بود لیکن چای ناپاکی که از کرمان داشتم آورده بودم
با هندوانه بود بخشیدن میل نکردم مرا فصلی که بعض آوردن‌ها
از کرمان دو بادی عرق خوار بهتر و بعض شبها دو شیشه عینک بیرون آن
هم از آنجا بیرون میکردم قبرستانی که قبور حضرت خدیجه
کبری و ابوطالب و عبدالمطلب و عبد مناف بود قبور

دیگر درانی نیست دور آنهم که از مکه بیرون رفت بیرون شهر خیره از کجا جاده
نشده در طرف چپ جاده است که هیچون میگویند است روز
عصر پنجشنبه خواستم آنجا زیارت کنم اطراف قبرستان دیوار
و کلها مسدود بود و بالای کوهی که مشرف به قبرستان رفتم زیارت
کردم بناها کلا منهدم است و هیچ علامه آثاری باقی نیست
بعضی مواضع دیگر که برای تبرک و زیارت میرفتند از شعب خانه
حضرت رسول و خانه که مولد حضرت امیر بوده حالا خراب
شده آثاری از آنها باقی نیست بالای کوه ابوقبیس هم
بجز از یک مسجد بناهای دیگر را خراب کرده‌اند

محل عائشه هم او منفرد ساختم دیگر اینکه عیال هم برده خانه کرایه ام

خودمان نبود دیگر شکر ده است امشب در جای خیلی خوب

انچه شنیدم دو دلگان بها دیدم هم از بابتش راه تا وسط دیدند

و سرقت و جیب بریها و قتل حجاج اثری از انها پیدا نبود

کیف زیاد ده ممکن بود با پول از خدمه ببرند از همه به شنیدم

مکه برود هیچ سرقت یا جیب بری نه دیدم و نه شنیدم

بالجمله حال باز از مکه مراجعت کرد حکومت اول یک هفته تنها اسند

به همه روز اجازه داد انها و بعد از روز هفتم یک هفته

یکشنبه سه روز اجازه داده شد از روز ۱ بعد حرکت انشبه شب عید

غدیر بود و وقت خروج در مکه نباشیم روزشنبه ۱۸ ذیحجه

بیکاری بیرون مکه که اول آن اتومبیل گرفتاری شد اوتو جمعیت

درکنار راه زیاد بیست هر اتومبیل که از خدمه سیاه جمعیت ۲ رازا

گرفته بود و شبیه بود هر کدام یک جا ایستاده در برابر بقیه شب ۱۹

در کنار راه ما هم بخیر انتظار تا صبح انشب اتومبیل نیامد روز ۱۹

هم تا بعد از ظهر کاری اتومبیل نیامد آنها دلی باز نبود به واسطه زیادی

جمعیت و نیز به واسطه چند هزار تن ماشین حمله در ترافیک واقع شده

بود بعد از ظهر از ترافیک دیگر چند اتومبیل گرفته برابر شد هم در ترافیک

* کردیم توقف ما در مکه از شب ۲۳ دقیقا تا عصر ۱۹ ذیحجه

بیست و هفت روز طول کشید ۵۵ ساعت تقریبا از شب بیستم ذیحجه ..

ایران را هم تحویل داده بلیط کشتی فرستاده امضا کنند و روز سه شنبه ۲۱

داده شد [illegible] ایران [illegible] که از کجا [illegible] بلیط کشتی

[illegible] کشتی [illegible] ایران [illegible] با [illegible]

[illegible] ایرانیها [illegible] با [illegible]

ایران [illegible] و [illegible] چهارشنبه

۲۲ از اداره [illegible] بلیط کشتی گرفتیم [illegible] بلیط درجه اول

[illegible] درجه [illegible] بلیط کشتی [illegible]

[illegible] درجه اول [illegible] باز [illegible]

[illegible] بلیط درجه اول [illegible] گرفتیم پنجشنبه ۲۳ بالله

گذشته وارد جده شدیم منزلی که نشان داده بودند در طبقه [illegible]

اینمنزل با بالای بام شام مختصری خورده استراحت کردیم

هوای جده در موقع استراحت از نیمه شب هم [illegible]

وقت روشنی شبها بالای بام [illegible]

هوا را [illegible] تمام رفتیم [illegible] رطوبت تر میشود

مثل اینکه باران آمده [illegible] ۲۲ جده هوای بسیار

[illegible] دارد وضع کثیف [illegible]

در اینجا [illegible] در طبقات [illegible]

[illegible] جاده منزل دارد منزل تا جاده [illegible]

[illegible] روز [illegible] شنبه ۲۴ [illegible] ۱۱،۴۰ [illegible]

با به فشنگ بودم اما روی از طرف دریا شنا ده [illegible] خبر دادند
یک کشتی که اهل بندر دزدان بوده آتش گرفته علامت خطر می‌دهند
هم فرستاده و اهل کشتی را نجات داده روز بعد کشتی را [illegible]
چند نفر دزدان کشتی نفت ۱۰ [illegible] جمعه ۲۳ [illegible]
همراه [illegible] بود عصر که دور دریا رفته [illegible]
فردا [illegible] صبح جمعه [illegible] دریا
تا [illegible] گرفته تا کشتی [illegible]
کشتی [illegible] دارای [illegible] در کشتی برای اطاق [illegible]
اول [illegible] اطاق [illegible] داده [illegible] و اطاق

دیگر هم [illegible] حاضر شده [illegible] اطاق را [illegible]
[illegible] کشتی [illegible] اطاق بود [illegible] تلگراف [illegible]
[illegible] تلگراف آن اطاق را [illegible]
برای [illegible] بهترین اطاق‌های کشتی بود [illegible]
[illegible] برای کشتی [illegible]
[illegible] بود [illegible] اطاق [illegible] بود [illegible]
[illegible] داده [illegible] حاضر [illegible] می‌کردند
[illegible] اطاق [illegible] منزل کرده [illegible]
[illegible] اطاق [illegible] منزل

زاده بود برای فرخ خندوانه و خوراکیهای دیگر که محتاج بچه‌ها شده بود
و مهربانی کرده. شب شنبه ۲۵ ذیحجه [illegible] اطاق بالا [illegible]
نشسته بودیم دیدیم جلوی کنگره جمعیت می‌دوند و اسباب اطفاء
حریق دو دو نفر [illegible] اسب [illegible] بخار [illegible] آورده
حاصل کرده از [illegible] در حقیقت بانی کنگره آتش گرفته
باز تقریباً شب گذشته [illegible] دو [illegible] کلیسا گشته
تا وقتی [illegible] که [illegible] کرده اهل [illegible] در عقب
برخلاف [illegible] از [illegible] گشته
هستند [illegible] تا ... روز شنبه.
۲۷ در گشت بودیم صبح [illegible] شنبه [illegible] خود [illegible]

تلمبه آورده [illegible] با [illegible] دیگر
که [illegible] اهل [illegible] دیگر و [illegible] دیگر
شده [illegible] بیاده شده این اسبابها را روی
[illegible] گذارده با [illegible] روی [illegible] تا [illegible]
و [illegible] این اسبابها را [illegible] دستند [illegible]
[illegible] بدون [illegible] و [illegible] اطاق [illegible]
[illegible] در [illegible] [illegible] آتش [illegible]
خود [illegible] [illegible] اسبابها هم [illegible]
[illegible] [illegible] و [illegible] ترتیب و نظم

سعی بنا هم داشته دیگر می‌خواهد اجازه رفتن نشد خیلی بیا بیاید

در اتوبوس پیرزنی هم برای سیم و اتوبوس و در این جا هم

نمیکنیم تا در جوجه‌ها که اطراف آن سیم کشیده است

اینجا مشغول پر اطاقهای متعدد است در طرف غرب

جا است خیلی خوب هست جلو ترتیب اطاق برای ما

در زمان‌ها که گذاشته بود و دیگری را در این راه

نه دیدم از این قبیل جوجه‌ها متعدد است هر یک دارای

جاهای متعدد و یک دکان و قهوه خانه که با جاده

حکومت نزدیک یعنی آن و گوشت و نان هم آورده

مشغول شغل شب سه‌شنبه ۲۸ ماه ... بیا است

شب تشنه دارم و از جهت اینکه مبادا بر لغزیم نه پرنه وحشت دارم

چند روز مشغول مطالعه و لکه تب ... تا ... صبح ... قطعه

پنجره ... جوجه گذشت ... پنجره گذشت جی ... داده

جا ... طرف ... وجد ... قونسول ایران در

بیروت و قونسول عراق و پادشاه ... عراق از قونسول عراق بود.

۴۹

... اگر خواهم ... بیروت ... سه‌شنبه پنجم محرم

... ام ... خارج ... صبح ... دیشب در قطعه ...

... ده ... سه‌شنبه ... در طهران

شب ... صبح ... ام ... شش ...

در ... ترتیب ... حکومت ... مراقب ... و ...

هتل هم سبب بها را نمی‌شود با داوانی با هم تا کشتی بروم در این کشتی اطاق

درجه اول با داوش در آن اطاق فقط من تنها بودم تا روز جمعه هشتم

در کشتی بودیم صبح جمعه هشتم نزدیک بیروت رسیدیم یعنی از کشتی تو قرنطینه

اینجا معطلی دارد با دادن بخشش با زور در گذر [illegible] هم خیلی دارد کشتی که

بخشش نشود تا شام معطل بودیم قبل از ظهر وارد قرنطینه شدیم

با دادن بخشش و کمک هم خیلی زودتر [illegible] معطلی از جا گذشته

یک اطاق که بیش کف خواب دست [illegible] در این رخت خواب

نان و گوشت و میوه‌ها فراوان است اینجا هم خیلی خوب

در حقیقت بیروت و شام کوچک و ضعیف [illegible] نادیا را از [illegible] سکه

تا صبح چهارشنبه ۱۱ در قرنطینه بودیم ساعت ۲ این کشتی [illegible] بود

این سه روز مشغول دوا داری و بسته [illegible] دور نشده زنها

و دلبسته‌ها اینها و دسته‌ها بر نتیجه عقب [illegible] کرده بودیم

خود [illegible] می‌کرد از صبح پنجشنبه از قرنطینه بیرون آمده با

اتومبیل کرایه کردیم [illegible] ساعت ۵ صبح با ماشین شام بودیم

شب [illegible] ۱۳ [illegible] ساعت [illegible] صبح پنجشنبه ماشین [illegible] ماشین

[illegible] اتومبیل [illegible]

[illegible] در راه ماشین [illegible]

[illegible] اتومبیل [illegible]

[illegible]

[illegible] ساعت ۸ [illegible]

[illegible]

[illegible] ۱۴ صبح با اتومبیل [illegible]

بیروت صحبت کردم از شب ، دیگر علیرضا خان کاشانی هم همراه است
نزدیک ظهر وارد بیروت شده در هتل [illegible] منزل کردم صبح
جمعه [illegible] کرده [illegible] روز شنبه ۱۶ [illegible]
صبح شنبه ۱۶ با اتومبیل [illegible] صحبت کردم از
صیدا و صور گذشته و جاهای دیگر توقف نکردم در عکا پیاده شدم
داخل شهر عکا شده [illegible] زیارت کرده قبر عکا رفتیم
در [illegible] با اتومبیل برگشت کردیم [illegible]
برگشته رفتیم به حیفا [illegible] خانه دختر [illegible] است میرزا [illegible] هم
نامی [illegible] بر قبر [illegible] آنجا [illegible] است تقریباً [illegible]
[illegible] دیگر [illegible] اطاق است دختر ها [illegible] دارند اطاق
است [illegible] اطاق [illegible]
[illegible] وارد [illegible] میرزا [illegible]

در آنجا خودم [illegible] شربت داد و [illegible] خانه [illegible] داد
[illegible] بعد [illegible] صحبت کرده و [illegible] نظر
به حیفا رفته [illegible] خانه شوقی افندی [illegible] صاحب
باز [illegible] وارد اطاق [illegible] دادند
[illegible] شوقی افندی [illegible] است از [illegible]
[illegible] قبر عبدالبهاء [illegible] است رفتیم بالا [illegible]
میرزا عباس [illegible] است [illegible] مقبره عبدالبهاء [illegible]
[illegible] است [illegible] مقبره [illegible] است
یک اطاق [illegible] یک اطاق [illegible]
[illegible] است در اطاق [illegible] مقبره است [illegible] داخل [illegible]

فرشهای قالیچهٔ ایرانی خوب است پهلوی این مقبره مقبرهٔ بابر است
در بیرون تمام این بازار دیوارهای تمام کهنه است. جاهای [illegible] است
داخل شهر که دروازه بوده [illegible] است [illegible] بعد از بازار
[illegible] جاهای با صفائی است تماشای آن کوه [illegible] دور
دکان است [illegible] دارد مشرف به خیابان [illegible] منتهی
به باغ [illegible] شده [illegible] آفندی
را برای ما [illegible] کرده بودیم اول شب وارد بیت المقدس
۴۹
شدیم در مهمانخانه منزل کرده فردای آن یکشنبه ۱۷ محرم
است صبح رفتیم مسجد اقصی بازار [illegible] از روز شنبه بود که
اینجا [illegible] که [illegible] اعدام شده بود [illegible]
بعد اعدام [illegible] برای این [illegible] اعدام [illegible]

دکانها بسته بود چون شنبه بود رفتیم مسجد عمر از آنجا ما را بردند مسجد مسقف که
این را عامه به مسجد اقصی میگویند مسجد مسقف در طرف جنوب مسجد
بزرگ است در دربی که ما وارد شدیم در طرف جنوب است در داخل
مسجد [illegible] محراب و مقام است مقابل در مسجد مصلای
امام حسن و امام حسین و امام شافعی است محراب است پهلوی آنها منبر است
و پهلوی منبر طرف راست مصلای حضرت رسول و مصلای حضرت
موسی و در دالان طرف مسجد [illegible] است بالا زنانه در طرف جنوب مسجد
الاقصی است [illegible] مصلای حجره است [illegible] قبله و مقام
زکریا و یحیی است از در مسجد که وارد شدیم فضای وسیعی است
مرتفع از زمین در وسط آن قبة الصخره است در روی صخره
گنبد عالی است میگویند از بناهای عبدالملک مروان است

زیر صخره غاری است که باید بتوسط چراغ چند پله پائین رفت
تا زیر صخره این مصلای حضرت رسول و مقام سلیمان و مقام
داود است بالای صخره مقام حضرت رسول و موی شارب حضرت
است دور صخره نرده آهنی است و دور نرده آهنی قفسه است
و گنبد بالای تمام صخره و فضای خارج زده است ارتفاع گنبد
را ۱۷۰ قدم نوشته اند بر چهار پایه بزرگ و ۱۲۰ ستون
قرار گرفته و از اطراف دو در است شمال و جنوب و مغرب و مشرق
طول مسجد صخره که گنبد بالای آنست ۷۵ قدم و عرض آن را
۴۳ قدم و ارتفاعش از زمین شش قدم گفته اند گویند
از همین صخره حضرت رسول به معراج رفته اند در طرف جنوب مسجد
جائی است که از آنجا براق را گویند و در پهلوی آن مسجد برده

سپرده و دیوار دیگر است یهودیها روزهای شنبه دیوار ندبه را
جمع شده و مشغول گریه و خواندن توریة و ادعیه میکردند
در طرف مشرق چند عمارت است که از آنها الکنیسه باب باطنه فیه
الرحمه و ظاهره من قبله العذاب است در بالای لبنه در گنبدی که
باز نشود پهلوی آن مقبره حضرت سلیمان است حصار شمالی
حرم شریف را ۱۰۴۲ قدم و حصار غربی ۱۵۳۰ قدم و حصار
جنوبی ۹۲۲ قدم حصار شرقی ۱۶۰۱ قدم و محیط حرم
۵۰۹۵ قدم که تخمین تکمیل باشد گفته اند در جنب
بنای صخره محل قضاوت حضرت داود است مسجد مسقف
مرکبی است از اسمه اقصی گویند دارای ۳۲۷ قدم طول و ۱۹۸

ذرع عرض است و طول دیوار آن که ۱۵۶ ذرع دارد تماماً از

۵۶ است سنگهای بزرگ در آن بکار رفته از آنجا رفتیم

بمزاری مشهور بکلیسای قبر مقدس یا کلیسای قیامت در آنجا

محلی را نشان داده که نعش عیسی کفن کنند و جای دیگر بدنش

انگشت گذاشتند و محلی که بدار آویخته شده در آنجا که تاج [illegible] زده

و کلیسای روم و کلیسای ارامنه ضلع بناهای [illegible] است

مجسمه حضرت عیسی در حالیکه مصلوب است و مجسمه حضرت مریم

که [illegible] زیاد مزین است در آنجا است بعد از آنجا

رفتیم منزل عصر مجدداً به مسجد شب آمدم در اطاق تنها [illegible]

بودم در ساعت ۷ از روزنامه‌های [illegible] تا [illegible] صدا میکرد

منزل ما نزدیک قلعه داود است که نزدیک باب الخلیل واقع است

[illegible] که بنای آن [illegible] دارد [illegible] در آن قلعه بودیم شب

[illegible] بیدار شدیم [illegible] نان و تخم مرغ و ماست

[illegible] بعد از خوردن [illegible] از شدت آن بهبودی بوده

فردا یا روز دوشنبه [illegible] صبح آن روز [illegible] ۱۸ محرم است

بعد به مسجد خلیل رفتیم [illegible] دارد [illegible] شده شخص حاضر بهبود است

[illegible] دارد قلعه شده [illegible] مسقف بنای حضرت سلیمان است دیوار [illegible]

[illegible] دارد از سنگهای بزرگ بنا شده [illegible] از سنگها [illegible] ذرع طول

و یک ذرع عرض دارد و داخل قلعه شده ابتدا رفتیم زیارت قبر ابراهیم

خلیل و ساره زوجه آنحضرت در طرف دیگر اتاق در روضه اول

و یعقوب و زوجه او [illegible] و یوسف و قبر الیاس اینها بود در مسجد

بزرگی است که در این مسجد ابراهیمی بزرگ است و گنبد قشنگی هم [illegible]

در این مسجد و بعد از قبر خلیل [illegible] رفتیم بیت اللحم

آنجا عبادتگاه است که مکان محل تولد حضرت عیسی و طرف دیگر

محل گهواره آنحضرت است مقداری از سنگ گهواره باقی مانده

[illegible] تزئینات [illegible] است [illegible]

ظهر به بیت المقدس [illegible] رفتیم [illegible]

در دانشگاه [illegible] که [illegible] دارد [illegible]

جمعه [illegible] رفتیم مسجد الاقصی [illegible] از روز [illegible]

و بواسطه اینکه بنا بود فردای آن روز سه نفر [illegible] اعدام کنند دیوارها را

سیاه کرده بودند هم طلبه ها در این مشغول خواندن قرآن و دعا بودند

[illegible] مجلس هم مرتب بود که شب را [illegible] ساعت ۱۲ روز

[illegible] از طرف انجمن مسلمین منتشر شد که اعدام سه نفر را

فردای آن روز [illegible] مردم را بحفظ نظم و آرامی دعوت میکرد

و اینکه همه باید در عصر آن روز در مسجد و [illegible] جمع شوند

مشغول دعا [illegible] شهدا باشند شب سه شنبه را هم در [illegible]

[illegible] بواسطه [illegible] روز سه شنبه [illegible]

[illegible] رفتیم [illegible]

[illegible]

یعنی راه بسته بود حتی قهوه خانه برای خوردن چای باز نبود
تا وقتی که از فلکه فلسطین خارج و وارد جاده کرب
شدیم عصر سه‌شنبه ۱۹ محرم وارد شام شدیم روز چهارشنبه
۲۰ و پنجشنبه ۲۱ در شام خانه ... بودیم صبح جمعه ۲۲
صبح از شام حرکت کرده یک شب تقریباً ... در
نماز خوانده چای خورده بعد از نماز مغرب از آنجا حرکت
کرده صبح دوشنبه ۲۳ وارد بغداد شدیم و بعد از تفتیش
گمرک بغداد دوشنبه ۲۳ وارد کاظمین شدیم منزل
آقای ... صبح یکشنبه ۲۴ رفتیم بغداد برای ارزانی ... [illegible]
اجازت بعد از آنکه صحبت آنجا ... کارهای راجع ... را [illegible]

خانواده دو جوان با یک ... بود راحت کرده عصر از روز بغداد کربلا
حرکت کردیم شب سه‌شنبه ۲۵ و شب چهارشنبه ۲۶ در کربلا
بودیم منزل ... صبح سه‌شنبه رفتیم نجف منزل ...
خانه منزل کردیم شب چهارشنبه ۲۷ و شب پنجشنبه ۲۸ در نجف
بودیم صبح پنجشنبه از آنجا کربلا آمدیم شب جمعه ۳۰ ...
روز جمعه عصر رفتیم کاظمین شب شنبه در کاظمین ... روز شنبه در بغداد
بودیم ... کرده با ... کرده ... و شب کاظمین مراجعت کرده
شب یکشنبه ... و شب دوشنبه ... در کاظمین ... عصر دوشنبه
از کاظمین حرکت کردیم ... ی ... و ... هرمندی

فرداش جمعه [illegible] صبح [illegible] در [illegible] اتوبوس [illegible] شب را در تبریز بودیم

[illegible] مهمانخانه خوابیدیم صبح سه‌شنبه چهارم از تبریز

حرکت کرده بمرز ایران وارد شدیم بعد از تفتیش

اسباب بگمرک [illegible] رفتیم و گمرک [illegible] شب چهارشنبه پنج وارد [illegible]

شدیم بعد از مسافرت طولانی از شب چهارشنبه تا صبح پنجشنبه

هنوز در [illegible] بودیم روز [illegible] [illegible] از [illegible]

[illegible] شب را [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] از [illegible] [illegible] [illegible] وارد [illegible] شدیم

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

منزل ایشان رفتیم دو روز مهمان ایشان [illegible] [illegible] صبح از ایشان

خداحافظی کرده [illegible] [illegible] رفتیم [illegible] از [illegible]

حرکت کرده [illegible] [illegible] شب سه‌شنبه ۱۱ [illegible] وارد

قزوین شدیم شب را در هتل قزوین [illegible] [illegible] صبح

فردا بطرف تهران حرکت کردیم [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] بودند

[illegible] را در [illegible] [illegible] [illegible] حرکت کرده [illegible]

چهارشنبه [illegible] وارد تهران شده در خانه [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] وارد شدیم [illegible] [illegible] ۲۹ [illegible]

و بعد از ... که در این راه ... اجاره کردم [illegible]

تفصیل ... [illegible]

کرایه از ... نفری	... [illegible]	... [illegible]	... [illegible]
۶۱ — ...	...	...	...

... [illegible]
... ۱۹۰ روپیه
... [illegible]

... از ... در بغداد ...
... ۵۵۰ روپیه

۵ ... [illegible]
۱۰۰ روپیه

... [illegible]
... ۳۰۰ روپیه

از ... [illegible]
۱۰۰ روپیه

۱

تفصیل مخارج [illegible]

کرایه در ... تا ... نفری	برای ... در ...	پول ... نفری
½ / ۱۷ روپیه	نفری ۷ قران	۲ قران
۳ نفر ½ / ۵۲	۳ نفر ۲۱ قران	۳ نفر ۶ قران

برای ... در بغداد	... در بغداد	... نفری	در ... برای ...
نفری ۷ روپیه	نفری یک روپیه	½ / ۱۵ روپیه	۳ نفر
۳ نفر ۲۱ روپیه	۳ نفر ۳ روپیه	۲ نفر ½ / ۳۱ ... قران	۱۸ روپیه

در جده نفری	قونسول ایران	در ...	کرایه مرکب ...
۵ ...	۳ نفر	۳ نفر	۵۰۴ روپیه
... نفر	۲۷ روپیه	۲ روپیه	
۱۱ روپیه			

...	از ...	کرایه از جده به مدینه و ...
۱۶۱ روپیه	۳ نفر	۳ نفر
	۵۴۰ روپیه	۴۲ جنیه = ½ ۱۰۳۲ روپیه

کرایه منزل در شام	در ...	...	منزل ... جده ...
۱۳ روپیه	۱۰ قروش	یک روپیه	نفری ... روپیه
	یک لیره		

منزل در مدینه	... در مدینه	منزل در مکه	... مکه	کرایه از مکه ...
۲ لیره	۱۰ روپیه	۱۵ جنیه	۱۷ روپیه	۱۹ روپیه

... [illegible]
۳ جنیه و ۳ ... پول

[illegible]

[illegible]

[illegible]

بدار المراجعه [illegible] بکمال ارفاق در کار [illegible] ابتدا خیابان [illegible] که کاشی [illegible] از جمع [illegible]
فرود آباد در حضور [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] اطلاع [illegible] که [illegible]
[illegible] در [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] مرتفع [illegible]
[illegible] [illegible] داده [illegible] که [illegible] [illegible] از [illegible] [illegible] [illegible] برای
[illegible] و اداره [illegible] [illegible] به تاریخ [illegible] [illegible] [illegible] کردم که [illegible] برای
ورود [illegible] [illegible] در [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] که [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] ۲۶ رجب ۱۳۴۹ از طهران
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] جمعه ۲۷ رجب ۱۳۴۹ (۲۸ آذر ماه ۱۳۰۹)
[illegible] که [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] که [illegible] [illegible] برای
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] را اطلاع داد. [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] مرتفع [illegible] هزار و [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] در حقیقت [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] ۱۳۱۰ [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] تاریخ ۲۹ رجب ۱۳۴۹ (۳۰ آذر ۱۳۰۹) [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] تاریخ پنجم شعبان ۱۳۴۹ [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] شماره ۱۲۱۹ مورخ سه‌شنبه ۲ دی ماه ۱۳۰۹ (۲ شعبان ۱۳۴۹)
[illegible] [illegible] [illegible] اطلاع داده [illegible]

روز اول فروردین ۱۳۱۰ با اعلیحضرت همایون شاهنشاهی به قم رفتیم جهت برای بنای
مریضخانه بنا [illegible] که مهندسی هم همراه بود ساعت [illegible] صبح قم بودیم
از صبح رفتیم مریضخانه [illegible] چند ساعت همراه بودند و چند بنا
در آنجا بود [illegible] و در تاریخ ۵ [illegible] ۱۳۰۲ [illegible] کرده آقای حاج
شیخ عبدالکریم از صبح تشریف آورده و نزدیک ابراهیم [illegible]
[illegible] اعلیحضرت [illegible] بنا [illegible]
[illegible] بنا را [illegible] ابراهیم [illegible] کلنگ را [illegible]
[illegible] (امروز برای جمعیت [illegible]
[illegible] اعلیحضرت شاهنشاهی و [illegible]
[illegible] و اعلیحضرت [illegible] مشهد [illegible] اعظم [illegible] جمعیت
و از [illegible] حضرت آیت‌الله [illegible] از [illegible]
[illegible] عمل [illegible] این موفقیت را [illegible]
همت [illegible]
[illegible]
[illegible] در این مریضخانه

[illegible] می‌خواهند [illegible] اخراج [illegible]
بعد از نطق [illegible] اظهار داشتند [illegible] با کمال احترام از حضرت آیت‌الله که در امور
خیریه [illegible] به کار مریضخانه در این شهر مقدس پیشقدم بوده‌اند
تشکر می‌کنم که [illegible] اول کلنگ بنا را [illegible] به زمین زدند)
صبح آقای شیخ عبدالکریم هم کلنگ را گرفته و اظهار داشتند (حقیقتاً امروز [illegible]
[illegible] اقدام [illegible] میرزا [illegible]
[illegible] اعلیحضرت [illegible]
دعا کرده‌ام [illegible]
بود [illegible] در واقع [illegible] خیریه در مملکت و وطن ما وجود [illegible]
پیدا می‌کند [illegible] پادشاه پهلوی اعلیحضرت [illegible] که منفعت را [illegible]
مملکت [illegible] منفعت [illegible]
ادای وظیفه [illegible] امیدوارم [illegible] افراد [illegible]
[illegible] پادشاه [illegible] وطن [illegible]
امور خیریه [illegible] امور مملکتی [illegible] داده

بدوا احتیاج برای ترجمه ایران بخصوص نگاه نمیکنم) ولی از اول انگلیسی حبه کلنگ برای فتح
روز — در موقع نطق امیر اعظم و حضور حضرت عبدالکریم عکسهائی برداشته
شده و در شماره ۱۳۰۲ اطلاعات [illegible] چاپ شده و این نطقها هم آنجا
درج شده — از این به بعد مریضخانه موقتی اداره [illegible] بهار [illegible]
دارای سه نفر معمار که آنجا حاضر شده بودند [illegible]
بنا و معماری این [illegible] و [illegible] معمار [illegible]
و [illegible] میکنند و در [illegible] قرار داشته [illegible] داده بود
چون بنا مریضخانه [illegible] قبول کرد [illegible] مراجعت کردم
اول [illegible] داده شد [illegible] شروع به بنا در [illegible]
۱۳۲۹ مطابق ۴ فروردین ۱۳۱۰ [illegible]
روز زدن کلنگ — از این تاریخ روزها [illegible]
بعد از ظهر [illegible] با مهندس [illegible] روز جمعه [illegible] مریضخانه مشغول
[illegible] مریضخانه [illegible]
و [illegible] مراجعت [illegible] حضرت عبدالکریم [illegible]
قسم بودم [illegible] مریضخانه [illegible]

بسال [illegible] شده [illegible] در روزنامه اطلاعات شماره ۱۵۶۷ مورخه
۲۹ اسفند ۱۳۰۲ نوشته شده فقط [illegible] ساختمان [illegible] و [illegible]
[illegible] بوده [illegible] مریضخانه [illegible] هزار و [illegible]
ولی [illegible] دارد [illegible] دیگری [illegible] مریضخانه
ساخته شد برای [illegible] تقریبا [illegible]
[illegible] سال ۱۳۱۲ مشغول [illegible] ساختمانها [illegible]
[illegible] اداره [illegible] اداره [illegible] ساخته [illegible]
[illegible]
[illegible] اداره [illegible]
[illegible]
بوده [illegible] از امرداد ماه ۱۳۱۵ شروع [illegible]
مریضخانه [illegible] افتتاح مریضخانه [illegible] افتتاح تقریبا
[illegible] شروع شده است

که جمع کثیری از ان [illegible]

در ۱۵ شعبان ۱۳۵۴ مطابق ۲۱ آبان ۱۳۱۴ بنای عمارت

بیمارستان و عمارت [illegible] از طرف [illegible] وزارت [illegible]

[illegible] افتتاح آن با آقا محمد علی فروغی رئیس الوزرا و آقای حکمت [illegible]

و آقای حکمت وزیر معارف شده و گزارش داد از [illegible] دانشکده [illegible]

و [illegible] که اراده شده و [illegible] افتتاح کرد

و برای ساعت ده صبح روز چهارشنبه ۲۱ آبان ماه ۱۳۱۴ [illegible]

با روز پانزدهم ماه شعبان ۱۳۵۴ و ولادت حضرت حجت [illegible]

کارت دعوت برای شرکت در جشن افتتاح دانشکده [illegible]

با [illegible] طهران [illegible] گشاده شد و چون وقت [illegible]

بود بجلسه [illegible] افتتاح و [illegible]

چند [illegible] داشتیم [illegible] مشغول کار [illegible]

آقای [illegible] محتشم السلطنه [illegible]

شب چهارشنبه (شب ۲۱ آبان) در [illegible]

حاضر شده آقای محمود جم [illegible] وزیر داخله خطابه ایراد و [illegible]

[illegible]

[illegible] دبیرستان [illegible] اراده [illegible] حکمت

وزیر معارف خطابه ایراد کرده و [illegible]

[illegible] کردم

طول بقیه ساختمانهای ذکر شده یعنی مریضخانه مسلولین چهارده هزار و هشتصد و پنجاه ذرع

مربع است و با حد وسط سه متر درازی سقفهای معمول از زمین در حجم [illegible] از اطراف ستونها

و تبدیل ذرع به متر مکعبها چهارده هزار متر مکعب و دیگر [illegible]

بنا در سطح [illegible] هشتصد ذرع هم از [illegible] برای [illegible] و [illegible]

مریضخانه احداث [illegible] شده [illegible] ذرع هم بنا [illegible] گردید

و همچنین مریضخانه [illegible] برای [illegible] عمومی و [illegible] اجاره [illegible] ساختمان

داخل بناها در موقع افتتاح مریضخانه تمام شده بود

در موقعیکه شروع به بنای مریضخانه [illegible] خیابان ارم و خیابان مریضخانه

هنوز ساخته نشده بود [illegible] اگرچه [illegible] تنگ و [illegible]

[illegible] که [illegible] از آنها [illegible] داخله مشغول [illegible] شده

[illegible] خیابان ارم را باز کنند و [illegible]

[illegible] و [illegible] اجزاء دیگر

در دوره داخله را مریضخانه [illegible] دعوت کردیم و در آنجا [illegible] بوده

[illegible] نفر بوده [illegible] در بنای [illegible] خانه [illegible] آنها [illegible] شده

حاضر بوده [illegible] و [illegible] که [illegible] و دیگران [illegible] بوده

تا [illegible] خیابان ارم افتتاح و خیابان جلو مریضخانه تا خیابان ارم

درست شد [illegible] مریضخانه در طبقه پائین [illegible] برای [illegible]

و [illegible] چهارده نفره [illegible] و [illegible] برای [illegible]

هشتصد [illegible] و [illegible] بنا [illegible] مریض [illegible] دارد لیکن [illegible]

[illegible] در ابتدا [illegible] شده [illegible] شانزده هزار [illegible]

[illegible] شده [illegible] هزار [illegible] ساختند

در موقع افتتاح مریضخانه دکتر [illegible] مدیر مریضخانه [illegible]

[illegible] دکتر [illegible]

روز یکشنبه ۶ محرم ۱۳۵۱ مطابق ۲۲ اردیبهشت ۱۳۱۱ از طرف مشهد حرکت کردم
[illegible] شده [illegible]
[illegible] صبح حرکت کرده نهار در عباس‌آباد [illegible] شب در [illegible]
[illegible] وارد مشهد شدم [illegible]
شب ۱۲ محرم [illegible] روز ۱۳ [illegible] ۱۴ [illegible]
[illegible] ۱۴ [illegible]
کتابخانه حضرت [illegible] قرآن [illegible]
[illegible] ورق [illegible]
[illegible] قرآن [illegible]
[illegible] قرآن [illegible]
روز دوشنبه ۱۷ محرم ۲ خرداد ۱۳۱۱ [illegible]
روز سه‌شنبه ۱۸ [illegible] ۱۹ محرم [illegible] خرداد
[illegible] مدرسه ابتدائی حضرتی و [illegible] کتابخانه [illegible]
دارالتربیه [illegible] دبستان اطفال حضرتی در [illegible]
[illegible] ۲۰ محرم (۵ خرداد) [illegible]
[illegible] حضرتی [illegible] دبستان اطفال حضرتی [illegible] ۲۳ [illegible]

۲۴ (شب الجمعه) روز ۲۳ محرم (۸ خرداد) نهار منزل [illegible]
۲۵ محرم (۱۰ خرداد) [illegible] کتابخانه [illegible] قرآن [illegible]
حضرت [illegible]
کتابخانه [illegible] شب جمعه ۲۸ محرم (۱۳ خرداد)
[illegible] حضرتی روز جمعه ۲۸ محرم (۱۳ خرداد) [illegible] صبح [illegible]
[illegible] مشهد [illegible] رفتیم [illegible] آباد
روز سه‌شنبه ۲ صفر ۱۳۵۱ (۱۷ خرداد ۱۳۱۱) از مشهد حرکت کرده شب در نیشابور
[illegible]
[illegible] شد [illegible]

در سر در اصلی بیمارستان فاطمی خود کتیبه ای بالا در ... [illegible] ... بود

برای کتیبه مردود ... و در جای ... [illegible] ... ذیل ... ثبت

در عهد دولت اعلیحضرت ... [illegible] ... شاه پهلوی

این بیمارستان به همت ... [illegible] ... فاطمی رئیس ... [illegible] ...

... [illegible] ... و وقف ... [illegible] ... سال شروع بنا ۱۳۱۰ هجری

شمسی مطابق ۱۳۵۰ قمری و سال اختتام و افتتاح ۱۳۱۴

(۱۳۵۴)

به خط عمادالکتاب کاشی پخته و نصب شد

برای کتیبه ... [illegible] ... اشعاری گفته شد شعری که

انتخاب و به خط عمادالکتاب نوشته و کاشی پخته و نصب شد اشعار ذیل است

ذات احد را ز دل شناس بجد ... [illegible]

... [illegible] ...

... [illegible] ...

... [illegible] ...

... [illegible] ...

... [illegible] ...

زانکه ... [illegible] ... چه ... [illegible] ... شبد ... [illegible] ... که افکند ... [illegible]

... [illegible] ... در بلد قم ... [illegible]

... [illegible] ... خستگان ... [illegible] ... شفاخانه ... [illegible]

دارالشفا ... [illegible] ... در خور نعت و ثنای ... [illegible]

با شرف و با کمال ... [illegible] ... فیض ... [illegible]

... [illegible] ... شمس ... [illegible]

دارالشفایی ... [illegible] ... شفابخش ... [illegible] ... شفاخانه ... [illegible]

از پی ... [illegible] ... گفته ... [illegible] ... ساده ... [illegible]

در ... [illegible] ... دو ... [illegible] ... نهاده ... [illegible]

۱۰۸-۹۲۱-۹۰-۹۲-۱۴۶۴

۱۳۵۰

شعر ... [illegible] ... (از پی تیمار خستگان ۶۵) ... [illegible]

و بعد از ... [illegible] ... نوشته شده ... [illegible] ...

کتبه عماد ... [illegible] ... خاک ... [illegible]

ابیات دیگری هم برای ماده تاریخ مرآت الفصاحه [illegible]
ملک الشعراء بهار گفته

در عهد خجسته [illegible] / کز عدل جهان و ملک خرم کرد
شاهنشه پهلوی که این ملک / [illegible] کرد
از [illegible] / ما را ز زمانه محترم کرد
آباد [illegible] / [illegible] کرد
[illegible] الفصاحه [illegible] / [illegible] کرد
[illegible] مرآت الفصاحه [illegible] / این [illegible] کرد
[illegible] / [illegible] کرد
[illegible] / این [illegible] کرد
[illegible] / [illegible] کرد
[illegible] مرآت الفصاحه [illegible] / تاریخ مرآت الفصاحه ختم کرد
بس کلک بهار سال او را / [illegible] کرد

١٣١٣

ماده تاریخ نه مطابق [illegible] و نه [illegible]

محمود خان [illegible] متخلص به شیدا گفته

شنیدم [illegible] در روزگار / بود [illegible] را با [illegible]
[illegible] خلق را / [illegible] بود [illegible] دار
[illegible] خلق [illegible] / [illegible] دانای آموزگار
چو [illegible] / [illegible] دانای [illegible] بکار
[illegible] / بهر علم [illegible] هوشیار
[illegible] شاه ایران پناه / شه پهلوی [illegible]
[illegible] / [illegible]
[illegible] فهیم / [illegible]
[illegible] / در [illegible]
[illegible] / [illegible] این [illegible]

۴ دالکار گفته

شهر قم [illegible] بنا [illegible] پیشتر [illegible] | [illegible] ده [illegible] مرده جان

[illegible] بنا [illegible] قسمت [illegible] | سراج [illegible] دین و مروج ایمان

جناب شیخ محمد قمی | دارای حضرت معصومه [illegible]

عهد پهلوی [illegible] | [illegible] شده [illegible] ضعیف [illegible]

بنای دار الشفا از اهتمام [illegible] | تاریخ گفت [illegible] جاوید

۴ [illegible] گفت تاریخ [illegible] | هزار و سیصد و پنجاه و چهار [illegible]

در انجمن [illegible] | ۱۸ [illegible] طالب [illegible] بنیان [illegible]

از آن [illegible] خلق خدا بود [illegible] | که [illegible] اتمام [illegible] جان [illegible]

برای راحت [illegible] خلق [illegible] | بیان [illegible] شد [illegible] کار [illegible]

[illegible] روز [illegible] گذشته | [illegible] گفت [illegible]

[illegible] از آن [illegible] | [illegible] خداوند [illegible] باشد

چنانکه [illegible] | [illegible] از مردمان باشد

عهد [illegible] پهلوی [illegible] | [illegible]

بنای [illegible] شفا [illegible] | [illegible]

فدای [illegible] | [illegible]

[illegible] سیصد و پنجاه و چهار [illegible] | تمام گشت الهی که جاودان باشد

[illegible] | [illegible]

[illegible] | [illegible]

[illegible] | [illegible]

[illegible] | [illegible]

عهد [illegible] پهلوی [illegible] | [illegible]

[illegible] | [illegible]

[illegible] | [illegible]

سر لطفی نه بنیا کرد ای فقیه [illegible]
ملنگی زود زد بیرون ز تهران [illegible]

جناب دکتر امیر اعلم آن مسیح دم
مهین [illegible] بنیا [illegible] جلیل القدر

که شد [illegible] آن را مرد پاک ضمیر
هزار و سیصد و پنجاه و [illegible] هجرت

سرود [illegible] این [illegible]
در آن تا [illegible] کوتاه

جواب فی البداهه دوست عزیزم جعفر

جواب [illegible] عزیز دوستی [illegible] اهل هنر
جلیل [illegible] هر این بنای [illegible]

جناب [illegible] فهیم [illegible]
سر لطف [illegible] با شکوه و ظفر

[illegible]
که [illegible] در این [illegible]

که [illegible]

در جواب [illegible] دوست [illegible]

حضرت [illegible]
[illegible]

[illegible]

آنکه بنا را از دل [illegible]
[illegible] پاکی او [illegible]

عاشقی [illegible]
زانکه او [illegible] شاه [illegible]

سببی عالی [illegible] دل پاک [illegible]
شهره [illegible] این [illegible] خانه لطف

تا [illegible] بنا باشد [illegible]
سال اتمام بنا [illegible] گفت

[illegible]
[illegible]

چه فرخنده [illegible]
[illegible]

۱۳۵۴

در سال ۱۳۱۲ شمسی ۱۳۵۳ قمری [illegible] مشهد رفتیم روز پنجشنبه ۱۷ جمادی‌الاولی پنجم مهر

ماه با اتومبیل از طهران حرکت کرده شب در [illegible] صبح حرکت شب در [illegible] [illegible] بعد

[illegible] در سبزوار [illegible] صبح حرکت [illegible] وارد مشهد شدیم روز سه‌شنبه [illegible] رجب (۲۳ مهر)

حرکت [illegible] کرده شب [illegible] و شب [illegible] دامغان و شب جمعه [illegible] در بابل و [illegible] شنبه

در [illegible] (نمک‌سر) و دوشنبه [illegible] در رشت [illegible] ۱۲ از رشت حرکت کرده

شب در قزوین و [illegible] ۱۳ رجب [illegible] [illegible] [illegible] منزل [illegible] صبح [illegible]

و روز [illegible] منزل [illegible] و روز ۲۲ [illegible] منزل [illegible] [illegible] و روز ۲۳ منزل [illegible]

در دوشنبه ۱۴ ذیحجه ۲۹ اسفند سال ۱۳۱۳ با [illegible] از طهران [illegible] حرکت کردیم شب در قم

و شب ۱۵ در [illegible] [illegible] صبح [illegible] اصفهان شب [illegible] [illegible] روز [illegible] [illegible] [illegible]

در [illegible] از روز یکشنبه ۳ ذیحجه منزل [illegible] [illegible] و شب [illegible] منزل [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] و روز ۳ [illegible] [illegible] [illegible] و [illegible] [illegible] [illegible] منزل [illegible]

[illegible] [illegible] و روز چهارشنبه در [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] بودیم

و در اصفهان در [illegible] [illegible] منزل [illegible] و شب [illegible] منزل [illegible] [illegible] اصفهان

بودیم

در ۲۹ بهمن ۱۳۱۶ با [illegible] [illegible] ([illegible] [illegible] [illegible]) [illegible] [illegible] [illegible] کردیم ۳۶

[illegible] ۱۴ محرم [illegible] ۲۷ [illegible] [illegible] روز ۲ فروردین ۱۳۱۷ (۲۰ محرم

۱۳۵۷) منزل [illegible] [illegible] [illegible] بودیم [illegible] [illegible] در [illegible] [illegible] [illegible]

وارد [illegible] شده در روز ۶ فروردین [illegible] [illegible] طهران حرکت کردیم

در روز [illegible] [illegible] ۱۳۱۷ (۳۰ ربیع‌الثانی ۱۳۵۷) حرکت [illegible] تبریز کردیم

شب جمعه در [illegible] [illegible] و روز جمعه [illegible] و شب منزل [illegible] [illegible] [illegible]

شب [illegible] [illegible] تبریز [illegible] [illegible] وارد شده روز ۱۴ [illegible] [illegible] [illegible] رفته شب در [illegible]

منزل [illegible] و شب ۱۵ منزل [illegible] [illegible] صبح ۱۶ از آنجا حرکت کرده

[illegible] [illegible] [illegible] ۵ [illegible] و شب در [illegible] منزل [illegible] [illegible] بودیم و [illegible]

~~[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]~~ ([illegible]) [illegible] [illegible]

۱۸ در [illegible] منزل [illegible] [illegible]

روز ۱۸ [illegible] حرکت کرده شب ۱۹ [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] در [illegible] و صبح [illegible]

[illegible] و [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] ۲۱ [illegible] [illegible] [illegible] و از آنجا به تبریز

رفتیم منزل [illegible] [illegible] [illegible] منزل [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] شب [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] بودیم [illegible] منزل

[illegible] روز پنجشنبه ۲۹ [illegible] از تبریز حرکت کرده شب [illegible] و [illegible] روز ۲۴

[illegible] وارد طهران شدیم

در شوال سنه ۱۳۲۰ قمری بجهت اتفاقات در طریقه تصوف و ابر کلهم در باطن و [illegible]

به در [illegible] دارد [illegible] شنیده ام به بعضی و بعضی [illegible]

[illegible] سید حسینی [illegible] رسیده دستور العمل [illegible] مشغول [illegible]

شدم و بعد از غسل توبه و غسل [illegible] دستور ذیل داده [illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم

چون از خواب بیدار شدید بعد از ۱۴ مرتبه [illegible] بنشیند و بعد [illegible]

قبل از فجر [illegible] مستقبل القبله نشسته [illegible] مرتبه بگوید [illegible]

[illegible] اول فجر اذان و اقامه گفته قبل [illegible] بجا اورده [illegible]

[illegible] بجا اورده بعد از [illegible] تلاوت کند

و [illegible] مرتبه [illegible] بگوید و [illegible] مرتبه یا باسط بگوید [illegible]

[illegible] و [illegible] بخواند اول [illegible]

و [illegible] قبل و بعد صلوة ظهر بجا اورده [illegible] تلاوت کند و بعد [illegible]

[illegible] بگوید صلوة عصر [illegible] اذان [illegible]

[illegible] اقامه [illegible]

[illegible] بخواند [illegible] صلوة [illegible] اذان

[illegible] صلوة [illegible] بجا اورده [illegible] تلاوت کند [illegible] مرتبه

اینه خود [illegible] بخواند [illegible] اذان صلوة عشا بخواند قبل [illegible]

[illegible] بخواند بعد [illegible] القوی [illegible] مرتبه یا باسط ۷۲ مرتبه [illegible]

[illegible] بخواند [illegible] مشرق [illegible] بخواند [illegible]

[illegible] بخواند [illegible] حقیقت [illegible]

[illegible] بجمال خود [illegible]

([illegible])

دستور [illegible] چون [illegible] حق [illegible]

[illegible]

[illegible]

الحمد لله الذی [illegible] الحمد لله الذی [illegible]

[illegible] الحمد لله الذی جعلنا من المتمسکین [illegible] محمد و [illegible] علی [illegible]

والحمد لله الذی جعل [illegible] الحمد لله الذی

[illegible]

[illegible] مشغول [illegible]

دار [illegible] اذان و اقامه [illegible]

[illegible] صلوة [illegible]

طاهره الکبری یکمرتبه تسبیح زهرا صلوات عشری یکمرتبه چهل مرتبه یکمرتبه لا فتی الا علی لا سیف الا
ذو الفقار ده مرتبه یکمرتبه یا علی یا عظیم یا علی یا حی یا [illegible] یکمرتبه در [illegible]
کذاردن دست چپ روی پیشانی [illegible] که خوانده باشد [illegible] صلوات [illegible]
یکمرتبه [illegible] تلاوت کند [illegible] مشغول [illegible] تا طلوع آفتاب
در [illegible] [illegible] اینکه [illegible] کند [illegible] بالکمال [illegible]
این ذکر بخواند [illegible] و الدعا [illegible]
[illegible] یا مقلب القلوب و الابصار یا محول الحول و الاحوال حول حالنا
الی احسن الحال [illegible] سید الشهداء [illegible]
و [illegible] ارواح [illegible] [illegible] کند [illegible] و اشتغال [illegible]
[illegible] توجه [illegible] کند [illegible] اول [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] تلاوت کند مشغول [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] صلوات [illegible]
[illegible] [illegible] بخواند [illegible] [illegible]
اذان [illegible] [illegible] [illegible] صلوات [illegible]
کذاردن [illegible] [illegible] بخواند

طاهره الکبری یکمرتبه تسبیح زهرا [illegible] صلوات یکمرتبه چهل [illegible] یکمرتبه [illegible]
[illegible] یکمرتبه صلوات [illegible] یکمرتبه [illegible] تلاوت کند [illegible]
[illegible] [illegible] توجه مشغول [illegible] کند [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] کند اول [illegible] صلوات [illegible] بخواند [illegible]
[illegible] بخواند [illegible] صلوة [illegible]
[illegible] بخواند [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] تلاوت کند [illegible]
[illegible] صلوة [illegible] [illegible]
[illegible] اذان [illegible] صلوة [illegible] بخواند [illegible]
[illegible] بخواند [illegible] طاهره الکبری تسبیح زهرا صلوات
[illegible] [illegible] کذاردن دست چپ روی پیشانی
[illegible] صلوات [illegible] یکمرتبه [illegible] تلاوت کند [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible]

جز اینکه سجده شکر [illegible] بجز سجده ذکر و سر برهنه [illegible] وجبهه [illegible]

وحده و توحید [illegible] اوراد [illegible] بخوانند وقت خواب [illegible]

[illegible] و التعلیم [illegible] الفقر [illegible]

[illegible]

[illegible]

اول طلوع [illegible]

[illegible] ولا تلبسوا

الحق بالباطل وتکتموا الحق وانتم تعلمون [illegible] وقت خواب نقش

صد و جبهه [illegible] تشهد و صلوات [illegible] اول شروع نقش صد

و اول تشهد [illegible] و اول شروع نقش جبهه

و اول صلوات [illegible]

در اینجا اسم لازم [illegible]

صلوات کبری

اللهم صل علی المصطفی محمد والمرتضی علی والبتول فاطمة والسبطین الحسن والحسین

وصل علی زین العباد علی والباقر محمد والصادق جعفر والکاظم موسی

والرضا علی والتقی محمد والنقی علی والزکی العسکری الحسن والخلف الهادی

المهدی صاحب الزمان

اینکه شهادت کبری [illegible]

اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له واشهد ان محمدا عبده ورسوله واشهد ان

علیا والائمة المعصومین حجج الله

نادعلی

نادِ علیاً مظهر العجائب تجده عونا لک فی النوائب کل هم وغم سینجلی بعظمتک

یا الله بنبوتک یا محمد بولایتک یا علی یا علی یا علی

[illegible] مراقبه [illegible]

[illegible]

[illegible]

قلبیه ذکر اسم جلاله وارد شود و اذکار دیگر را مستقیم مشغول شد الله گوئی اول کند وارد اوراد و اذکار

و اوقات و خلوات و مراقبه‌ها از قسم مسموع محول بکار باید دهیم در کوهستان دیگر

حتی تلاوت قرآن رجوع نکند اوراد و وظایف و اذکار بکلی تکمیل ترک کند مرد خود را

در دریچه‌های دل خود بجوید و از خدا آنرا از غیب خود بخواهد که حقیقت خود

روی نماید که جمیع حجاب‌ها کنار کند چهره ذکر القلوب گردد که پیر هم در او می‌گردد

گردد و در کشف صلوة مطلقا نداشته باشد در شریعت که لسان ربانی در دلالت مطیع او را

بر اینکه قسم اشهد ان محمدا عبده و رسوله و اشهد ان علیا و اولاده الائمة

المعصومین حجج الله بعد صلوات نوشته از صلوات کبری نوشته

مهر بنهد و بعد از سلام بنویسد که السلام علیک ایها النبی و رحمة الله

و برکاته السلام علینا و علی عباد الله الصالحین السلام علیکم

خطاب که در زبان کند همچنین باید ظاهر خود را بتصفیه شرع کند و باطن خود را

متخلق باخلاق اولیا کند همچنین باید ظاهر خود را رفع عیب کند و باطن را

از خطا پاک کند همچنین باید رو را از فخر و منی و شهوت نظر پاک نماید

باید نفس کند و پاک باشد همچنین ظاهر را غرق در [illegible] و خوش سرور بر خود

قلم او بشکند و همچنین او مشغول بذکر الهی باشد باید ظاهر همچنین

سیر باید و باطن عقل باید همچنین ظلم باید از همچنین باید

باید ظاهر خود را بشکل انبیا داند و باطن خود را منتقم بعقل گرداند

خود باید ظاهر خود را مخالف نفس شریعت نکند باطن خود طریقت باشد و قلبش حقیقت

گردد و همچنین باید نفس که محول گردد تا دارای صورت اهمیت گردد و دلش تسکین و جمع

عادت نکند تا صورت انسان محقق گردد و بید لشکر انسانی لکن باید دارای جامعیت

تا دارای صورت جعفر گردد و از خلق تحمل مشتاق و رفتار کند تا دارای صورت انسان

گردد نفس و همچنین باید از اولیا کلیه شبیه عامه شریعت و طریقت اولیا خوبیش قرار

خاصیت و حفظ چون بوقوف خدا اشامل و بعد از نفس کامل بود از تکمیل گشته

مشغول به تصفیه نفس و تکیه تکلف شده و به تکلیف خود را اصلاح و نفس را آماده

گذشته و بعدا آنکه خود مشغول شده تا رفته رفته ابدی صاحب نفس مطمئنه گردد

و باطن فانی شده و در صراط صحیح برابر باز باطن و حقیقت خود بنمای

نفس مطمئنه را ضمیمه مرضیه شوند و از ترک جمیع خود گذشته و متوجه الوهیت و ورود

پیوسته وارد توحید افعالی و صفاتی هم گذشته صاحب توحید ذاتی و فنای گردد

این کلمه را سهل نگاه و نوشته اشاره‌ای دارد

بسم الله الرحمن الرحیم

مسالک هر شب دو ساعت از خواب بیدار شود و [illegible] رکعت نماز شب [illegible] و هفتاد [illegible]
الاستغفار بجا آورد و بعد از استغفار ده مرتبه [illegible] بگوید سبحان ذی الملک
والملکوت سبحان ذی العزة والعظمة والقدرة والکبریاء والجبروت سبحان الملک الحی
الذی لا یموت سبوح قدوس ربنا ورب الملائکة والروح [illegible]
رکعت نفل [illegible] قرآن تلاوت کند و مشغول ذکر و [illegible] توجه شود
تا صبح طالع شود. بعد از اذان [illegible] دو رکعت نفل [illegible]
و مشغول به ذکر [illegible] تا طلوع آفتاب و بعد از طلوع آفتاب [illegible]
چهار رکعت صلوة اشراق هر دو رکعت به یک سلام [illegible] بعد از حمد [illegible]
و در [illegible] واللیل [illegible] والضحی [illegible] الم نشرح بعد از سلام [illegible] مرتبه
[illegible] وقت [illegible]
[illegible] بعد از صلوة اشراق بجا آورد [illegible] بعد از اذان [illegible]
و نماز عصر بعد از [illegible] نوافل [illegible] بعد از عصر [illegible]
استغفار بعد از عصر [illegible] مشغول [illegible] اذان و اقامه
و نماز مغرب [illegible] رکعت نفل [illegible] الواقعه و ۲۱ مرتبه [illegible] اقامه
و نماز عشاء [illegible] و ۱۰۰ مرتبه [illegible]
و مراقبه [illegible]

در کوشش [illegible] شب جمعه [illegible] اعمال [illegible] جمعه [illegible] شهر ربیع
المولود ۱۳۴۱

سالک هر شب [illegible] از خواب بیدار شود بعد از تجدید وضو [illegible]
نفل شب و شفع و وتر [illegible] هفتاد مرتبه استغفر الله الذی لا اله الا هو الحی القیوم و اتوب الیه
و سیصد مرتبه العفو [illegible] صد مرتبه [illegible] بعد از صلوة
صبح [illegible] نفل [illegible] مرتبه الحمود [illegible]
و [illegible] بعد از آفتاب صلوة اشراق [illegible]
اشراق [illegible] نوافل ظهر [illegible] مرتبه الحمود
[illegible] نوافل [illegible] مرتبه [illegible]
[illegible] نوافل [illegible] مرتبه [illegible] الواقعه و الحمود [illegible]
[illegible] صلوة اشراق [illegible]
[illegible] نوافل [illegible]
[illegible] خواب [illegible] طلوع [illegible]

و کار اورا دو قلب اثر تمام دارد تمام انفس و دل با شور احکام و انفس و ترک
خواب و همه اذکار در [illegible] شب و در شب روز در مکان خلوت [illegible] و [illegible] سر شد
هو الله الذی لا اله الا هو عالم الغیب والشهاده هو الرحمن الرحیم هو الله
الذی لا اله الا هو الملک القدوس السلام المومن المهیمن العزیز الجبار المتکبر
سبحان الله عما یشرکون هو الله الخالق البارئ المصور له الاسماء الحسنی
یسبح له ما فی السموات والارض وهو العزیز الحکیم و در ذکر خفی بیش از صبح و بعد
از ظهر و عصر و مغرب [illegible] صبح و شام و [illegible] دیگر [illegible] و از خود [illegible] فوت
ذکر ملک [illegible] فی اوقات [illegible] الشکر لله [illegible] دارم

جمعه ۱۱ شهر جمادی الثانیه ۱۳۲۱

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم
الحمد لله الذی هدانا لهذا و الصلوة علی نبیه آدم الاول محمد [illegible] والسلام علی خلفائه
دائمه و بعد [illegible] محمد المهدی المنتظر [illegible] توفیق [illegible]
[illegible] حضرت سالک [illegible] و [illegible] الطریقه [illegible]
[illegible] السید محمد [illegible] الحق شد

[illegible] سعد [illegible] ضعیف جون اورا [illegible] ذکر [illegible]
[illegible] او [illegible]
[illegible] ذکر [illegible] اوراد [illegible] و نوافل
و [illegible] اوراد [illegible]
[illegible]
[illegible] اوراد [illegible]
[illegible]
[illegible] ۲۳ [illegible]
[illegible]
[illegible] الحادی الاولی [illegible]
[illegible] السالکین [illegible] المعتقدین بالیقین [illegible]
[illegible] جل جلاله [illegible]
[illegible]

ایشان خدا را غافل نشوند و در همگی اوقات دارای عشق المتوار اراده هر شعبه را
بطرف اراده راه حق کنند و هر شعبه دیگر ارادت و عمال حالت تربیت شان
نشود بهر لسان که دارند اف ی بر کنند و کتمان نکنند الا اهل و در خارج
و داخل طهران هم از روها خواهان نیست که تعلیم ذکر خفی و لسان از آن ادله اسم جمع
کنند و عباد هم را بفهم ادعا روا و در مرتبه خلق کنند و در خرج و کتمان از خلق
راه حق نکنند و با تمام عباد الله نیست که اطاعت امر ایشان کنند و بعضی
از آن بالغش فقیر نه اند و بر خود اشکال که این لقب را بزرگ دانند
و بعضی از او را که لطف و لفظ درویش است محفوظ کنند تقلید آنان سعی در راه حق
اراده مردم را بتعلیم حقیقت اهل بیت بکشند و همه از این فصل بیت راه
و دفا و صف خود شان دنیا را بدین معمول دارند و محبت و مودت را البته
مرض بمجرد دارند و توبه دوچرخ و سهر و غفلت و صحبت خود کرده و ذکر که از آن
این را بیت و طی این منزل بدون این از کاملان نگذارد خود بیان
رعایت کنند و الحال بهمگی عقد اخوت با یکدیگر بستند پس بر همه
تعقل نخواهند کرد الحال دولت ایشان دولت فقیر است و بعضی

و در ... ایشان و بعضی فقیر نیست البته در خارج طهران و داخل طهران تعلیم ذکر
خفی و لسان با عقد الطریقه که از فقیر مسموع داشتند و در طهران مردم را بزبان
این طریق اما به امان دعوت کنند و احیای نفس کنند و ضرب ایشان الیوم
چنین نیست پس با همه بعد دادن آنها کلمه و همت الیه ... راه حق
مفتوح شود در تمام ... خدا را البته تا دعا و توجه ایشان
برادران دارم ۶ ج آخر سنه هزار و سیصد ۱۲

طریق ذکر این فقیر صورت از شیخ عبدالصمد ... ایشان از پیر
علیشاه ... و ایشان از شاه طاهر ... و ایشان از پیر
... و ایشان از ... جعفر ... و ایشان از ...
اصفهانی و ایشان از نور علیشاه اصفهانی و ایشان از سید معصوم علیشاه دکنی
و ایشان از رضا علیشاه ... و ایشان از ...
شمس الدین دکنی و ایشان از شیخ محمود دکنی و ایشان ...
و ایشان ... شیخ عبدالله یافعی یمنی و ایشان از شیخ ... مغربی

و ایشان خرقه پوشیده شیخ کمال الدین کرخی و ایشان مجاز از شیخ ابوالفتوح الشهید

و ایشان مجاز از ابو مدین مغربی و ایشان از کوشه پوشیده ابومسعود اندلسی و ایشان

مرید شیخ ابوالبرکات و آنحضرت مرید ابوالفضل بغدادی و ایشان مرید

شیخ احمد غزالی طوسی و ایشان مرید شیخ ابوبکر عبدالله نساج و ایشان از جانب

شیخ ابوالقاسم گرگانی و ایشان از جانب ابوعثمان مغربی و ایشان قائم مقام

ابوعلی کاتب و ایشان مجاز از شیخ احمد بن محمد علی رودباری و آنحضرت

خلیفه شیخ جنید بغدادی و ایشان از جانب شیخ سری سقطی و ایشان مرید

و تربیت یافته معروف کرخی و ایشان از حضرت رضا علیه و علی آبائه

السلام و علی ابنائه الائمة النجباء السلام الفقیر حسین الحسینی النعمة اللهی

الطهرانی ۱۳۲۱

الحمدلله که در اجازه نامه فوق تاریخ ... ثبت بعد از تحقیق ذکر ... اردبیلی ... نوشتم

در ... مسجد ... و ... [illegible] ...

... [illegible] ...

دیگر فقط روزی یک ساعت در حجره فکر میکردم که از حضور ... باشم به دیدن توفیق

مراجعت میکردم ... با هم ... میکردم حیوانی ... و غذا در شبانه روز

منحصر بیک عدد نان خشک بود تا اوقات گشتن در ذکر و فکر و مراقبه بودم و چون در مراجعه

حال روحانی ... انوار و چیزهائی که میکردم دلتنگ نمیشدم و میل به تنهائی داشتم

در شب ... قبل از اردبیل ... شیخ مراقبه بود ... که مشغول

ذکر و ریاضت بودم روزی ... که مردم ... میشدم فراهم کرده و شب در ... شیخ

مراقبه میشدم ... و ابتدا ... حدود ... احوال ... شدم و ما بعد

از آن گذشت دو سه ماه اوقات مراقبه میشدم در اردبیل چیزهائی ...

... اردبیل ... در ... بود ... اراده ... [illegible]

... [illegible] ...

... [illegible] ...

اردبیل ... داشتم که ... اردبیل ... [illegible]

... [illegible] ...

ذاکر حق [illegible] بیدار دل [illegible] که در اول نوشته شد [illegible] دیگر [illegible] داده شد

(منقول از [illegible]) [illegible] (قاضی [illegible]) [illegible] عمل [illegible]

[illegible] و عمل [illegible] [illegible] شد

بسم الله الرحمن الرحیم

اما بعد چون طالب راه حق شد [illegible] چند وصف باید داشته باشد [illegible] اول

او صحبت [illegible] و اطاعت امر [illegible] [illegible] و [illegible] از [illegible]

و [illegible] و [illegible] کردن [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] و [illegible] از غیر خدا [illegible]

دل از برای انوار حق [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

برادر جان [illegible] روز [illegible] روز [illegible] و [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] و [illegible] [illegible] مشغول [illegible]

[illegible] [illegible] و باطنش [illegible] [illegible] [illegible]

صوفی ظاهرش [illegible] از دنیا و باطنش [illegible] [illegible] صوفی [illegible] ظاهرش [illegible] [illegible] را

و باطنش طالب [illegible] [illegible] و [illegible] مشغول گردد صوفی [illegible] [illegible]

[illegible] مشغول [illegible] دارای [illegible] گردد [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] گردد [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] دارای [illegible] گردد از [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

گردد سالک [illegible] خود را در مقابل شیخ [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

و [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] خود را [illegible] [illegible] از مردم [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] مردم را [illegible] [illegible] [illegible] از [illegible] خلق [illegible] نکند [illegible]

و [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] الله [illegible] از خلق [illegible] [illegible] شب و روز [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] با خدا [illegible] [illegible] ظاهر و باطن خود را [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] و [illegible] [illegible] [illegible] مشغول شود از [illegible] [illegible]

و [illegible] [illegible] [illegible] اطاعت کند

[illegible] از [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

از خواب بیدار [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] اول [illegible]

اذان و اقامه گفته دو رکعت نافله صبح بنیت قربة الی الله و دو رکعت فریضه صبح به نیت
اتقا لله در هر چه بخوان بعد از سلام بعد از اسم هو ۹۸ دفعه القوی المتین بگو
و طامة الکبری و تسبیح زهرا (ع) گفته کرده قبل از طلوع آفتاب دو سجده شکر رفته
هفتاد و دو مرتبه الباسط بگو بعد از آن مختصر کرده یکصد و سی اخلاص ارواح
سالکان طریق قرائت کند

اول ظهر اذان و اقامه گفته هر رکعت نفل ظهر
قربة الی الله و فریضه ظهر اتقا لله هر چه خوانده اوراد مذکوره از ذکر و طامة
الکبری و تسبیح زهرا (ع) خوانده از روی فتح تلاوت کند وقت عصر از
نزدیک غروب آفتاب گفته دو رکعت نفل عصر قربة الی الله و نماز عصر
اتقا لله هر چه خوانده اوراد مذکوره بگوید ۷۰ بخواند و صد مرتبه
استغفار بگو بعد سجده با ذکر مذکور در بار و تحمید و تکبیر بخواند

اول مغرب اذان و اقامه گفته نماز مغرب اتقا لله الله و دو رکعت
نافله مغرب قربة الی الله خوانده اوراد مذکوره ۹۸ القوی المتین

و طامة الکبری و تسبیح زهرا (ع) گفته کرده و اقعه تلاوت کند وقت عشا
از شب گذشته اقامه گفته نماز عشا بجا آورد بعد از نماز دو رکعت نماز وتیره
نشسته اوراد مذکوره و الی آخر بخواند سجده و ۷۰ مرتبه الباسط
در بار وقت و چند و اخلاص بخواند

هر شب یا روز وقت صبح در مکان خلوت چند نفر با توجه تمام
اخذ از فقیر در نقطه یا در چشم مراقبه ۱۲ مرتبه صلوات فرستاده
یکصد و سی اخلاص بخواند و چهار مرتبه بگوید العلی العظیم ذکر در جه در
با بنده ادبی به بلند بگوید بگو در شیخ عرض کند

الله و ان محمدا نبي الاسلام و ان الكعبة قبلتي امير المؤمنين علي امامي حسن المجتبى امامي

حسين الشهيد امامي علي بن الحسين امامي محمد بن علي امامي جعفر الصادق امامي

موسى الكاظم امامي علي الرضا امامي محمد بن علي امامي علي بن محمد امامي

حسن العسكري امامي محمد المنتظر امامي اشهد ان الموت حق و ان القبر

حق و الصراط حق و الميزان حق و الحساب حق و الكتاب حق و الجنة

حق و النار حق

خط قبر و کتیبه قبر مرحوم حاجی سید جواد عموی [illegible] که در روی سنگ نوشته است

الناس موتى واهل العلم احياء

لقد ثلم في الاسلام ثلمة لا يسدها شيء لقد حل في هذا المحل وودع عالم

الفناء الى دار البقاء ارتحل سيد فقهاء الاسلام اعلم العلماء الاعلام

الجواد الذي لا يوجد له لحاق والبدر الذي اعتراه المحاق حليف العلم والتقى

الفقيه السيد الاجل العماد الحاج سيد جواد الحسيني الطاهري حشره الله مع

اجداده الامجاد في يوم الاثنين ثالث عشر صفر سنة ١٣٠٣

بانك بين اهل الحق هدينا ركن ومن اهلها قلب الهدى انصدعا

مضى الهدى والتقى لما مضى وغدا باب الجهالة في الافاق متسعا

سر دارانش قبر آخوند ملا محمد طاهر است و پهلوی آن قبر مرحوم حاجی میرزا علیرضا در روی

سنگ قبر آمیرزا علیرضا نوشته است

هو الحي الذي لا يموت

لقد مات امام الانام ومقتدى الخواص والعوام مكفل معاش

الفقراء والايتام مفخر السادات العظام قدوة العلماء علیرضا

بن محمد الحسيني الطاهري القمي في واحدي وعشرين من شوال المكرم

١٢١٨

هو الغفور

الهی ار ز دوق شریعت و دین [illegible] / حقا این خاکدان بابش و [illegible]

شراع جمیع [illegible] او [illegible] / عقل کفتا که [illegible]

روی سنگ مرحوم السید الجلیل نوشته است

بسم الله الرحمن الرحیم [illegible] بالله الحلیم الکریم

هذا مرقد السید العالم الفاضل الکامل اللوذعی الالمعی اعنی علامة عصره واوانه حائز قصبات السبق من علماء زمانه معتنی المظلومین بیده ولسانه السید الجلیل النبیل السید اسماعیل عمر الله بر حمته وحشره مع ائمته توفی فی شهر رجب سنة ۱۱۴

و این سنگ نوشته شده

سید اسماعیل آن بحر علوم
هیچو نور از چشم مشتاقان برفت
داشت چون شوق لقای حق بعین
تکیه چو تا روضه رضوان برفت
سال تاریخش چو کردم جستجو
عقل گفتا رونق ایمان برفت
۱۱۴۰

مناهج الاصول محقق قمی
جوامع الفقه [illegible]
تفسیر سوره یوسف غزالی ۲
تذکرة الفقهاء
ترجمه [illegible]
مطول
لهوف ابن طاووس
جواهر القرآن غزالی
توحید صدوق
تفسیر جوامع الجامع [illegible] مجمع البیان
تفسیر صافی
تفسیر [illegible] الامام ۱
مختصر [illegible]
امالی صدوق
۳ و ۴ بحار
۹ بحار
فصول [illegible]

حاشیه بر شمسیه - خطی
ترکیب [illegible]
مختصر [illegible]
شرح [illegible] - خطی [illegible]
مجموعه احادیث [illegible] ۳۴
[illegible]
نجات العباد
[illegible] عروة الوثقی [illegible]
ازاحة [illegible]
فوائد [illegible]
ارث [illegible] - خطی
رساله [illegible]
رساله [illegible]
[illegible] الاسلام [illegible]
نور الانوار [illegible]
[illegible]
[illegible]

تعليقه بر مكاسب شيخ ابو القاسم الكلانتر

شرح دروس ... [illegible]

تذكره خواص الائمه

شرح قواعد ...

تعليقه بر تنقيح المقال

قواعد الاحكام

جامع الشرايع حلى

مختلف الشيعه

رياض المسائل

[illegible] الفقه

مدارك الاحكام

[illegible] الاصول

[illegible]

شرح لمعه

سراج الامه

[illegible]

مصادر الادلة في اصول الفقه

سؤال و جواب رساله [illegible]

[illegible]

تحرير الوسيله

اثبات الوصيه مسعودى

شرح گلشن راز [illegible]

روز پنجشنبه ۱۶ اسفند ۱۳۱۸ مطابق ۲۷ محرم ۱۳۵۹ وقت غروب [illegible] ایستگاه
راه آهن حرکت کردیم و ساعت هشت و چهل و دو دقیقه بعد از ظهر [illegible] به اهواز حرکت کرد
همراهان خانم و همشیره و [illegible] خانم دکتر [illegible] بودند وداع کرده [illegible]
شدیم شب جمعه و روز جمعه و شب شنبه در راه بودیم روز جمعه به واسطه خرابی قسمتی از راه که به واسطه سیل
خراب شده بود [illegible] ترن [illegible] که از اهواز [illegible] معطل شدیم و [illegible] به اهواز [illegible]
صبح شنبه ۱۸ اسفند وارد اهواز شدیم و در مهمانخانه [illegible] منزل کردیم راه اتومبیل رو از
اهواز تا خرمشهر به واسطه [illegible] خراب شده و [illegible] از آن راه ممکن نبود [illegible] با کشتی از رود کارون
رفت [illegible] کشتی [illegible] روز [illegible] ۲۳
اسفند ۱۳۱۸ مطابق ۴ صفر ۱۳۵۹ [illegible] شدیم و در مهمانخانه [illegible] منزل گرفتیم
[illegible] صبح [illegible] از اهواز [illegible] کشتی [illegible] درجه اول [illegible] ساعت [illegible] صبح
[illegible] شدیم ساعت [illegible] بعد از ظهر وارد [illegible] شدیم [illegible] خرمشهر [illegible]
و رود کارون [illegible] به واسطه [illegible] در رود [illegible] ساعت
سه بعد از ظهر روز جمعه ۲۴ اسفند از خرمشهر با اتومبیل حرکت کردیم قبل از ظهر روز
جمعه به آبادان رفته با [illegible] فاطمی در [illegible] بود عبادت کردیم
[illegible] صبح [illegible] که در خرمشهر بود و بعد از ظهر [illegible]
که از [illegible] ایرانیها [illegible] کردیم

با [illegible] فاطمی [illegible] آبادان [illegible] حرکت کردیم
نزدیک غروب جمعه وارد [illegible] بصره شدیم و شب شنبه را آنجا بودیم و در مهمانخانه منزل کردیم
موسوم به المنزل السعید روز شنبه ۲۵ اسفند ساعت هفت بعد از ظهر در راه آهن نشسته و شب
یکشنبه در راه بودیم روز یکشنبه ۲۶ [illegible] ساعت [illegible] بعد از ظهر وارد کربلا شده در خانه [illegible]
خادم منزل کردیم تا روز سه‌شنبه کربلا بودیم روز سه‌شنبه ۲۸ اسفند (۹ صفر ۱۳۵۹)
از کربلا به نجف رفتیم و در خانه [illegible] منزل کردیم [illegible] در نجف [illegible] در روز پنجشنبه اول
فروردین ۱۳۱۹ [illegible] تا روز چهارشنبه هفتم فروردین
نجف بودیم روز چهارشنبه [illegible] ساعت [illegible] از نجف حرکت و قبل از ظهر وارد کربلا شدیم
و تا روز چهارشنبه ۲۱ فروردین (اول ربیع‌الاول ۱۳۵۹) کربلا بودیم روز چهارشنبه
به کاظمین رفتیم روز چهارشنبه ۲۸ [illegible] از کاظمین [illegible] سامرا حرکت و [illegible]
را زیارت کردیم و تا روز شنبه ۳۱ فروردین سامرا بودیم و روز شنبه قبل از ظهر
از سامرا [illegible] کاظمین حرکت کردیم و روز [illegible] از کاظمین [illegible] رفته
و روز چهارشنبه ۱۹/۲/۴ از [illegible] حرکت [illegible] نجف رفتیم و وارد [illegible] منزل [illegible]
[illegible] شدیم [illegible] در نجف بودیم و روز پنجشنبه [illegible] (۱۴۱۸)
از نجف به کربلا رفته و روز چهارشنبه ۱۹/۲/۱۱ رفتیم کاظمین و روز سه‌شنبه ۱۹/۲/۱۷

(هوالباقی)

هذا مرقد المرحوم المبرور السید ابوالقاسم ولد مرحوم [illegible] الآن السید محمد التقی الفاطمی

بکم رمضان ما افتاده اوذر
زمرگ فاطمی در بیچ [illegible]

جوانی خود در ادب و اخلاق
دل [illegible] تنکش [illegible]

نگاه [illegible] فضل و دانش
[illegible] قرآنی برابر

خود بر سید [illegible] و خالق
هم از فضل [illegible] او [illegible]

بگفتم فاطمی [illegible] شاد
ببرد فاطمه با نور محمد

[illegible] ساعت [illegible] صبح [illegible] شب روز پنجشنبه ۱۹ [illegible] ۹ [illegible]
روز جمعه بیستم اردیبهشت ۱۳۱۹ (اول ربیع الثانی ۱۳۵۹) [illegible] تهران [illegible]
شد

در وسط قبرستان شیخان قم جنب صحن حضرت معصومه است محوطه شبیه معروف بشیخان
این اواخر آن قبرستان محو شده و در وسط باغ ملی احداث نموده و عمارتها اطراف
باغ درست کرده اند که آنرا باغ ملی گویند و در وسط آن باغ محوطه شیخان را باقی
گذارده اند و در این محوطه چند اطاق دارای گنبد کاشی است متعلق بعلما و محدثین
معروف از آنجمله گنبدی که وارد شیخان شوند در طرف جنوب بقعه مرحوم میرزا ابوالقاسم
جیلانی قمی صاحب قوانین است و در طرف شمال آن قبر صحابی بقعه زکریا بن آدم
در بقعه زکریا بن آدم قبور دیگر هم موجود است بترتیب ذیل از جنوب بشمال

۱ — قبر زکریا بن آدم
۲ — قبر مرحوم حاجی سید جواد صفوی قمی
۳ — قبر آخوند ملا محمد [illegible]
۴ — قبر حاجی میرزا علیرضا صدر قمی
۵ — قبر آقا سید اسمعیل
۶ — قبر میرزا ابوطالب

در روی قبر زکریا بن آدم نوشته شده است: هذا مرقد الشیخ النبیه الثقة الجلیل
النبیل الدین المامون علی الدنیا والدین الزکریا بن آدم ابن عبدالله
ابن سعد الاشعری القمی رضی الله عنه وارضاه وجعل الجنة منقلبه
ومثواه وهو من اجلة اصحاب الصادق والرضا والجواد صلوات
الله وسلامه علیهم اجمعین فی ۱۱۳۰